



دَفْعُ وَرَفْعُ

پاسخ به سوالات و شبهاتی پیرامون

انتخابات ریاست جمهوری

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

(خوزه‌های علمیه)

پاسخ

ضمیمه فصلنامه پاسخ
pasokhmag.ir



فهرست

مقدمه

انتخابات و نقش مردم

- ۹ چرا همیشه در مشارکت و انتخاب مردم جنبه تکلیف مورد توجه قرار می‌گیرد و کمتر به جنبه حق بودن آن پرداخته می‌شود؟
- ۱۴ آیا تعدد احزاب در نظام اسلامی موجب تقویت انتخابات و افزایش حضور مردم در آن می‌شود؟
- ۱۹ آیا حضور مردم در انتخابات ایران نمایشی نیست و صرفاً جنبه تبلیغاتی در برابر غربی‌ها دارد؟
- ۳۱ وظیفه و نقش مردم در انتخابات از منظر رهبری چیست؟

ضرورت و اهمیت انتخابات

- ۳۹ انتخابات چه فائده‌ای دارد و اصلاً حضور در انتخابات چه ضرورتی دارد؟
- ۵۰ چرا شرکت در انتخابات مهم است؟
- ۶۱ تأثیر گذاری دشمن در انتخابات ایران چگونه می‌تواند باشد؟

مشارکت و حضور حداکثری در انتخابات

- ۷۷ بعضی افراد به دلیل وجود برخی مشکلات و ضعف‌ها و نارضایتی‌ها در انتخابات شرکت نمی‌کنند، چگونه می‌توان این افراد را توجیه کرد؟
- ۸۲ چه موانعی برای مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد و راه حل آن برطرف کردن آن چیست؟

۸۹ برای این که انگیزه مشارکت مردم در انتخابات بالا رود و حضور حداکثری آنان در انتخابات شکل بگیرد چه باید کرد؟

اخلاق در انتخابات

۹۷ ویژگی‌های عمده اخلاق انتخاباتی با استفاده از آیات و روایات چیست؟
 ۱۰۳ از نظر امام و رهبری اخلاق انتخاباتی چه شاخصه‌هایی دارد؟
 ۱۰۶ رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی در انتخابات با چه آسیب‌هایی ممکن است مواجه بشود؟

نظارت در انتخابات

۱۱۹ آیا نظارت بر انتخابات مخالف حق بزرگ مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن که در زمره حقوق ملت در قانون اساسی از آن یاد شده است نمی‌باشد؟
 ۱۲۱ آیا بهتر نیست گزینش را مستقیماً به خود مردم واگذار کنیم و با کنار گذاشتن مراجع رسمی احراز صلاحیت، افراد خود به تحقیق بپردازند و نامزد مورد علاقه خود را با آزادی بیشتری انتخاب کنند؟
 ۱۲۳ چرا نظارت در کشور ما همچون نظارت در کشورهای دیگر نیست آیا ما باید نوع نظارت در کشورمان را با نظارت در کشورهای دیگر هماهنگ کنیم و آیا چنین چیزی امکان‌پذیر است؟
 ۱۲۷ حق انتخاب آزاد مردم، بنیادی ترین اصل دموکراسی است نه اینکه حکومت (نظارت استصوابی) قیّم گونه به مردم بگوید به چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟ حق انتخاب آزاد یعنی اینکه مردم می‌توانند یک قاتل را هم انتخاب کنند؟
 ۱۴۰ نبود نظارت استصوابی چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟
 ۱۴۴ آیا نظارت استصوابی مانع توسعه سیاسی و مشارکت آحاد مردم نیست؟
 ۱۴۶ نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی تناسبی با دموکراسی ندارد؛ چون آزادی و حق ایجاد تشکل وجود ندارد. شورای نگهبان نهادی انتصابی است که طبق قانون اساسی اجازه برگزاری يك انتخابات آزاد را از مردم گرفته است؟
 ۱۵۳ نظارت استصوابی با اصل جمهوریت نظام منافات دارد؟

انتخابات ریاست جمهوری

- ۱۵۷ جایگاه و اهمیت ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی و اهمیت انتخابات آن نسبت به سایر انتخابات‌های دیگر چیست؟
- ۱۶۰ آیا ولایت فقیه در کنار دولت باعث تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تزامم نیست؟
- ۱۶۶ رئیس‌جمهور از نظر قانون اساسی چه شرایطی را باید دارا باشد؟
- ۱۷۰ حکم تنفیذ ریاست جمهوری توسط رهبر در نظام جمهوری چرا انجام می‌شود و آیا به معنای بی‌اعتنایی به رأی مردم نیست؟
- ۱۷۸ رئیس‌جمهور اصلح از منظر رهبری باید از چه ویژگی‌ها و شاخصه‌های برخوردار باشد؟
- ۱۸۳ دلیل حمایت رهبری از دولتها با وجود گرایش‌ها و عملکردهای متفاوت چیست؟
- ۱۸۸ دولت آیت‌الله ربیسی چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی داشت که تمجید ویژه رهبری را در این مدت به همراه داشته است؟



مقدمه

«دفع و رفع»، تاملی در شبهات جاری است که تلاش می‌کند ضمن ارائه پاسخ تفصیلی، موضعی تهاجمی و پیش‌گیرانه به مسائل و موضوعاتی داشته باشد که زمینه‌ساز بروز شبهه یا شبهه افکنی در فضای فکری جامعه است.

رئیس قوه مجریه «رئیس جمهور» است که با رای مستقیم مردم و پس از تایید صلاحیت کاندیداها توسط شورای نگهبان انتخاب می‌شود. نظر به اهمیت ریاست جمهوری در ساختار سیاسی کشور، همواره در هنگامه انتخابات، شبهات و سوالاتی پیرامون آن مطرح می‌گردد. در این شماره تلاش می‌شود تا مهم‌ترین سوالات و شبهاتی که در موضوع «انتخابات ریاست جمهوری» وجود دارد، بررسی و پاسخی جامع و مناسب ارائه شود.

پاسخ‌های این مجموعه حاصل زحمات محققینی است که در طول بیش از دو دهه از فعالیت این مرکز بر امر پاسخگویی اهتمام ورزیده‌اند و ما سپاسگزار زحماتشان

هستیم؛ بازبینی، اصلاح و تدوین این شماره بر عهده حجت
الاسلام آقای ابوالحسن بکتاش و جناب آقای دکتر علی
مجتبی زاده بوده است که از تلاششان تشکر می‌نماییم.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

حوزه‌های علمیه

انتخابات و نقش مردم

چرا همیشه در مشارکت و انتخاب مردم جنبه تکلیف مورد توجه قرار می‌گیرد و کمتر به جنبه حق بودن آن پرداخته می‌شود؟

قبل از پاسخ سؤال، لازم است رابطه حق و تکلیف، در مباحث حقوقی شناخته شود تا بتوانیم این مطلب را خوب ارزیابی کنیم. هر تکلیفی در مقررات حقوقی، ملازم با حقی است که برای دیگران در نظر گرفته شده است و هر حقی نیز برای دیگران تکلیفی را به همراه دارد. از این رو می‌گویند: حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و به یک معنی دوروی یک سکه‌اند. وقتی می‌گوییم: کسی حقی دارد این درست به این معنی است که دیگران تکلیف دارند حق او را محترم بشمارند. و نیز اگر گفته شود افراد نباید در مال کسی بدون اذن او تصرف کنند، این بدان معنی است که مالک حق تصرف و بهره‌وری دارد. البته تلازم حق و تکلیف در مقررات حقوقی به دو گونه است: نخست آنکه هر گاه حقی برای کسی در نظر گرفته

شود، طبعاً تکلیفی برای دیگران نیز خواهد بود و بر عکس. دوم آنکه هر گاه حقوقی برای کسی یا کسانی در نظر گرفته شود طبعاً در ازای آن حقوق و امتیازها، بر همان افراد، يك رشته تکالیفی هم ثابت است و بر عکس. این تلازم به معنی دوم بیشتر مورد بحث ما خواهد بود: زیرا چنین نیست که برای شخص یا اشخاصی تنها حقوق و مزایا جعل شود، اما هیچ تکلیفی نداشته باشند. از این رو گفته شده است: بسیاری از حقوق اجتماعی افراد در برابر تکالیفی است که بر عهده آنان گذارده شده است و یا بر عکس، بنابراین؛ هر تکلیف و مسؤولیتی مستلزم حقی است و هر حقی، تکلیف و مسؤولیتی را به دنبال دارد. طبیعتاً افرادی که توانایی تکلیف‌پذیری را دارند ولی تن به مسؤولیت نمی‌دهند نه تنها حقوق و مزایایی برای آنان نخواهد بود بلکه احیاناً به خاطر عدم پذیرش مسؤولیت مستحق مجازات نیز خواهند بود. ^۱ به دلیل همین تلازم حق و تکلیف است که در ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی آمده است: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف است.» یعنی از سویی نگهداری بچه‌ها حق والدین است و از سویی نگهداری و سرپرستی تکلیفی بر عهده پدر و مادر است که هیچ يك از پدر و مادر حق ندارند، از نگهداری کودک خودداری کنند. اما اینکه «حضانت» حق والدین است

۱ . خسروشاهی، قدرت الله، دانش پژوه، مصطفی، فلسفه حقوق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۸۰، ص ۲۵-۲۴.

بدین معناست که کسی حق مزاحمت آنان را نداشته و نمی‌تواند آنان را از نگهداری فرزندشان منع نماید و یا فرزند را از آنها گرفته و جدا نماید و اینکه گفته می‌شود «حضانة» يك تکلیف است بدین معناست که پدر و مادر نمی‌توانند از حضانة یعنی نگهداری و تربیت فرزند خود سرباز زنند لذا در صورت امتناع اجبار خواهند شد. بنابراین حضانة فرزند، هم حق است به نفع پدر و مادر و هم تکلیف است به ضرر آنها و به نفع طفل.^۱

با ذکر این مقدمه روشن می‌گردد که اگر مشارکت مردم در سرنوشت اجتماعی خویش به عنوان ادای تکلیف خواسته شده است هرگز به معنی نفی حقوق آنها نیست. بلکه در عین حال که دارای حق و امتیاز برای شرکت در سرنوشت خود می‌باشند، دارای تکلیف و مسئولیت نیز می‌باشند، زیرا حق و تکلیف با هم ملازم هستند. یعنی هر تکلیف و مسئولیتی مستلزم حقی است و هر حقی، تکلیف و مسئولیتی را به دنبال دارد. و اگر بیشتر به جنبه تکلیفی مشارکت مردم توجه شده است و کمتر به جنبه حق بودن آن پرداخته شده است، به جهت روشنی حق بودن آن است نه به معنی نفی حق آنها. به عبارت دیگر، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود به عنوان يك حق در تمام کشورها از جمله کشور ما پذیرفته

۱. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی (۵) قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۳۲۶.

شده است و لذا وقتی قانون اساسی کشورمان را مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم، قانون اساسی با تأکید بر حاکمیت ملت در اصل پنجاه و ششم، ضمن اذعان به حاکمیت مطلق خداوند مقرر می‌دارد: «هم او (خداوند) انسان را حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد» در این ارتباط «مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» به عنوان يك اصل بنیادین در اصل سوم قانون اساسی مطرح می‌گردد. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران مطابق قانون اساسی، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود و در اجرای این دستورات کلی است که مردم در همه‌پرسی و انتخابات رهبری (غیر مستقیم) ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراها می‌توانند مشارکت فعال و تعیین کننده‌ای داشته باشند. اما این حق باید توأم با مسئولیت باشد. و از این مسئولیت و تکلیف کمتر بحث شده است و کمتر توجه شده است، لذا برای روشن شدن این تکلیف و بیان اهمیت مشارکت مردم، تأکید بیشتری بر عنوان ادای تکلیف بوده است و این تأکید هرگز به معنی نفی حقوق مردم در سرنوشت خویش نبوده است. ضمن این که بر

۱. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری ایران، تهران: دادگستر، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۳.

این مسئولیت در قانون اساسی کشورمان بند ۶ اصل دوم نیز به صراحت تأکید کرده است که جمهوری اسلامی ایران، بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند» می‌باشد. یعنی پرداختن به سعادت فردی، بدون توجه به حیات اجتماعی، خالی از ایراد نمی‌باشد. و اسلام دینی است که اساس آیین خود را بر پایه اجتماع قرار داده است و در هیچ شأنی از شوون خود نسبت به اجتماع بی‌اعتنا نبوده است. بدین جهت است که خداوند در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران ضمن دعوت به صبر و شکیبایی فردی، همکاری‌های اجتماعی را برای زندگی توأم با پرهیزگاری، طلب می‌کند تا مقدمه‌ای برای رستگاری مردم باشد. بنابراین، اصل کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت افراد ملت در برابر خداوند، شرط ادامه حیات نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد و شکی نیست که غیبت مردم از صحنه سیاسی، و عدم توجه به مسئولیت و تکلیف خود، می‌تواند موجب سست شدن و حتی فروریختن نظام گردد. علامه محمد تقی جعفری، اشتراك همه افراد جامعه را در تنظیم حیات اجتماعی خود يك ضرورت دانسته و از آن به عنوان يك تکلیف مقدس یاد می‌کند و می‌گوید: «ضرورت شرکت همه افراد و گروه‌های جامعه در سرنوشت حیات سیاسی خود، به قدری بدیهی است که نیازی به شرح و بسط

مفصل ندارد» ایشان برای اثبات مکلف بودن هر انسانی به شرکت در نظم و مدیریت حیات اجتماعی و فردی خود از دیدگاه اسلام از همه دلایل چهارگانه معتبر (قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل) بهره برداری می‌نماید. در نتیجه شرکت مردم در سرنوشت خویش نه حق تنها و نه تکلیف تنهاست بلکه هم حق وهم تکلیف می‌باشد. و تأکید بر تکلیف بودن آن به جهت مهم بودن جنبه تکلیفی آن و بدیهی و روشن بودن حق شرکت در سرنوشت خویش بوده است.

آیا تعدد احزاب در نظام اسلامی موجب تقویت انتخابات و افزایش حضور مردم در آن می‌شود؟

گسترش احزاب سیاسی به مفهوم نوین آن با توسعه دموکراسی، یعنی شرکت عامه مردم در انتخابات و سهیم شدن آنان در مزایای نظام‌های پارلمانی همراه بوده است. بسیاری وجود احزاب سیاسی را در فرآیند توسعه و انجام انتخابات آزاد و تشکیل مجالس قانون‌گذاری ضروری دانسته‌اند. اینان بر این عقیده‌اند که در حکومت‌های دموکراتیک احزاب سیاسی به منزله ستون فقرات دموکراسی، نقش اساسی در تأثیر گذاری بر افکار عمومی دارند.

یکی از مهم‌ترین ابزارها و مکانیسم‌های موجود در ساختار نظام‌های حکومتی جدید که در فرآیند ایجاد تحولات

۱ . جعفری، محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۹. ص ۹۴-۹۳.

کیفی در ساختار اجتماعی و روند سیاسی نقش اساسی دارند احزاب هستند. تأکید بر احزاب سیاسی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام سیاسی و اجتماعی، تقریباً محال است. با توجه به این نکته و عنایت به اینکه اگر محور اصلی توسعه و دگرگونی سیاسی را مشارکت فعالانه و نهادمند مردم در سرنوشت سیاسی کشور در نظر بگیریم، باید بپذیریم که لاجرم یک نظام سیاسی در حال توسعه برای جذب و حلّ تعارضات موجود و نوپدید در یک جامعه سیاسی باید ظرفیت‌ها و گنجایش‌های لازم را توسط سازمان‌ها و سیستم‌های نهادمند در درون خویش به وجود آورد.

بدین ترتیب بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی خواهد بود. مشارکتی که خود برخوردار از ابزارهای کارآمد و سازمان‌های نهادمند باشد. از این رو مهم‌ترین عامل در حیات مشارکت واقعی و فعال، گذر از مسیر پرتلاطم، پیچیده، پرافت و خیز، سازنده و آموزش دهنده مبارزات سازمان یافته و حزبی است. آن هم نه هر سازمان و حزبی، بلکه تشکیلاتی نهادینه شده در طول زمان، و بهره‌مند از محتوایی اثربخش و کارآمد و این امری است که وقوعش در یک جامعه و نظام سیاسی سنتی به سادگی میسر نیست.^۱

۱. قربانی، نبی‌الله، حزب در ایران، تهران: همشهری، ۱۳۷۸، ص ۳۴۳.

تعدد احزاب از آن جهت اهمیت دارد که:

اولاً در اثر رقابت مثبت میان احزاب سالم و در فضای باز سیاسی، بیشترین آزادی برای مردم فراهم می شود به طوری که می توانند با مطالعه بیشتر، افراد صالحی را انتخاب کنند.

ثانیاً هر حزبی در اصلاح و آموزش اعضای خود تلاش بیشتری می کند که مبادا رقیب مقابل، آرای بیشتر به دست آورد و این خود، یکی از ابزارها و وسائل اصلاح جامعه است و شایستگی ها و پیشرفت کشور را سبب می شود. و جامعه به رشد و بلوغ سیاسی می رسد. از این رو با توجه به کارویژه های مثبت احزاب سیاسی، مانند ایجاد رقابت و مشارکت عمومی، تدوین سیاست های عمومی، آموزش سیاسی مردم و انتقاد از حکومت و...، در نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.^۱

بنابراین تعدد احزاب اگر منجر به ایجاد مشارکت بیشتر مردم در انتخابات شده و زمینه رقابت سالم را در میان افراد جامعه فراهم نماید می تواند در برگزاری يك انتخابات سالم و مشارکت سازنده نقش مهمی را ایفا نماید، اما در نقطه مقابل

۱. قانون اساسی، اصل ۲۶.

اگر تعدد احزاب منجر به دشمنی، تفرقه و تنازع شود به یقین برگزاری انتخابات سالم را به خطر انداخته و میزان مشارکت افراد را کاهش خواهد داد. در هر صورت آنچه مهمتر از تعدد احزاب در برگزاری يك انتخابات سالم است، رعایت اصول رقابت سالم و ایجاد چنین فضایی در جامعه است. بدیهی است در هر نظام سیاسی شرایط و اصول خاصی حاکم است؛ در نظام جمهوری اسلامی رعایت اصول و موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و اصول استقلال، آزادی و وحدت ملی به عنوان شرایط اصلی فعالیت احزاب بر شمرده شده است^۱ در حقیقت رعایت این اصول موجب می‌شود که اختلاف میان احزاب به اختلافات زیر بنایی و ریشه‌ای منجر نشود و در چارچوب نظام جمهوری اسلامی رقابت سالمی ایجاد شود.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در این زمینه فرموده‌اند: «اختلاف اگر زیر بنایی و اصولی شد موجب سستی نظام می‌شود»^۲ ایشان از پنج اصل به عنوان اصول و مبانی انقلاب یاد فرموده و اختلاف در آنها را جایز ندانسته‌اند. «اسلام، قرآن، انقلاب اسلامی، استقلال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی و رفاه عمومی و برچیدن ستم اقتصادی»^۳

۱. همان.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۸.

۳. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹.

بنابراین اگر احزاب سیاسی، به تنازع و تفرقه و اختلافات سیاسی منجر شوند، و تضعیف و سستی قوای دولت اسلامی و امنیت ملی کشور را به ارمغان بیاورند بر اساس آیه «و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»^۱ مشروعیت دینی ندارد. همچنین اگر احزاب با تبلیغات و برنامه‌ها و فشارهای آشکار و پنهان، شخصیت و آزادی فردی را از میان بردارند، مقبولیت دینی نخواهند داشت. فعالیت‌های سیاسی احزاب غیر اسلامی اعم از احزاب اهل کتاب و احزاب سکولار اگر در راستای مخالفت با ارزش‌ها و آموزه‌های قوانین اسلامی باشد، از دیدگاه جامعه و دولت اسلامی که صیانت و حفاظت از اسلام و دستورات او را مرام اساسی خود قرار داده است، مشروعیت ندارد، زیرا مطابق آیه شریفه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»^۲ و دیگر دلائل نقلی و عقلی، احزاب غیر اسلامی مجاز به کسب قدرت و سلطه سیاسی و اجتماعی نیستند. برای جلوگیری از آفات و زیان‌های احزاب باید بر اساس قوانین، احکام و ارزش‌های اسلامی تلاشی جدی در نهادینه کردن و نظارت قانونی بر فعالیت احزاب فراهم کرد تا بر اساس آیه «و جادلهم بالتی هی احسن» (نحل، ۱۲۵) و... به فعالیت‌های سیاسی بپردازند.^۳

۱. سوره انفال، آیه ۴۶.

۲. سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۳. همان.

بنابراین تعدد احزاب با رعایت اصول رقابت سالم و با هدف افزایش مشارکت سیاسی در نظام اسلامی موجب تقویت انتخابات و گستردگی حضور مردم خواهد بود، اما اگر این امر منجر به اختلاف و تفرقه به جای رقابت سالم گردد، نه تنها برای برگزاری انتخابات سالم مفید نخواهد بود بلکه نقش مخربی را ایفا خواهد نمود. از این رو آنچه میزان ارزیابی نقش احزاب در انتخابات است رعایت اصول رقابت سالم و کار ویژه‌های مثبت آنان است و صرف تعدد احزاب با صرف نظر از کار ویژه‌های آنان نمی‌تواند ملاک ارزیابی قرار بگیرد.

آیا حضور مردم در انتخابات ایران نمایشی نیست و صرفاً جنبه تبلیغاتی در برابر غربی‌ها دارد؟

الگوی مردم سالاری دینی نظام جمهوری اسلامی و برگزاری منظم انتخابات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون همچون خاری در چشمان برای دشمنان و بدخواهان نظام قابل تحمل نبوده، از این رو شاهد هجمه گسترده آنها در زیر سؤال بردن مردم سالاری و انتخابات در کشور به بهانه‌های مختلف بوده و هستیم. آزاد نبودن انتخابات و نمایشی توصیف نمودن آن از جمله اتهاماتی است که از سوی آنان همواره مطرح می‌شود.

۱. اگر نمایشی دانستن انتخابات کشور به دلیل اصل نظارت و نظارت شورای نگهبان باشد، چند فرض در این زمینه متصور است.

الف. منظور از انتخابات آزاد و غیر نمایشی، انتخاباتی است که در آن همه افراد بدون در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های خاصی بتوانند به عنوان نامزد انتخابات مطرح شوند. در این صورت هیچ انتخاباتی را نمی‌توان پیدا کرد که آزاد باشد، زیرا در تمام کشورها و نزد تمامی عقلای عالم برای تصدی مسئولیت‌های مهم، شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود، تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی‌کفایتی مسئول برگزیده پایمال نگردد. از این رو امروزه در دموکراتیک‌ترین نظام‌های دنیا نیز، در فرآیند انتخاباتی، شرایط ویژه‌ای برای انتخاب شونده‌گان در نظر گرفته می‌شود و عقل و منطق حکم می‌کند که باید میان افرادی که نامزد انتخابات می‌شود و مسئولیتی که قرار است بر عهده بگیرند، تناسب وجود داشته باشد و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط و صلاحیت‌های عمومی افراد، به همه افراد اجازه داد تا نامزد انتخابات شوند.

ب. انتخاباتی آزاد و غیر نمایشی است که نهاد نظارتی برای تشخیص صلاحیت داوطلبان انتخاباتی و نظارت بر روند انتخابات وجود نداشته باشد، مشکل این فرض آن است که از آنجا که وجود یک سلسله ویژگی‌ها، شرایط و توانایی‌ها در افراد برای عهده دار شدن مسئولیت‌ها لازم و ضروری است، مرجعی نیز باید وجود داشته باشد که وجود

این شرایط را در افراد احراز نماید. بر این اساس، در همه کشورها نهاد خاصی مسئولیت نظارت بر انتخابات و احراز شرایط داوطلبان انتخابات را بر عهده دارد. این نهاد رسمی عهده دار بررسی وضعیت و روند اجرای انتخابات و وجود یا عدم شرایط لازم در داوطلبان می‌باشد که در نتیجه به تأیید یا ردّ صلاحیت داوطلبان می‌انجامد. از این جهت نمی‌توان، نبود نهاد نظارتی را به عنوان شاخصه و معیار انتخابات آزاد برشمرد زیرا در این صورت نیز نمی‌توان هیچ انتخاباتی را انتخابات آزاد دانست و به هر حال در همه کشورها مرجعی رسمی مسئولیت برگزاری انتخابات و احراز شرایط داوطلبان و نظارت بر روند انتخابات را بر عهده خواهد داشت. البته روشن است که شرایط و راهکارهای در نظر گرفته شده در نظام‌های سیاسی مختلف به حسب نوع نگرش، مبانی نظری و ایدئولوژی حاکم بر آنها متفاوت باشد، اما در اصل نظارت و وجود مرجعی در این زمینه با یکدیگر تفاوتی ندارند.

ج. انتخابی آزاد و غیر نمایشی است که همه افراد حتی مخالفان با اصل آن نظام سیاسی بتوانند خود را به عنوان نامزد معرفی کنند.

اشکال چنین فرضی این است که نتیجه چنین نگاهی نقض غرض از انتخابات و سست شدن پایه‌های نظام سیاسی و اختلال در روند حرکت کشور خواهد بود، چه اینکه معنای شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات،

پذیرش چارچوب‌های حاکم بر آن نظام سیاسی و قواعد پذیرفته شده در آن نظام سیاسی است. کسی که در یک کشور برای عهده دار شدن یک مسئولیت داوطلب می‌شود در صورتی که قانون اساسی و چارچوب‌های پذیرفته شده آن کشور را قبول نداشته باشد. چگونه می‌تواند در آن مسئولیت به وظایف خود عمل نماید؟ باز در هیچ کشوری چنین انتخاباتی وجود ندارد و هیچ نظام سیاسی اجازه نمی‌دهد کسانی که اصل آن نظام سیاسی و قانون اساسی کشور را قبول نداشته باشند نامزد چنین مسئولیت‌های مهمی شوند کشور ما نیز از این مسأله مستثنا نیست. در همه نظام‌های سیاسی رئیس جمهور و نمایندگان مجلس و... پس از انتخاب، سوگند یاد می‌کنند که از کلیت آن نظام و اصول آن و قانون اساسی نگهبانی و حراست نمایند آیا از کسی که اعتقادی به مبانی یک نظام سیاسی ندارد، می‌توان انتظار داشت که به چنین سوگندی پایبند باشد؟

با روشن شدن نادرستی و غیر منطقی بودن فرض‌های سه‌گانه یاد شده از یک انتخابات آزاد، در تبیین انتخابات آزاد می‌توان گفت، انتخاباتی آزاد محسوب می‌شود که احزاب، گروهها و جریان‌های سیاسی مختلف معتقد به مبانی و چارچوب‌های پذیرفته شده یک نظام سیاسی با سلیق و برنامه‌های گوناگون بتوانند در عرصه انتخابات حضور داشته و نامزدهای خود را معرفی نمایند.

در کشور ما آزادی انتخابات به این معنا وجود دارد و همه احزاب و جریان‌های سیاسی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و مبانی آن و قانون اساسی هستند، می‌توانند نامزد معرفی نموده و در عرصه انتخابات فعالیت نمایند و احراز صلاحیتی که توسط شورای نگهبان در مورد افراد صورت می‌گیرد، چیزی جز احراز پایبندی به اصول و مبانی نظام و قانون اساسی در افراد نیست. هر چند دشمنان و بدخواهان نظام جمهوری اسلامی چنین وا نمود می‌کنند که وجود نظارت شورای نگهبان، آزادی انتخابات را زیر سؤال می‌برد و برخی از افراد و گروه‌های سیاسی در داخل نیز سخنان آنان را تکرار می‌کنند، اما احراز دارا بودن شرایط عمومی داوطلبان و پایبندی به اصول نظام و قانون اساسی از مواردی است که در نظام‌های سیاسی این کشورها نیز این میزان از نظارت و احراز صلاحیت مورد قبول بوده و انجام می‌شود.

وجود نهاد نظارتی در انتخابات اختصاص به کشور ما نداشته و نهادهای مشابه با کارکرد شورای نگهبان در سایر کشورها وجود دارند. در اکثر کشورهای دنیا به منظور اعمال نظارت بر انتخابات، مراجعی قانونی وجود دارند. «شورای نگهبان» در جمهوری اسلامی ایران، «دادگاه قانون اساسی» در ترکیه، «محکمه النقد» در مصر، «شورای قانون اساسی» و «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس نمایندگان» و «سنا» در آمریکا،

«مجلس عوام» در انگلستان و «دادگاه قانون اساسی» در روسیه، این نقش نظارتی را ایفا می‌نمایند. بنابراین مشابه شورای نگهبان قانون اساسی ایران، در کشورهای دیگر هم نهادهایی تحت عنوان شورا یا دادگاه وجود دارند که وظیفه‌ی آن‌ها نظارت بر صحت انتخابات است. تنها تفاوتی که وجود دارد آن است که در دیگر کشورها این نظارت در نهایت به دادگاه قانون اساسی، دادگاه عالی عدالت، شورای قانون اساسی، دیوان عالی کشور یا نهاد مشابه دیگری که واپسین تصمیم را گرفته و در برابر این تصمیم به شخص یا نهادی پاسخگو نیست، ختم می‌شود.

به عبارت دیگر وجود نهاد نظارتی در دیگر کشورها مورد تردید نیست، تنها ماهیت این نهادها متفاوت است که آن هم به ساختار سیاسی حقوقی کشورها بستگی دارد. در واقع آن چه که موجب ایجاد شبهه مبنی بر عدم وجود نهاد نظارتی بر انتخابات می‌شود، صرفاً نشأت گرفته از عدم آگاهی از حقوق اساسی و نظام انتخاباتی دیگر کشورها است وگرنه نظام انتخاباتی در غرب دارای یک صافی ظریف است که جریان انتخابات را کنترل می‌نماید. به عنوان نمونه در فرانسه برای آن که نامزدی فرد جهت تصدی مقام نمایندگی مردم رسمیت بیابد، لازم است حدود ۵۰۰ نفر از نمایندگان اعم از نمایندگان مجلس یا شوراها و... او را تأیید کرده باشند و به عبارتی پای طومار صلاحیت وی را امضا نمایند.

طبق قانون، این ۵۰۰ نفر باید لا اقل از ۳۰ استان مختلف کشور باشند و از هر استان بیش از ۵۰ امضا نمی‌شود، جمع نمود. بنابراین فقط افرادی می‌توانند به عنوان نامزد خود را مطرح سازند که صلاحیت خود را قبلاً در سطح کشوری به نمایش گذارده باشند. فرانسوی‌ها معتقدند این تأیید صلاحیت از ظهور به قول آنان «پارشوتیست‌ها» یعنی افرادی که به یک‌باره در میدان سیاست ظاهر شده و رأی مردم را با خود همراه می‌سازند، ممانعت به عمل می‌آورد.^۱

۲. برای اینکه در یک کشور انتخاباتی به شکل واقعی برگزار شود لازم است، چند نکته در نظر گرفته شود:

الف. حق مردم در رای دادن:

یکی از مهم‌ترین اصولی که آن را می‌توان جزء پایه‌های انقلاب اسلامی قرار داد حق مردم در تعیین سرنوشت خود می‌باشد که از جمله نمادهای آن مشارکت مردم در انتخابات می‌باشد. این حق به عنوان یک حق معتبر از سوی رهبران نظام همواره مورد تأکید بوده است و در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قانونگذاران بوده است به گونه‌ای که به این موضوع یعنی دخالت انسان بر سرنوشت خویش و مظاهر آن که از جمله آنها عبارت است از حق رای دادن و انتخاب کردن در قانون اساسی تصریح شده

۱. ایوبی، حجت‌الله، سه راهکار برای شایسته‌سالاری در انتخابات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ص ۳۴.

است. به عنوان مثال در بند ۸ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.» به عنوان یکی از مواردی در نظر گرفته شده است که دولت جمهوری اسلامی باید همه امکانات خود را در جهت نیل به آن به کار گیرد. همچنین بر اساس اصل ۶ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آرا عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» که این اصل و اصول مشابه آن حاکی از این است که مردم حق دارند که در انتخابات مختلف مشارکت کرده و از این طریق در سرنوشت سیاسی کشور خویش سهیم باشند. بر این اساس در کشوری که امور کشور به اتکاء آراء مردم اداره می‌شود نمی‌توان گفت که رای مردم نمایشی می‌باشد.

ب. حق مردم در انتخاب شدن:

بر اساس اصول مختلف قانون اساسی، هر فردی که شرایط و صلاحیت‌های لازم برای تصدی مسئولیتی را دارد حق دارد که خود را در معرض انتخاب دیگران قرار دهد و مردم با اعلام نظر خود در انتخابات، از میان افرادی که صلاحیت لازم را دارا هستند فرد اصلح را انتخاب می‌کنند. البته برخی

تلاش می‌کنند تا مشروط بودن حضور افرادی که خود را در معرض انتخاب می‌گذارند به داشتن شرایط خاص را مغایر با انتخابات واقعی تلقی نمایند و حال آنکه این موضوع يك اصل عقلی بوده و در هر جامعه‌ای نیز برای تصدی مسئولیت‌های مختلف يك سری شرایط در نظر گرفته می‌شود.

همچنین وجود ناظرانی که بر انطباق شرایط کاندیداها با موارد مذکور در قانون اساسی، نظارت می‌کنند نیز امری است که در همه قوانین انتخاباتی کشورها لحاظ شده است.

ج. برگزاری انتخابات سالم از طریق ابزارهای کنترلی و نظارتی سالم:

یکی از عواملی که باعث می‌شود تا انتخابات يك کشور از حالت نمایشی بودن خارج شود نظارت دقیق و موثر بر انتخابات به منظور برگزاری انتخاباتی سالم و واقعی می‌باشد تا به این ترتیب کسانی که واقعاً مردم به آنها رای داده‌اند، بتوانند زمام امور کشور را در دست بگیرند. در هر کشوری به منظور تحقق چنین امری، ساز و کارهایی پیش بینی شده است و در کشور ما نیز شورای نگهبان قانون اساسی (غیر از انتخابات شوراها) زمینه ساز چنین امری شده است به لحاظ نظری نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، زمینه ساز انتخاباتی است که در آن صرفاً افراد با صلاحیت و کسانی که شرایط اولیه را دارا هستند در فرایند رقابت حاضر شوند.

فرایند نظارت در جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که شائبه هر گونه تخلف گسترده و تقلبی را از میان می‌برد و باعث جلب اعتماد مردم به نتایج انتخابات می‌گردد، چرا که حداقل سه لایه نظارتی در انتخابات جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که عبارتند از:

- شورای نگهبان

- هیات‌های اجرایی که متشکل از معتمدان محلی هستند و اکثر آنها از افراد فرهنگی، اهل علم دانشگاهی و حوزوی و... هستند به همراه مجریانی که اکثراً از میان معلمان برگزیده می‌شوند.

- ناظران کاندیداها که بنابر قانون تا آخرین لحظه کار اخذ رای حق دارند در حوزه رای‌گیری حضور داشته باشند و بر فرایند انتخابات نظارت نمایند

علاوه بر این سه لایه، برخی بخش‌ها همچون دادستان کل کشور و نیز دادستان‌های حوزه‌های انتخابی، رئیس صدا و سیما، شورای نظارت بر صدا و سیما، وزارت اطلاعات و... به تناسب نقشی که دارند در این انتخابات نظارت‌هایی هم دارند.

د. حضور سلايق سياسي مختلف در عرصه انتخابات:

یکی از دلایل واقعی بودن انتخابات در جمهوری اسلامی ایران است که سلايق سياسي مختلف در انتخابات حق حضور

و مشارکت فعال دارند. در جمهوری اسلامی ایران هم از حضور همه سلايق سياسى در عرصه انتخابات استقبال مى‌شود. البته در نظام اسلامى نيز همچون هر نظام مردم سالار ديگرى حضور سلاييقى كه بسيارى از چارچوب‌هاى نظام را قبول ندارند و يا با آن عناد مى‌ورزند با عملکردشان با مسئوليت‌هاى كه بايد آنها را عهده دار شوند سازگارى ندارد نامعقول است. افراد و جريان‌هاى كه هيچ اعتقادى به قانون اساسى نداشته و يا هيچ التزامى به آن ندارند و با اقدامات خود نيز بارها قانون شکنى خود را به اثبات رسانده‌اند، قطعاً صلاحيت حضور در اين مسند را نخواهد داشت، چرا كه لازمه اوليه اجراى قانون، پذيرش آن قانون مى‌باشد و كسى كه قانونى را نپذيرد و خود اولين ناقض آن مى‌باشد صلاحيت اجراى آن و تصدى مسئوليت اجراى قانون اساسى بنا بر اصل اختيارات رياست جمهورى را نخواهد داشت. علاوه بر اين، قطعاً جريانان معارض همچون تروريست‌هاى منافق نيز صلاحيت حضور در انتخابات را نخواهند داشت كما اينكه هيچ كشورى اجازه نمى‌دهد تروريست‌ها و كسانى كه استقلال و تماميت ارضى كشور را تهديد مى‌كنند همچون تجزيه طلبان و كسانى كه با عوامل بيگانه در ارتباط هستند و در صدد زمينه سازى براى بسط سلطه بيگانه بر كشور هستند و نيز غارتگران بيت المال كه صلاحيت حفاظت از آن را ندارند و... در معرض انتخابات قرار گيرند و با اين حال، هيچ كسى ادعا نمى‌كند كه انتخابات اين كشور هانمايشى مى‌باشد.

۵. گردش و تغییر نخبگان و سلايق سياسى مختلف:

يکى ديگر از شواهد عدم نمايشى بودن انتخابات اين است که سلايق سياسى مختلف علاوه بر حضور در انتخابات، امکان انتخاب شدن هم داشته باشند و در نتيجه در طول زمان، سلايق سياسى مختلف زمام امور را به دست گيرند به گونه‌اى که به صورت متوالى اکثريت به اقليت تبديل و اقليت به اکثريت تبديل شود و يا افراد و نيز جريانات خارج از اقليت و اکثريت امکان حضور در دور رقابته‌ها را پيدا کنند و حتى بتوانند به بالاترين مناصب رسمى کشور دست پيدا کنند که چنين امرى در کشور ما بارها اتفاق افتاده است و کشور در دستان جناح‌هاى سياسى مختلف دست به دست گشته است، به گونه‌اى که در برخى انتخابات‌ها افرادى پيروز ميدان بوده‌اند که وابسته به هيچ يک از جناح‌هاى مشهور نبوده‌اند و يا افرادى به اين سمت برگزيده شده‌اند که حتى با رهبرى، داراى اختلاف سليقه‌هاىي بوده‌اند و اگر فرض کسانى که ادعا مى‌کنند که فرد مورد نظر رهبرى قطعاً در انتخابات پيروز خواهد شد درست باشد اين انتخاب‌ها متناقض با آن خواهد بود و همين حاکی از بطلان چنين فرضيه‌اى مى‌باشد.

بنابر اين، بر خلاف ادعاهاى مطرح شده در مورد آزاد بودن و نمايشى بودن انتخابات در کشور ما. تمامى اصول مردم سالارى و نيز شرايط واقعى بودن انتخابات، در آن لحاظ شده و وجود برخى محدوديت‌ها نيز خدشه‌اى در

واقعی بودن انتخابات وارد نمی‌کند و گرنه انتخابات حتی در کشورهای غربی هم باید غیر آزاد و نمایشی تلقی شود.

وظیفه و نقش مردم در انتخابات از منظر رهبری چیست؟

پاسخ:

مهمترین وظایف و نقش مردم در انتخابات از نظر رهبری را می‌توان در این موارد برشمرد:

حضور پرشور و آگاهانه

«مسأله درجه اول کشور این است که همه واجدین شرایط به صورتی پرشور و آگاهانه در انتخابات شرکت کنند و با فکر و تحقیق به کسانی که تمایل دارند رأی دهند... حضور مردم، اهمیت نقد دارد و کشور را بالفعل بیمه می‌کند.»^۱

«رأی دادن در انتخابات باید با آگاهی عمیق و شناخت دقیق توأم باشد و هرکسی براساس حجت بین خود و خدا رأی دهد.»^۲

حق و تکلیف شرعی و وظیفه عمومی

«در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه‌ی انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخابیهایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنهاست.

۱. بیانات در دیدار جهادگران جهاد سازندگی؛ ۱۳۷۷/۷/۱۵.

۲. مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (رض)؛ ۱۳۸۰/۳/۱۴.

در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه می‌گیرد.»^۱

«همه باید شرکت کنند؛ این یک وظیفه است؛ هم وظیفه اسلامی است، هم وظیفه میهنی و ملی است و حفظ عزت و شوکت کشور به این وابسته است، هم وظیفه سیاسی است - کسانی که فهم و تشخیص سیاسی دارند، وظیفه دارند وارد شوند - هم وظیفه اخلاقی است؛ حقوق مردم اقتضاء می‌کند که در این میدان وارد شوند. کارهایی که باید در این کشور انجام گیرد، اقتضاء می‌کند که انسان در این میدان وارد شود. انتخابات را مغتنم بشمارید و قدر بدانید و در آن شرکت کنید؛ حادثه بسیار مهمی است.»^۲

حضور حداکثری

«در زمینه مشارکت مردم، هر طور که می‌توانید، روی خانواده‌ها و دوستانتان کار کنید. مشارکت، یکی از اساسی‌ترین مسائل است. حضور مردم برای پیشرفت و سیانت کشور لازم است. نه این‌که اگر عده‌ی زیادی شرکت نکردند، اینها به نظام «نه» گفته‌اند؛ به‌هیچ‌وجه این‌طوری نیست. آنهایی که به‌خاطر «نه» گفتن به نظام نمی‌آیند، درصد خیلی کمی‌اند. یک عده به‌خاطر بی‌حالی نمی‌آیند؛ یک عده به‌خاطر بی‌حوصلگی نمی‌آیند؛ یک عده روز جمعه

۱. همان.

۲. نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۰/۲/۲۸.

کار دیگری دارند و نمی‌آیند؛ اینها را شما راه بیندازید. و الا کسانی که معتقد به نظام و قانون اساسی نیستند و دلشان برای بیگانگان و نفوذ آنها پر می‌زند و منتظر آمدن بیگانگان هستند، درصد بسیار کمی‌اند. خیلی‌ها ممکن است پای صندوق‌ها نیایند؛ به خاطر این که حوصله‌اش را ندارند، وقتش را ندارند، درست اهمیت قضیه را نمی‌دانند، متوجه تأثیر رأی خودشان نیستند یا به کسی که به او اطمینان و اعتماد کنند، نرسیده‌اند؛ یا کسی را هم که شناخته‌اند، نپسندیده‌اند؛ لذا نمی‌آیند. تلاش شما باید این باشد که مشارکت را به معنای حقیقی کلمه حداکثری کنید.»^۱

تحکیم مردم‌سالاری دینی

«انتخابات در کشور ما يك حرکت نمایشی نیست. پایه نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمیشود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جز با يك انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است... انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است... هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از دانشجویان بسیجی؛ ۱۳۸۴/۳/۵.

برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان می‌دهد؛ انتخابات این است.»^۱

تثبیت اقتدار ملی

«انتخابات، مظهر اقتدار ملی است. اگر ملت عزیز ایران بتواند در این انتخابات، آرای فراوان خود را به میدان آورد و حضور مردمی، حضور چشمگیری باشد، این بزرگترین مظهر اقتدار و عزّت ملی است.»^۲

«حضور مردم در انتخابات، یکی از مهمترین مظاهر اقتدار ملی است...البته سلايق مردم مختلف است؛ نامزدها هم متعدّدند؛ هر کدام از آنها هم سلیقه و نظری دارند و مردم هم به یک نفر رأی می‌دهند؛ این مسأله بعدی است. مسأله اول این است که همه در این آزمون عمومی ملت ایران شرکت کنند و نشان دهند که ملت ایران زنده است و به سرنوشت کشورش علاقه دارد.»^۳

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۸/۷/۱.

۲. بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۰/۷/۱.

۳. نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۰/۲/۲۸.

انتخاب اصلح

«حقاً و انصافاً جا دارد که آحاد مردم نسبت به این قضیه احساس مسؤولیت کنند.. افرادی که از تأیید شورای نگهبان عبور کرده‌اند، قانوناً صالحند. البته صلاحیتها يك اندازه نیست؛ صالح داریم، اصلح داریم؛ تشخیصها مختلف است؛ یکی چیزی را ملاك قرار می‌دهد و کسی را اصلح می‌داند و کسی چیز دیگر را ملاك قرار می‌دهد. اشکالی ندارد؛ اینها نباید موجب اختلاف شود.»^۱

«مردم باید به فکر شناخت اصلح باشند؛ چون امر کوچکی نیست. مسأله انتخابات، مسأله‌ی سپردن سرنوشت بخش عمده‌ی امکانات کشور به يك نفر و يك مجموعه است. سرنوشت مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی، روابط خارجی و مسائل گوناگون دیگر تا حدود زیادی به این قضیه وابسته است.»^۲

پرهیز از کدورت بیجا در انتخابات

«ممکن است تشخیص یک آقائی با تشخیص یک آقای دیگر مخالف باشد؛ هیچ اشکالی ندارد. این را من به همه بگویم: ممکن است شما به یکی از نامزدها علاقه‌مند شوید، رفیقتان به یک نامزد دیگر؛ این موجب نشود که شما در

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار جمعی از مردم گیلان؛ ۱۳۸۰/۲/۱۱.

مقابل هم قرار بگیرید... آحاد مردم با هم کدورت بیجا درست نکنند، به خاطر اینکه این به آن علاقه مند است، این به آن علاقه مند است؛ خب، باشند.»^۱

اعتنا نکردن به القائات ناامیدکننده

«دشمن کار خودش را دارد می‌کند؛ علیه کسی، علیه کسانی، و بیشتر از همه علیه خود انقلاب و نظام و انتخابات لجن پراکنی می‌کند. البته حنجره‌های بی تقوایی هم در داخل وجود دارد. در داخل، متأسفانه زبانهای بی تقوا، قلمهای بی تقوا و حنجره‌های بی تقوایی هستند که همان حرفهای دشمن را که به قصد نومید کردن و افسرده کردن مردم گفته می‌شود، تکرار می‌کنند؛ آحاد مردم به اینها نباید اعتنائی کنند. فردای این ملت، فردای روشنی است. فردای این انقلاب، فردای عزتمدارانه‌ای است. فردای این کشور و این ملت، فردائی است که ان شاء الله به توفیق الهی برای همه الگو خواهد شد.»^۲

حضور به وقت در انتخابات

«شرکت در انتخابات، يك عمل صالح است؛ این عمل صالح را باید با شوق و بوقت انجام داد. بسیاری از کارها هست که زمان آن در يك برهه خاص است... امروز اگر ما ایرانی‌ها اقدام به انتخاب کردیم، امکانی را برای خود و

۱. بیانات دردانشگاه امام حسین علیه السلام؛ ۱۳۹۲/۳/۶.

۲. همان.

کشورمان به وجود آورده ایم. اگر من ایرانی امروز این عمل صالح را انجام ندهم، این طور نیست که فردا یا پنج روز دیگر یا ده روز دیگر بشود این را انجام داد؛ نه، تا چهار سال دیگر این عمل صالح قابل انجام دادن نیست.»^۱

۱ . مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری؛ ۱۳۸۴/۳/۲۷.



ضرورت و اهمیت انتخابات

انتخابات چه فائده‌ای دارد و اصلاً حضور در انتخابات چه ضرورتی دارد؟

انتخابات امروزه به عنوان مهم ترین نماد مردمسالاری و اعمال حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش شناخته می‌شود. در ضرورت اصل وجود انتخابات و کارکردهای مثبت و مفید آن در وضعیت کنونی جهان هیچ شک و تردیدی وجود ندارد، با این حال در کشور ما برخی افراد، در مورد ضرورت یا اهمیت مشارکت مردم در انتخابات، تردیدهایی را مطرح می‌کنند که ریشه‌های آن عمدتاً به مسائل دیگری باز می‌گردد مانند کارنامه ضعیف برخی مسئولان منتخب، چنانکه گاهی نیز این نارضایتی‌ها ریشه در تبلیغات منفی دشمنان نظام دارد که اگر این تردیدها از طریق تبیین درست ضرورت‌های مشارکت در انتخابات رفع شوند آمار مشارکت نیز به مراتب بالا خواهد رفت.

دلایلی که بیانگر ضرورت مشارکت فعال در انتخابات می باشد، عبارتند از:

۱. وجوب شرعی مشارکت در انتخابات

نظام جمهوری اسلامی ایران، تنها نظامی است که پس از هزار و چهارصد و اندی سال، پرچم اسلام ناب را در دنیا برافراشته و حکومتی را ایجاد کرده است که در کنار عنصر مقبولیت، واجد عنصر مشروعیت که ریشه در شرع مقدس اسلام دارد، می باشد، به همین دلیل این نظام همواره مورد تایید جامعه دینی کشور و به ویژه علما و مراجع حوزه های علمیه بوده است، چنانکه اصل تشکیل آن نیز مرهون تلاش ها و رهبری های خردمندانه یکی از فرزندان حوزه علم و اجتهاد یعنی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و مشارکت روحانیت آگاه و فعال بوده است و در نتیجه حمایت از چنین نظامی که زمینه ساز اجرای احکام اسلامی می باشد بر همگان لازم و ضروری است، از طرفی یکی از اموری که به تقویت، دوام و استمرار این نظام الهی کمک می کند مشارکت فعالانه در انتخابات های مختلف است و به همین دلیل مراجع معظم تقلید علاوه بر اینکه خود در انتخابات های مختلف نظام مشارکت می کنند، همواره مردم را نیز به مشارکت فعالانه دعوت کرده و این امر رابه عنوان یک وظیفه شرعی قلمداد نموده اند. حضرت امام فرمودند: «یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه های انتخابیه، و رأی

دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آنها احتیاج دارد می باشد.»^۱ مقام معظم رهبری نیز همواره انتخابات را به عنوان یک واجب و تکلیف شرعی و الهی قلمداد کرده و مشارکت در آن را ضروری دانسته اند: «ملت عزیز ایران، انتخابات را باید اولاً به عنوان یک تکلیف الهی و یک تکلیف اسلامی محاسبه کند.»^۲

۲. انتخابات به مثابه حق

مشارکت در انتخابات و تعیین سرنوشت در هر نظامی علاوه بر جنبه های شرعی که دارد، به عنوان یک حق نیز قلمداد می گردد؛ حقی که در همه جوامع و مکاتب بشری به عنوان فضیلت و ارزش شناخته می شود و با عناوینی همچون «حق انتخابگری»، «حق مشارکت در تعیین سرنوشت» و... شناخته می شود، از طرفی ویژگی هر حقی این است که صاحب حق باید از آن دفاع کرده و در پی احقاق و عملی ساختن و یا به اصطلاحی علمی تر «استیفای آن باشد یعنی باید تمام حق خود را مطالبه نماید و هر گونه بی اعتنائی نسبت به آن اقدامی نارواست که به از بین رفتن حق، منجر خواهد شد. بر این اساس مشارکت در انتخابات علاوه بر جنبه های شرعی گامی در راستای مطالبه و دفاع از حق مسلمی است که هر ایرانی دارد و به همین دلیل

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۳۶.

۲. بیانات در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۸/۱۰/۱۸.

برای مشارکت در انتخابات ضرورتی فراتر از تکلیف شرعی وجود دارد که باعث می‌شود تا ضرورت داشته باشد هر ایرانی و لو اینکه کاری با تقلید و تکلیف شرعی نداشته باشد و یا اساساً غیر مسلمان باشد و یا هیچ تعلق خاطری به نظام جمهوری اسلامی نداشته باشد نیز در انتخابات مشارکت نماید چنانکه مقام معظم رهبری نیز به همین موضوع بارها اشاره کرده و فرموده‌اند: «این [انتخابات] یک حق و در عین حال یک تکلیف است. حق آحاد مردم ماست که نظر بدهند؛ تکلیف آنها هم همین است.»^۱

از طرفی یکی دیگر از ویژگی‌های حق این است که در آن افراد به دفاع و استیفای حق به صورت فردی و شخصی اقدام می‌کنند و لو اینکه دیگران نخواهند از حق خود دفاع کنند. بر این اساس حتی اگر افرادی به هر دلیل قصد مشارکت در انتخابات نداشته باشند و دیگران را هم ترغیب به این کار نمایند و چنین گمان رود که درصد مشارکت در انتخابات بسیار پایین خواهد آمد باز هم نباید از این حق چشم پوشی نمود چرا که همانطور که گفته شد مطالبه چنین حقوقی جنبه فردی داشته و هر فردی فارغ از اینکه دیگران هم خواستار استفاده از حق خود هستند یا نه، باید به مطالبه حق خویش بپردازد.

۱ . بیانات در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۳/۲۲.

در اعمال این حق نباید به برخی تبلیغات که ثمر بخش بودن اعمال حق را مورد تشکیک و انکار قرار می‌دهند، توجه نمود به ویژه در مواردی که ثمر بخش نبودن ظاهری اعمال این قبیل حق‌ها ناشی از این است که همگان تلاش نمی‌کنند تا به درستی از این حق بهره بگیرند، بر این اساس اگر همه مردم تلاش کنند تا در فضایی که برای اعمال حق تعیین سرنوشت فراهم شده است از این حق مسلم خود استفاده نمایند و در عین حال با بصیرت و چشمانی باز و فارغ از جار و جنجال و هیاهوهای تبلیغاتی و فضای احساسی به کاندیداهایی رای بدهند که تامین کننده منافع واقعی مردم می‌باشند در آن صورت حتی چنین احساسی نیز در هیچ کس به وجود نخواهد آمد و در نتیجه افراد با خاطری آسوده و بدون اثر گذاری تبلیغات منفی و سیاه نمایی‌ها خواهند توانست از این حق مسلم خود بهره بگیرند.

۳. تقویت امنیت ملی از طریق تقویت مقبولیت نظام

یکی از تجلی گاه‌های مقبولیت مردمی نظام عبارت است از انتخابات که طی آن هر چه میزان مشارکت مردم در انتخابات بالاتر باشد، نشان دهنده مقبولیت بالای آن نظام خواهد بود و به همین تناسب با بالا رفتن میزان مقبولیت نظام، جایگاه امنیت ملی نیز تقویت خواهد شد. این مساله به ویژه در شرایط کنونی که امنیت، به اصلی ترین دغدغه جهانیان تبدیل شده است و پیرامون کشور

ما را نیز موجی از ناامنی‌های ملی فرا گرفته است بیش از هر زمان دیگری باید مورد توجه قرار گیرد و اگر این نکته را نیز اضافه نماییم که در سال‌های اخیر حامیان نظام سلطه تلاش کرده‌اند تا با متهم کردن کشورها به برخی اتهامات که نتیجه آن تقابل میان مردم و نظام حاکم می‌باشد، زمینه دخالت خویش در آن کشور و نقض حاکمیت و امنیت ملی آن کشور را فراهم نمایند، ضرورت مشارکت هر چه بیشتر در انتخابات و نمایش پیوند میان مردم و نظام آشکار تر خواهد شد. امام خمینی ره نیز بر نقش مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف از جمله انتخابات ها در حفظ و تقویت امنیت ملی کشور عنایت داشتند، چنانکه در این زمینه می‌فرمودند: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود.»^۱

مقام معظم رهبری نیز همواره بر این نکته مهم تاکید داشته و معتقدند: «انتخابات مال رهبری نیست، مال ایران اسلامی است، مال نظام جمهوری اسلامی است. همه باید بیایند در انتخابات شرکت کنند؛ این موجب میشود که نظام جمهوری اسلامی تقویت بشود، پایداری آن و ماندگاری آن تأمین بشود، کشور در حصار امنیّت کامل باقی بماند.»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

بنابر این با چنین نگاهی می‌توان دریافت حتی اگر افرادی به لحاظ برخی مسائل دل خوشی از برخی نهادهای منتخب همچون مجلس شورای اسلامی و یا شورای اسلامی و... نداشته باشند باز هم به خاطر تامین امنیت ملی خود باید در این انتخابات مشارکت نمایند.

۴. جلوگیری از دخالت بیگانگان

یکی دیگر از ثمرات حضور و مشارکت مردم در انتخابات و بالا بردن جنبه‌های مقبولیت نظام این است که مانع از این می‌شود که بیگانگان توان، جرات و یا بهانه دخالت در امور داخلی کشورها را پیدا نمایند، به عبارت دیگر امروزه به دلیل شکل گرفتن نهادهای بین‌المللی که اکثریت قریب به اتفاق کشورها عضو آن شده‌اند و با توجه به زمینه‌هایی که برای نفوذ و دخالت قدرتها در امور داخلی کشورهای دیگر به بهانه‌های مختلف از جمله موضوع نقض حقوق بشر وجود دارد، برخی قدرتها تلاش می‌کنند تا از همین دستاویزها استفاده نموده و در امور داخلی کشورهای مستقل از جمله جمهوری اسلامی ایران دخالت نمایند، از طرفی دیگر برای بهره‌گیری از این اهرم و ابزار لازم است در این کشورها شرایط و زمینه به گونه‌ای فراهم شود که بهانه برای دخالت قدرتها فراهم گردد که یکی از این بهانه‌ها نقض فراگیر حقوق مردم می‌باشد و نشانه آن هم عدم نقش آفرینی مردم در تعیین سرنوشت خویش می‌باشد، با این حال اگر موضوع به گونه

دیگری شود و مردم در صحنه‌های مختلفی که به نوعی باعث تقویت مقبولیت نظام می‌گردد مشارکت نمایند در آن صورت بهانه برای چنین مداخله‌ای از بین خواهد رفت و در صورتی که با وجود جلوه‌های تجلی مقبولیت مردمی نظام، برخی قدرتها همچنان اصرار بر مداخله به این بهانه داشته باشند صرفاً اعتبار خودشان از بین خواهد رفت، از سویی دیگری از رسمی‌ترین فعالیت‌هایی که باعث نمود یافتن مقبولیت مردمی نظام می‌گردد عبارت است از مشارکت مردم در انتخابات‌های مختلف، در نتیجه هر چه میزان مشارکت مردمی در انتخابات‌های مختلف نظام بالاتر باشد زمینه مداخله بیگانگان نیز کمتر خواهد شد.

۵. شکل‌گیری نهادهای قوی و کارآمد

یکی از دلایلی که باعث دلسرد شدن مردم از حضور در عرصه‌هایی همچون انتخابات می‌شود عملکرد نامناسب منتخبان و نیز ناکارآمدی نهادهایی است که به صورت انتخابی شکل یافته‌اند و اکثریت نهادهای کشور را شامل می‌شود، با این حال راهکار مقابله با چنین معضلی قطعاً قهر کردن از صندوق‌های رای نمی‌باشد چرا که این نهادها در هر صورت شکل خواهند گرفت و افرادی سکندار این نهادها خواهند شد که تصمیم و نظرشان به صورت مستقیم و غیر مستقیم تک تک افراد جامعه را تحت تاثیر خویش قرار خواهد داد، از این روی بهترین راهکاری که در مواجهه

با چنین وضعیتی می‌تواند وجود داشته باشد این است که با مشارکت فعالانه از یک سو و انتخاب ناشی از بصیرت و آگاهی و نه احساسات محض، از سوی دیگر بهترین گزینه‌ها انتخاب شوند تا در نهایت نهادهای قوی و کارآمد که دغدغه اصلی شان حل مشکلات مردم باشد شکل گیرد، امام خمینی ره نیز در زمینه شکل‌گیری مجلسی قوی و کارآمد با حضور و مشارکت همگانی مردم معتقد بودند: «اگر مجلس يك مجلس اسلامی که با انتخابات صحیح انجام بگیرد، و اشخاصی که انتخاب می‌شوند واقعاً منتخب ملت باشند، تمام کارهای کشور با دست مجلسیها اصلاح می‌شود.»^۱ مقام معظم رهبری نیز در همین زمینه می‌فرمایند: «سلامت نظام، به سلامت مجلس وابسته است. یک مجلس سالم و قوی و کارآمد و دارای اعضای مؤمن و منطبق با ضوابط، خواهد توانست پشتیبانی قانونی نظام را به شکل صحیحی انجام بدهد...»^۲

۶. رشد رونق اقتصادی با تقویت ثبات، امنیت و اقتدار نظام اسلامی

رونق اقتصادی در هر کشوری به مولفه‌های مختلفی بستگی دارد که در راس آنها وجود نهادهای کارآمد در داخل کشور و نیز امنیت همه جانبه قرار می‌گیرد که در این میان شاید امنیت، حرف اول را بزند چرا که این امنیت است که

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۶۹.

۲. بیانات در دیدار با اعضای هیات مرکزی نظارت بر انتخابات، ۱۳۷۰/۱۲/۴.

با ایجاد ثبات و پایداری در یک نظام، دورنمای اقتصادی مناسبی را فراروی سرمایه گذاران قرار می‌دهد و سرمایه گذار را برای اهداف اقتصادی خود تشویق می‌کند و رشد سرمایه گذاری در سایه نهادهای قوی و کارآمدی که بر این سرمایه گذاری نظارت کرده و آن را در راستای منافع عموم مردم و مصالح کشور مدیریت نمایند نیز به تبع خود منجر به رشد اقتصادی کل کشور می‌گردد و در نهایت منافع آن عائد عموم مردم می‌شود. به عبارت دیگر حضور و مشارکت آگاهانه مردم در انتخابات های مختلف نظام، منجر به شکل گیری نهادهای قوی و کارآمد از یک سو و تامین امنیت همه جانبه از سوی دیگر می‌شود و همین دو مساله زمینه‌های رشد اقتصادی هر چه بیشتر را فراهم می‌سازد که نفع آن به عموم مردم و کشور باز می‌گردد.

۰۷. امکان اجرای کارآمد سیاست‌های کلان نظام و طرح‌های مرتبط با پیشرفت کشور بر اساس الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

کشور ما کشوری نهادمند است که در آن هر یک از نهادها به وظایف و مسئولیت‌های خویش عمل کرده و در قبال وظیفه. مسئولیت و توان و امکانی که بر عهده دارد نیز باید پاسخگو باشد، بر این اساس مسئولیت مهمی که بر عهده رهبر معظم انقلاب گذاشته شده است امور چندی است که در راس آنها باید به سیاست گذاری کلان نظام جمهوری

اسلامی ایران و هدایت و راهبری مسیر انقلاب در حالت کلی و کلان آن اشاره کرد، از طرفی تجربه نیز نشان داده است که هر گاه این سیاست گذاری‌ها به صورت دقیق مورد اجرا قرار گرفته است کشور شاهد رشد و بالندگی هر چه بیشتر شده است، با تمام این احوال اجرای دقیق و کارآمد این سیاست گذاری‌ها، مستلزم وجود بسترها و نهادهایی است که عمده آنها منتخبان مردم هستند و اگر خدای نکرده مردم با عدم مشارکت در انتخابات و یا انتخاب بر اساس ملاک‌های نادرست چنین نهادهایی را به درستی شکل ندهند، این سیاست‌ها و طرح‌ها نیز در عمل به طور کامل اجرایی نخواهد شد.

مشارکت فعال و آگاهانه در انتخابات های مختلف نظام اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا و خبرگان یک ضرورت است که این ضرورت ناشی از عوامل مختلفی می باشد که فراتر از دلبستگی به مذهب، جناح و یا نظام سیاسی خاصی بوده و بُعد ملی پیدا می کند و به همین جهت حتی کسانی که علاقه و دلبستگی به نظام جمهوری اسلامی ایران ندارند نیز باید در انتخابات مشارکت نمایند چنانکه مقام معظم رهبری نیز در دیداری که اخیرا با مردم قم داشتند به همین نکته مهم اشاره کرده و فرمودند: «ما تکیه می کنیم، تأکید می کنیم، اصرار می ورزیم بر اینکه مردم همه شرکت کنند

در انتخابات و من بارها این را قبلا گفته‌ام... حتی آن کسانی که نظام را قبول ندارند، برای حفظ کشور، برای اعتبار کشور بیايند در انتخابات شرکت کنند.»^۱

چرا شرکت در انتخابات مهم است؟

در آستانه هر انتخابات با تبلیغات گسترده رسانه‌ای دشمنان برای مایوس کردن مردم از شرکت در انتخابات از یکسو و وجود برخی عوامل مایوس کننده در داخل همچون برخی وعده‌های عمل نشده، مشکلات اقتصادی و عملکرد ضعیف برخی مسئولان از سوی دیگر، شاهد تشکیک‌ها و ابهاماتی در ضرورت شرکت در انتخابات و بی اثر بودن آن هستیم که این مسأله در این دوره به دلیل ضعف عملکردی دولت و تحقق پیدا نکردن مطالبات به حق مردم، نمود بیشتری پیدا کرده است. از این رو بازخوانی دلایل اهمیت شرکت در انتخابات و تأثیر آن می‌تواند راهگشا باشد.

ضرورت و اهمیت شرکت در انتخابات مبتنی بر پشتوانه عقلی و منطقی روشنی است که به مهمترین محورهای آن اشاره می‌کنیم.

۱. اهمیت به سرنوشت کشور و اعمال حق مشارکت سیاسی

انتخابات نشانه اهمیت به سرنوشت کشور و حق مشارکت در اداره کشور و مظهر مردم سالاری است. اهمیت

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

نسبت به کشور و دفاع از حق مشارکت خود و حل مشکلات ایجاب می‌کند که در انتخاب شرکت کنیم. نمی‌توان مدعی علاقه به کشور و وطن بود، اما نسبت به آینده آن بی تفاوت بود؟ نمی‌توان از مردم سالاری و حق مردم سخن گفت، اما از آن استفاده نکرد و بعد نسبت به نادیده گرفتن حقوق خود معترض شد؟ اگر ما خود برای حق خودمان احترام و اهمیت قائل نشویم و نسبت به آن کوتاهی کنیم، چطور انتظار داریم که دیگران به حقوق ما اهمیت دهند؟ اگر امروز در انتخابات حضور پیدا نکنیم، آیا می‌توانیم فردا از حقوق خود دفاع کنیم؟ به ما نخواهند گفت اگر آینده و سرنوشت کشور و حق خود برای شما اهمیت داشت، چرا از این حق در زمان لازم در راستای تغییر و تحول استفاده نکردید؟

شرکت در انتخابات تنها یک وظیفه و تکلیف اجتماعی نیست، بلکه مشارکت در انتخابات و تعیین سرنوشت در یک حق است و ویژگی هر حقی این است که صاحب حق باید از آن دفاع کرده و در پی احقاق و استیفای آن باشد. حضور و مشارکت در انتخابات گامی در راستای مطالبه و دفاع از حق مسلمی است که هر ایرانی فارغ از هر دین و اعتقادی حتی اگر تعلق خاطر به نظام نداشته باشد، نسبت به سرنوشت کشور داراست. بدیهی است حساب عده معدودی که دم از وطن پرستی می‌زنند، اما در مواقع لزوم در عمل خلاف آن را نشان می‌دهد، از حساب توده مردم که نشان داده‌اند

با وجود همه مشکلات و کمبودها و فشارها در همه صحنه‌های دفاع از کشور حضور آگاهانه داشته، جداست.

عده معدودی به دلیل اعتقاد نداشتن به نظام، شرکت در انتخابات را موجب تقویت نظام دانسته از آن رو در انتخابات شرکت نمی‌کنند و ممکن است دیگران را نیز به عدم حضور در انتخابات ترغیب نمایند، این افراد که برای آینده و سرنوشت کشور اهمیتی قائل نیستند و برای آنها مهم نیست که دیگران برای سرنوشت کشور ما تصمیم بگیرند و یا به دلیل ضدیت با دین و ارزش‌های اسلامی، مخالف نظام هستند، مخاطب ما نیستند و آنها را به وجدان خود ارجاع می‌دهیم که چگونه خود را ایرانی می‌دانند، اما برای آینده کشورشان اهمیتی قائل نیستند؟

روی سخن با کسانی است که شاید معتقد به نظام نباشند، اما برای ایران و ایرانی اهمیت و ارزش قائل هستند، آیا با حاضر نشدن در انتخابات تغییر مثبتی به نفع کشور و مردم رقم خواهد خورد؟ کسی که برای کشور و آینده آن اهمیت قائل است، نمی‌تواند نسبت به انتخابات بی تفاوت باشد، مگر نه اینکه ما باید خود برای آینده کشور تصمیم بگیریم آیا خواهیم پذیرفت که دیگران برای ما تصمیم گیری کند یا سرنوشت کشور را به دیگران بسپاریم؟! حضور پیدا نکردن در انتخابات به معنای خالی کردن صحنه به نفع بدخواهان و دشمنان نظام بوده و نتیجه آن انگیزه بخشیدن

به دشمن، به طمع انداختن و جری نمودن آنان در دشمنی با ما خواهد بود.

امروز شاهدیم که چگونه قدرتهای غربی در برابر حق طبیعی کشورمان در برخورداری از فناوری صلح آمیز هسته‌ای با وجود همه اقدامات اعتماد ساز، ایستادگی نموده و کارشکنی می‌کنند و حتی به برجاسی که حاصل مذاکرات طولانی در این زمینه است، پایبند نبوده و به تعهدات خود عمل نکردند. روشن است که حضور پر شور مردم در انتخابات این پیام روشن را برای این کشورها خواهد داشت که مردم پای منافع و حقوق خود ایستاده‌اند و فشارها و تهدیدها نمی‌تواند آنها را از صحنه خارج نماید و حضور و مشارکت چشمگیر مردم در انتخابات موجب تجدید نظر آنان در سیاست‌های خصمانه خود خواهد شد.

۲. نقش آفرینی در تحولات و حل مشکلات کشور

اگر کسی از وضعیت کنونی ناراحت است و خواهان تغییر و تحول در آن است، باید بداند که با شرکت نکردن در انتخابات مشکلی حل نخواهد شد، به هر حال چه ما در انتخابات شرکت کنیم و چه نکنیم، چه با مشارکت بالا و چه پایین انتخابات برگزار خواهد شد و مسئولان کشور مشخص خواهند شد و رأی و تصمیم و نظرشان به صورت مستقیم و غیر مستقیم تک تک افراد جامعه را تحت تاثیر خویش قرار

خواهد داد. اگر ما برای خود تصمیم نگیریم، دیگران برای ما تصمیم خواهند گرفت.

از این رو بهترین راهکار این است که با مشارکت فعالانه از یک سو و انتخاب ناشی از بصیرت و آگاهی و نه از روی احساسات و علایق حزبی و وابستگی جناحی، از سوی دیگر، بهترین گزینه‌ها انتخاب شوند تا در نهایت افراد و نهادهای قوی و کارآمدی که دغدغه اصلی شان حل مشکلات مردم باشد، شکل گیرد، پس اگر خواهان تغییر در وضعیت کشور و حل مشکلات هستیم باید در این زمینه به نقش خود عمل کنیم و بعد مطالبه‌گری داشته باشیم. این سنت الهی است که هر تغییری نیازمند حرکت و تلاش است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.»

بر این اساس، تغییر و اصلاح نابسامانیها و حل مشکلات نیازمند عمل و تلاش است و نقش و عمل مردم در این زمینه با مشارکت و انتخاب صحیح تحقق پیدا می‌کند و زمینه ساز روی کار آمدن افراد توانمند و کارآمد و تغییر وضعیت موجود خواهد شد.

مگر نه این است که مشکلات کشور باید توسط خود ما حل شود، آیا این راهی به جز انتخاب افراد کارآمد و شایسته دارد؟ آیا انتظار داریم کسانی از بیرون کشور بیایند و مشکلات را حل کنند؟

وجود مشکلات و عملکرد ضعیف مسئولان نه تنها نباید موجب کاهش انگیزه برای حضور و مشارکت در انتخابات شود، بلکه باید انگیزه تغییر وضعیت موجود را در افراد بیشتر کند تا وضعیت به وجود آمده را اصلاح نمایند. جریان انقلابی و همه دلسوزان کشور باید امید و انگیزه لازم را به مردم بدهند که راه حل منطقی حل مشکلات کشور، حضور پرشور آنان در انتخابات و انتخاب یک دولت کارآمد، ارزشی و انقلابی است که بتواند با اتکار به ظرفیت‌های فراوان کشور و با عزم جهادی و روحیه انقلابی مشکلات را برطرف نماید. مقام معظم رهبری فرمودند: «ما... [در کشور] مشکلاتی داریم. ما مشکلات را باید مقایسه کنیم با نقاط مثبتی که الان در ما هست... دشمنان در تبلیغاتشان سعی می‌کنند سایه یأس و ناامیدی و بحران را بیندازند بر روی حوادث کشور، مشکلات کوچک را چند برابر بزرگ کنند؛ مشکلاتی که وجود ندارد، بیخود ملت را، کشور را متهم به آن کنند؛ آینده را تاریک نشان دهند، ملت را ناامید کنند؛ هدف دشمن این است. این ناامیدی از نظر آنها مقدمه‌ای است برای از رونق انداختن انتخابات. شما باید بعکس عمل کنید. عزیزان! جوانان! مسئولان! مبلغان! کسانی که عرصه سخن گفتن با مردم در

مقابل شما است! شما باید بعکس عمل کنید؛ به مردم امید دهید. این امید، امید واهی نیست؛ امید واقعی است.»^۱

۳. حفظ و تقویت امنیت و اقتدار کشور

برای امنیت امروز کشور مجاهدت‌ها، تلاش‌ها و ایثارهای فراوانی شده است و جوان‌های عزیزی جان خود را فدا کرده‌اند که نمی‌توان به سادگی آن را نادیده گرفت و نسبت به آن بی تفاوت بود. اگر آن عزیزان با جان و ایثار خود، امنیت کشور را حفظ کردند، پاسداشت و قدر دانی از این ایثار و مجاهدت ایجاب می‌کند که ما نیز سهم خود را نسبت به امنیت کشور ادا کنیم که یکی از جلوه‌های آن حضور و مشارکت در انتخابات است که نماد اقتدار ملی و تقویت کشور است. از نتایج حضور و مشارکت مردم در انتخابات و بالا رفتن جنبه مقبولیت نظام این است که دشمنان را مأیوس نموده و از حجم توطئه‌های آنان می‌کاهد و انگیزه و جرأت پیگیری دشمنی را از آنها خواهد گرفت. انتخابات مظهر قدرت یک کشور است و کشوری که از این پشتوانه برخوردار باشد در عرصه بین‌المللی به عنوانی کشوری قدرتمند شناخته می‌شود هر چند در ظاهر به آن اعتراف نکنند و این مسأله در معادلات سایر کشورها با آن تأثیرگذار خواهد بود.

هر چه میزان مشارکت مردمی در انتخابات بالاتر باشد

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲.

زمینه مداخله دشمنان نیز کمتر خواهد شد و این مطلبی است که حتی بدخواهان نظام نیز بدان اعتراف و اذعان دارند چنانکه یکی از عناصر مخالف نظام در برنامه‌ای در شبکه بی بی فارسی از مردم ایران درخواست کرد که یا در انتخابات مشارکت نکنند و یا اگر مشارکت هم کردند در خیابان‌ها به ابراز شادمانی نپردازند چرا که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، آنان در زمینه لابی کردن با کشورهای بیگانه برای تعیین نمانیده ویژه برای بررسی مسائل حقوق بشری در ایران دچار مشکل خواهند شد، چرا که وقتی مشارکت مردم در انتخابات بالا باشد و مستندات آن نیز توسط نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین المللی پخش شود کشورهای دیگر به ویژه کشورهای غیر غربی تمایل چندانی برای همراهی با کشورهای غربی به منظور تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران در امور حقوق بشری از خود نشان نمی‌دهند.^۱

شرکت پرشکوه مردم در انتخابات عامل حفظ کشور و مصونیت آفرین در برابر توطئه‌ها و آسیب‌های پیش رو خواهد بود. همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «حضور شما [مردم] در پای صندوق‌های رأی بارزترین مظهر حضور مردمی است و این پشتوانه انقلاب و کشور است. کسانی که با اخبار سروکار دارند، می‌بینند که

۱. دو «پیشنهاد تلخ» شیرین عبادی برای مردم ایران؛ www.farsnews.ir / ۱۳۹۴/۱۱/۰۹۸۰/news

مراکز سیاسی دنیا از گوشه و کنار سر بلند می‌کنند و می‌گویند ما نگران انتخابات ایران هستیم و مسائل انتخابات ایران را پیگیری می‌کنیم؛ این به همین خاطر است. نگاه می‌کنند تا ببینند آیا مردم در صحنه حضور دارند یا نه؛ اگر دارند، مثل گذشته نمی‌شود با این نظام کاری کرد؛ اگر حضور مردم ضعیف شود، آن وقت استنتاج می‌کنند که بین مردم و نظام فاصله افتاده است؛ در این صورت راه را برای دخالت و سلطه و پنجه انداختن دوباره بر کشور هموار می‌بینند؛ از این جهت متوجه انتخاباتند. پس اهمیت اول انتخابات به خاطر این است که انتخابات سنگر کشور است؛ حضور مردم در پای صندوق‌های رأی، مصون‌ساز سرنوشت ملت و مردم است و دشمن را از تعرض و تجاوز و پُرووی بی‌بیشتر باز می‌دارد.»^۱

همچنین فرمودند: «حضور حداکثری در انتخابات به دلیل نمایش اقتدار ملی و پشتوانه عظیم مردمی، خنثی‌کننده بسیاری از توطئه‌ها و زمینه‌ساز حل مشکلات کشور است... انتخاب حداکثری تضمین‌کننده امنیت، اقتدار و مصونیت کشور و مایوس‌کننده دشمنان است و ضامن آینده کشور است. روشن است که اگر امنیت و اقتدار کشور و پشتوانه مردمی نظام ضعیف شود، دشمنان امید بیشتری برای ضربه زدن به نظام خواهند داشت. یک عده‌ای کمین کرده‌اند که با عدم ورود مردم در عرصه انتخابات یا با تحریم

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۴ بهمن ۱۳۸۲.

انتخابات یا با سست کردن انتخابات... یک مچ‌گیری از نظام جمهوری اسلامی بکنند؛ یک عده‌ای کمین کرده‌اند. ملت در مقابل این کمین کرده‌های نابکار، کارآمدی خودش را نشان داده است، امروز هم نشان خواهد داد. این حرف اول من و مهم‌ترین حرف من در همه دوره‌ها انتخابات بوده است، الان هم هست: شرکت همگانی و بانشاط مردم.^۱

اگر به دنبال رشد و رونق اقتصادی هم باشیم، باید بدانیم که رونق اقتصادی در هر کشوری به مؤلفه‌های مختلفی بستگی دارد که در رأس آنها امنیت است زیرا در پرتو امنیت، بستر و زمینه رشد اقتصادی فراهم خواهد شد و امکان سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های لازم ایجاد می‌شود. از این جهت انتخابات در مسائل مختلف کشور تأثیر گذار است.

مقام معظم رهبری: «ملت عزیز ما در همه نقاط کشور این را بدانند؛ حضور گسترده آنها در پای صندوق رأی، در آینده کشور تأثیر دارد؛ در امنیت، در استقلال، در ثروت ملی، در اقتصاد، در همه مسائل مهم کشور تأثیر می‌گذارد.»^۲

۴. انتخابات زمینه ساز تحول و تغییر مثبت در اداره کشور

گاهی شنیده می‌شود که برخی می‌گویند هر کسی که روی کار بیاید، تفاوتی نخواهد داشت و تغییری در روند کشور

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات؛ ۳ دی ۱۳۹۴.

۲. بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی؛ ۱۴ فروردین ۱۳۹۲.

و وضعیت ما ایجاد نمی‌شود، سؤال اینجاست آیا در همه دوره‌های انتخابات مردم بهترین‌ها را انتخاب کرده‌اند و نتیجه‌ای به دست نیاورده‌اند که نسبت به انتخابات مایوس شوند، یا آنکه تحت تأثیر برخی عوامل و وعده و وعیدها و به هر دلیل افرادی را برگزیده‌اند که از توانمندی لازم برای انجام این مسئولیت سنگین برخوردار نبوده‌اند.

بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی امروز کشور به انتخاب خود ما باز می‌گردد و ناشی از عملکرد مسئولان، ضعف برنامه ریزی، ضعف‌های مدیریتی، نگاه نادرست در مدیریت اقتصادی و چشم دوختن به بیرون کشور و شبفتگی نسبت به الگوهای غربی و تلاش برای نسخه برداری از آن و استفاده نکردن از ظرفیت‌های داخلی کشور و ضعف روحیه انقلابی و جهادی است.

مردم نمی‌توانند نسبت به مبارزه با فساد و حل مشکلات کشور و پیشرفت اقتصادی و... دغدغه و مطالبه داشته باشند، اما در هنگام انتخابات معیارهای دیگری را در نظر بگیرند و یا افرادی را انتخاب کنند که یا چنین دغدغه‌هایی در آنها جدی نبوده و یا برنامه عملی مشخصی برای تحقق وعده‌های خود نداشته باشند.

مردم باید نسبت به این واقعیت آگاهی پیدا نمایند که نظام جمهوری اسلامی با وجود مشکلات و ضعف‌هایی

مدیریتی و داخلی و دشمنی‌ها و کارشکنی‌های خارجی توانسته است در مسیر پیشرفت گام برداشته و به دستاوردهای ارزنده‌ای در عرصه‌های مختلف علمی؛ پزشکی، نانو، هوافضا، الکترونیک، هسته‌ای و دفاعی دست یابد و آنگاه اهمیت پیشرفت‌های به دست آمده بیشتر نمایان می‌شود که توجه داشته باشیم که همه این پیشرفت‌ها با وجود تحریم‌ها، فشارها و مانع تراشیها به دست آمده است. بی تردید اگر همین نگاه و روحیه در عرصه اداره و مسائل اقتصادی و اجرایی کشور به کار گرفته شود، مشکلات کشور را حل و پیشرفت را برای کشور به ارمغان خواهد آورد و این جز با پشتیبانی و همراهی مردم و انتخاب صحیح آنها امکان پذیر نخواهد بود. مردم باید بدانند راه نجات و رفع مشکلات کشور از مسیر حضور در انتخابات می‌گذرد و با شرکت نکردن، هیچ مشکلی حل نمی‌شود. همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند: «علاج دردهای مُزمن کشور در پر شور بودن انتخابات و حضور عمومی مردم، و بعد، انتخاب اصلح و شخصیت مناسب در انتخابات ریاست جمهوری است.»^۱

تأثیرگذاری دشمن در انتخابات ایران چگونه می‌تواند باشد؟

انتخابات عرصه نمایش مشارکت، اقتدار و استحکام یک ملت و نمایانگر مقبولیت و پشتوانه مردمی هر نظام سیاسی و از جلوه‌های اساسی مردم‌سالاری محسوب می‌گردد. این اهمیت

۱. بیانات در دیدار تصویری جمعی از مردم آذربایجان شرقی؛ ۲۹ بهمن ۱۳۹۹.

و نقش ویژه موجب شده تا دشمنان انقلاب اسلامی، که الگوی مردم سالاری دینی برآمده از نظام جمهوری اسلامی را برنتافته و آن را چالشی جدی در برابر فرهنگ و الگوی خود یافته‌اند و از آغاز تا به امروز از هیچ کوششی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی فروگذار ننموده‌اند، از این فرصت برای نفوذ و تأثیر گذاری، خدشه دار نمودن اقتدار و پشتوانه مردمی نظام و ناکارآمد جلوه دادن الگوی مردم سالاری دینی استفاده نمایند و تمام تلاش خویش را به کار گیرند تا این فرصت فرا روی نظام و مردم را به تهدید و چالشی علیه نظام و مقابله با آن تبدیل کنند.

ممکن است برخی از روی غفلت یا ساده اندیشی، سخن از نقش و برنامه دشمن برای تأثیر گذاری در انتخابات را نوعی بزرگ نمایی یا توهم توطئه تلقی نمایند، اما تداوم دشمنی دشمنان انقلاب اسلامی در طول حیات نظام جمهوری اسلامی تا به امروز در عرصه‌ها و اشکال مختلف و حجم گسترده تبلیغات رسانه‌ای علیه انقلاب اسلامی از یکسو و نفوذ و بازتاب‌های انقلاب اسلامی و تأثیر گذاری آن در تحولات منطقه از سوی دیگر، جایی برای تردید در دشمنی آنان با نظام را باقی نمی‌گذارد و غفلت از دشمنی دشمنان از دشمنی آنان نخواهد کاست و نوعی خود فریفتگی محسوب می‌گردد و چه زیبا امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ؛ کسی

۱. مجلسی. محمد باقر. بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۵۹۷.

که بخوابد از او غفلت نمی‌شود»

از این رو صحنه انتخابات آوردگاهی است که دشمنان نظام برای پیشبرد اهداف خود و ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی از آن استفاده خواهند نمود و بی تردید شناسایی برنامه‌ها و شگردهای دشمن در انتخابات پیش رو، نقش مهمی در مقابله با آنها و خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان و افزایش آگاهی و بصیرت مردم خواهد داشت. به ویژه آنکه امروزه با فراگیر شدن فضای مجازی و گسترش و دسترسی آسان به شبکه‌های اجتماعی و میزان اثر گذاری و ظریف نفوذ آن و قابلیت کنترل، هدایت و جهت دهی افکار عمومی، این فضا به صحنه اصلی فعالیت و برنامه ریزی دشمنان برای نفوذ و تغییر هویت دینی و انقلابی مردم تبدیل شده است به ویژه آنکه متأسفانه کنترل و نظارت لازم و مناسبی نسبت به این شبکه‌ها وجود ندارد و این شبکه‌ها به آرامی و به صورت خزنده در حال تغییر افکار و باورهای جامعه در راستای اهداف خویش هستند.

در ادامه در نگاهی گذرا مهمترین اقدامات و برنامه‌های دشمن برای تأثیر گذاری بر انتخابات پیش رو را برخواهیم شمرد.

۱. ایجاد یأس و ناامیدی و دلسرده کردن مردم:

از برنامه‌های اصلی دشمنان در مقابله با نظام جمهوری

اسلامی در عرصه انتخابات، ایجاد یأس و ناامیدی و دلسرد کردن مردم از حضور در صحنه انتخابات و بی رونق کردن آن است. دشمنان نظام اسلامی که دریافته‌اند، نمی‌توانند مانع اصل برگزاری انتخابات شوند، تلاش می‌کنند تا با اقدامات و راهکارهای گوناگون، مردم را دچار یأس و ناامیدی کنند و انگیزه مردم را در حضور در میدان انتخابات کاهش دهند و انتخابات را از شور و رونق لازم بیاندازند و بدین ترتیب چهره مردم سالارانه نظام را مخدوش نمایند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «دشمنان ملت ایران همیشه سعی کرده‌اند انتخابات را از شور و هیجان بیندازند؛ برنامه‌ریزی کردند که مردم را از حضور در پای صندوقهای رأی باز بدارند؛ مردم را دلسرد کنند، مردم را ناامید کنند. در طول سالهای مختلف که ما انتخابات داشتیم - چه انتخابات مجلس، و چه به خصوص انتخابات ریاست جمهوری - همیشه دشمنان ما سعی کردند این انتخابات را بی‌رونق کنند؛ این به خاطر اهمیت انتخابات در کار کشور است.»^۱

«دشمنان در تبلیغاتشان سعی می‌کنند سایه یأس و ناامیدی و بحران را بیندازند بر روی حوادث کشور، مشکلات کوچک را چند برابر بزرگ کنند؛ مشکلاتی که وجود ندارد،

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.

بیخود ملت را، کشور را متهم به آن کنند؛ آینده را تاریک نشان دهند، ملت را ناامید کنند؛ هدف دشمن این است. این ناامیدی از نظر آنها مقدمه‌ای است برای از رونق انداختن انتخابات. شما باید بعکس عمل کنید... مردم باید همه توجه کنند، بدانند که حضور پرشور و پر رونق در انتخابات موجب می‌شود کشور مصونیت پیدا کند؛ موجب می‌شود که طمع دشمن برای دست‌اندازی و تعرض و دشمنی و خباثت نسبت به این کشور کم شود؛ حضور مردم این تأثیرات را دارد. آنها تلاش دارند که این اتفاق نیفتد.»^۱

۲. کاستن از اهمیت انتخابات و بی‌اثر نشان دادن آن در حلّ مشکلات کشور:

یکی از شگردهای دشمنان نظام در راستای تأثیرگذاری بر انتخابات، کم‌اهمیت جلوه دادن انتخابات و القای بی‌تأثیر بودن آن در حلّ مشکلات کشور است. دشمنان با تمرکز بر مشکلات و سیاه‌نمایی وضعیت کشور به دنبال این هستند که چنین وا نمود کنند که حضور مردم در انتخابات تأثیری در برطرف نمودن مشکلات کشور به ویژه مشکلات اقتصادی، تورم و گرانی نداشته و شرکت در انتخابات کمکی به بهبود شرایط کشور نمی‌کند و هر فردی که به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود وضعیت کشور همین است

۱. بیانات در دیدار اقاشارمخلف مردم، ۲۵/۲/۱۳۹۲.

و تغییر چندانی در شرایط کشور ایجاد نخواهد شد و بدین ترتیب از حضور حماسی و مشارکت حد اکثری مردم جلوگیری نمایند و نظام را ناکارآمد و فاقد پشتوانه مردمی نشان دهند. همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «شور و هیجان انتخابات، حرکت عمومی به سمت انتخابات - اولین کار بزرگی است که ملت می‌تواند انجام دهد؛ دشمن می‌خواهد این اتفاق نیفتد. برای اینکه مردم را از شور و حال و حرکت و هیجان بیندازند، چه کار می‌کنند؟ سعی می‌کنند مردم را از حضور در انتخابات ناامید کنند: آقا چه فایده دارد؟ حالا برویم رأی بدهیم که چه بشود؟ می‌خواهند این حالت را به مردم القاء کنند. برای همین است که شما اگر امروز به رادیوهای بیگانه و خبرگزاریهای صهیونیستی مراجعه کنید - که امروز همه خبرهای دنیا را در واقع یک شبکه بزرگ صهیونیستی جهت می‌دهد، به قول خودشان کانالیزه می‌کند؛ خبرهای باب میل خودشان را منتشر می‌کنند می‌بینید سعیشان این است که وضع کشور را بحرانی نشان دهند. خب، مشکلات در کشور هست؛ در کدام کشور نیست؟ گرانی هست، مشکل بیکاری هست؛ کجای دنیا امروز نیست؟ امروز خود آن کشورهای اروپایی که صحنه‌گردان تبلیغات علیه جمهوری اسلامی‌اند، با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. هر چند روز یک بار، در یکی از این کشورها یا در چند کشور، مردم می‌آیند در عرصه، از روی ناچاری

و ناگزیری داد می‌کشند و مورد تهاجم نیروهای امنیتی‌شان قرار می‌گیرند. البته اینها را تا بتوانند، پنهان می‌کنند. ما هم مشکلاتی داریم. ما مشکلات را باید مقایسه کنیم با نقاط مثبتی که الان در ما هست. کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد دارد؟ اقوام کشور، مذاهب کشور، شهرهای کشور، مناطق گوناگون کشور، همه در یک جهت، در یک هدف، با یک عواطف، با یک احساسات، با یک امید دارند حرکت می‌کنند، زندگی می‌کنند. کدام کشور این همه جوان سرحال و بانشاط دارد؟ جوانهای ما امروز میدانهای عظیم علمی را دارند فتح می‌کنند؛ در مسابقات گوناگون جهانی، رتبه‌های بالای جدول را دارند به دست می‌آورند؛ این چیز کمی است؟ کدام ملت مثل ملت ما با وجود این همه دشمنیها توانسته است این عظمت را، این اهمیت را، این تأثیرگذاری را در قضایای دنیا و در قضایای منطقه به دست آورد؟ یک عده دشمنان مایند، یک عده مزدوران دشمنان مایند؛ هرچه بتوانند، کارشکنی می‌کنند؛ اما ملت ایران، سربلند، سرافراز، وسط صحنه، با چهره بشّاش، با چهره‌امیدوار، بدون کینه به این و آن، دارد راه خودش را می‌رود.»^۱

۳. القای نمایشی بودن انتخابات و تشکیک در سلامت و آزادی انتخابات:

نمایشی نشان دادن انتخابات و زیر سؤال بردن سلامت و آزادی انتخابات از شگردهای دشمن برای تأثیرگذاری بر انتخابات و کمرنگ نمودن حضور مردم است. گاه دشمنان چنین وا نمود می‌کنند که انتخابات در جمهوری اسلامی نمایشی بوده و نتایج انتخابات از پیش تعیین شده است و متأسفانه بعضی نیز در داخل دانسته یا نادانسته همین خط فکر القایی دشمن را دنبال می‌کنند در حالی که روند انتخابات در کشورما و شفافیت آن و نتایج انتخابات در دوره‌های گذشته و تکاپوی دشمنان برای بی اثر کردن انتخابات به خوبی نادرست بودن این ادعا را ثابت می‌کند. به راستی اگر انتخابات در کشور ما نمایشی است چرا با نزدیک شدن انتخابات، دشمنان نظام با استفاده از پوشش رسانه‌ای گسترده خویش به دنبال تأثیر گذاری بر مردم و کمرنگ نمودن حضور آنان در صحنه انتخابات هستند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «آن کسانی که ممکن است از سر دلسوزی، راجع به انتخابات يك توصیه‌های عمومی بکنند که آقا انتخابات این جوری باشد، آن جوری نباشد، حواسشان باشد به این مقصود دشمن کمک نکنند؛ مردم را از انتخابات مأیوس نکنند، هی نگویند انتخابات باید آزاد باشد. خب، معلوم است که انتخابات باید آزاد باشد. ما از اول انقلاب تا حالا سی و چند تا انتخابات

داشته‌ایم؛ کدامش آزاد نبوده است؟ در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران می‌گذرد، آزادتر است؟ کجا صلاحیتها ملاحظه نمی‌شود، که اینجا روی این مسائل هی تکیه بکنند، هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم به وجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده‌ای ندارد؟ این یکی از خواسته‌های دشمن است. آن کسانی که در داخل، این حرفها را می‌زنند، ممکن است غفلت کنند. من می‌گویم غفلت نکنید، حواستان باشد، کار شما جدول مورد نظر دشمن را پر نکند؛ مقصود او را تکمیل و متمیم نکند.

يك مسأله دیگر این است که به مردم گفته شود، تلقین شود که انتخابات سلامت لازم را ندارد. البته بنده هم تأکید می‌کنم که انتخابات باید سالم برگزار شود؛ منتها این، راه دارد. در جمهوری اسلامی، در قوانین ما، راه‌های قانونی بسیار خوبی برای حفظ سلامت انتخابات پیش‌بینی شده است. البته کسانی بخواهند از طرق غیر قانونی عمل کنند، خب به ضرر کشور می‌کنند؛ کما اینکه در سال ۸۸ از راه‌های غیر قانونی وارد شدند، کشور را دچار هزینه کردند، برای مردم اسباب زحمت درست کردند، برای خودشان هم اسباب بدبختی و سرشکستگی در زمین و در ملاً اعلی شدند. راه‌های قانونی خوبی وجود دارد. بله، بنده هم اصرار دارم که انتخابات باید با سلامت کامل، با رعایت امانت کامل انجام بگیرد. مسئولین دولتی و مسئولین غیر دولتی که در کار انتخابات دست اندرکارند

و مسئول هستند، همه باید طبق قانون، با دقت کامل، با رعایت کمال تقوا و پاکدستی عمل کنند تا انتخابات سالمی پیش بیاید؛ و مطمئناً هم چنین خواهد شد.»^۱

۴. دامن زدن به اختلافات و ملتهب کردن فضای سیاسی و ایجاد فضای دو قطبی در جامعه:

رقابت‌های انتخاباتی فرصت و زمینه مناسبی را در تأثیر گذاری بر روند انتخابات برای دشمنان و بدخواهان نظام جمهوری اسلامی فراهم می‌کند تا با ایجاد فضای تنش و اختلاف افکنی و جنجال آفرینی و ملتهب نمودن فضای سیاسی کشور و شکاف در میان افراد جامعه، از شکل‌گیری فضای رقابت و شور و نشاط سالم در صحنه رقابت‌های انتخاباتی جلوگیری نمایند و با حاکمیت احساسات و هیجان‌های کاذب و فاصله گرفتن از فضای منطقی و عقلانی و رودررو قرار دادن جریان‌های سیاسی کشور و مردم با یکدیگر و سوء استفاده از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و تبدیل آن به اختلاف‌های اساسی، مردم را درگیر جنجال‌ها و اختلاف‌های فرسایشی کنند و فضای دو قطبی در جامعه ایجاد کرده و بدین وسیله وحدت و انسجام و همدلی میان مردم را از بین ببرند.

«یکی از هدف‌های دائمی جبهه دشمن - که در رأسش هم آمریکا است - از اوّل انقلاب تا امروز این بوده است که یک

۱. بیانات در دیدار مردم استان قم در سالروز قیام نوزده دی، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹.

دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیآورد؛ درست عکس آن چیزی که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده است؛ یعنی آمیختگی کامل نظام با مردم. آنها خواسته‌اند این شکاف را به وجود بیاورند؛ البته موفق نشده‌اند. انتخابات از جمله مواردی است که دشمن را در این عرصه مأیوس می‌کند؛ یعنی نشان‌دهنده ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه دشمن را بکلی از بین می‌برد. به این اعتبار، انتخابات مصداق **﴿ان تَنْصُرُوا اللَّهَ﴾** است.^۱

۵. حاشیه‌سازی و پررنگ نمودن مسایل فرعی:

از دیگر شگردهای دشمنان برای تأثیرگذاری بر انتخابات، می‌تواند حاشیه‌سازی و پررنگ نمودن مسایل فرعی و کم توجهی به مسایل اصلی و محوری کشور باشد. برنامه دشمن این است که بجای پیگیری مسایل کلان و اصلی کشور که حرکت در مسیر گفتمان ارزشی امام و انقلاب اسلامی و تحقق عدالت و اقتصاد مقاومتی و حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و مبارزه با فساد و تبعیض و بیکاری است، مردم را به مسایل فرعی و جزئی سرگرم نموده و بدین ترتیب ملاک‌های اصلی انتخاب مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به اینکه امروز جنگ اصلی دشمن با نظام جمهوری

۱ .بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش. ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

اسلامی یک جنگ تمام عیار اقتصادی با هدف فشار و به زانو در آوردن مردم و شکستن مقاومت و ایستادگی آنان است، مردم باید با هوشیاری کامل اولویت‌های کشور را درک کرده و نامزدی که بهترین و کارآمدترین برنامه‌ها را به منظور تحقق این اهداف ارایه می‌دهد برگزینند.

۶. تلاش برای مرعوب ساختن مردم:

دشمنان نظام جمهوری اسلامی که با هدف خسته کردن مردم و یأس و ناامیدی در پیگیری اهداف و جدا نمودن آنان از نظام جمهوری اسلامی، به تشدید فشارها و تحریم‌ها بر علیه کشورمان رو آورده‌اند، با برنامه ریزی در زمان انتخابات و فضا سازی و جنجال رسانه‌ای تلاش می‌کنند تا مردم را با تهدیدهای خود مرعوب سازند تا از شرکت در انتخابات منصرف شوند و بدین وسیله پشتوانه مردمی نظام را تضعیف نمایند و الگوی مردم سالاری دینی را ناکارآمد جلوه دهند.

مقام معظم رهبری فرمودند: «یکی از شگردهای قدرتهای متجاوز، برای ترساندن ملت‌ها و دولت‌ها و وادار کردن آنها به تأمین منافع نامشروع خود، تشر زدن و از خود بزرگنمایی نشان دادن است.

برای یک کشور بدترین حالت آن است که مسئولان آن کشور، از تشر دشمن بترسند زیرا این کار در را برای ورود،

تجاوز و تعرض او باز می‌کند. ترسیدن و دلهره از تشر دشمن و تحت تأثیر احم قدرتمندان قرار گرفتن اول بدبختی است. اگر کسی هم می‌خواهد بترسد، اشکالی ندارد اما از طرف ملت و به حساب مردم نترسد زیرا ملت ایران ایستاده است.»^۱

ایشان با اشاره به انواع توطئه‌ها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، خاطرنشان کردند: اگر بنا بود جمهوری اسلامی و ملت ایران از قدرتها بترسد و در مقابل آنها عقب نشینی کند، اکنون دیگر هیچ اثر و نشانی از ایران و ایرانی باقی نمی‌ماند.

۷. فضا سازی تبلیغاتی و جنگ رسانه‌ای و هدایت شبکه‌های اجتماعی:

امروزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با توجه به گستره نفوذ، فراگیری و میزان اثر گذاری در میان افراد جامعه به ویژه نسل جوان، بی تردید یکی از بسترهای مناسب برای پیشبرد اهداف دشمنان نظام و تأثیر گذاری آنان بر انتخابات است و دشمنان نظام از طریق فضا سازی تبلیغاتی، کنترل، تأثیر گذاری و هدایت و جهت دهی محسوس و نامحسوس به شبکه‌های اجتماعی می‌توانند افکار عمومی را در راستای اهداف مورد نظر خویش سوق دهند و برنامه‌های خود را پیش برند.

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش. ۱۳۹۶/۱/۳۰.

به راه‌انداختن موج عملیات روانی، جو سازی، دامن زنده به اختلافات و ایجاد دو دستگی میان نیروها و جریان‌های ارزشی و انقلابی، تخریب نیروهای انقلابی و کارآمد، شایعه پراکنی و انتشار گسترده اخبار دروغ و بی اساس و... گوشه‌ای از شگردهای دشمنان برای تأثیرگذاری بر انتخابات در این فضاست.

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «امروز دشمن از وارد کردن ضربه اساسی به نظام اسلامی ناامید است اما با استفاده از ابزارهای مختلف و پیچیده در صدد نفوذ است تا هویت جوان ایرانی، هویت مورد پسند آمریکا و استکبار باشد زیرا در این صورت برای پیاده کردن اهداف و نقشه‌های خود مشکل و هزینه‌ای نخواهد داشت.»^۱

آنچه اشاره شد، مهمترین برنامه‌ها و شگردهای دشمن برای تأثیرگذاری بر انتخابات و کاستن از حضور حداکثری مردم است و تضعیف پشتوانه مردمی نظام است. همانگونه که مقام معظم رهبری اشاره نمودند

«در دشمنی اینها هیچ تردیدی نیست؛ در اینکه تدبیر می‌کنند، فکر می‌کنند، دشمنی می‌کنند، دستگاه‌های مختلفشان را به کار می‌اندازند؛ در تمام این مدت قریب چهل سال، این دشمنی‌ها بوده؛ هر دولتی سرکار بوده، این

۱. بیانات در مراسم دانش آموزختگی دانشگاه امام حسین علیه السلام. ۱۳۹۵/۳/۳.

دشمنی‌ها را کرده‌اند... علی‌رغم دشمنانی که دائم وسوسه می‌کنند، دائم زمزمه می‌کنند - کسانی که این رادیوهای بیگانه و رسانه‌های بیگانه را می‌بینند که امروز دیگر رادیو در مقابل گستره رسانه‌ها چیز کوچکی است، می‌دانند که دشمنان چطور دارند وسوسه می‌کنند که یک جوری انتخابات را خراب کنند.»^۱

مردم هوشیار و آگاه ایران اسلامی باید شرایط حساس کشور را به خوبی درک نموده و جایگاه و نقش نظام جمهوری اسلامی را در سطح منطقه و عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار دهند و اهداف دشمنان از دشمنی و مقابله با نظام جمهوری اسلامی و اعمال فشارها و تحریم‌ها بر علیه آن را بشناسند و با توجه به روند رو به رشد و پیشرفت کشور و دستاوردهای بزرگ آن در عرصه‌های مختلف، با وجود برخی مشکلات کشور به ویژه مشکلات اقتصادی، با حضور حماسی و حد اکثری خود، دشمنان را همچون گذشته در رسیدن به اهداف خویش ناکام گذارند و نشان دهند که در مسیر روشنی که پیموده است، استوار و با صلابت ایستاده‌اند.

نامزدهای انتخاباتی نیز باید با بصیرت و آگاهی لازم صحنه انتخابات را به صحنه نمایش رقابت سیاسی سالم و تبلور مردم سالاری دینی تبدیل نمایند و زمینه حضور حد اکثری و

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش. ۱۳۹۶/۱/۳۰.

حماسی مردم را فراهم سازند و از هر گفتار و رفتاری که دور از آداب و اخلاق اسلامی و در راستای تخریب و اختلاف افکنی و تشنج آفرینی است و مردم را دلسرد و مأیوس می‌سازد، دوری کنند و دانسته یا نادانسته با دست خویش آب به آسیاب دشمن نریخته و او را در دستیابی به اهداف خویش یاری نکنند.

مشارکت و حضور حداکثری در انتخابات

بعضی افراد به دلیل وجود برخی مشکلات و ضعفها و نارضایتیها در انتخابات شرکت نمیکنند، چگونه می توان این افراد را توجیه کرد؟

افرادی که در انتخابات شرکت نمیکنند، در قالب سه گروه قابل ارزیابی اند. عدهای بر اثر مخالفت با نظام، هرگونه عملی که موجب تقویت نظام شود را نفی می کنند و از آنجایی که انتخابات نیز موجب مشروعیت بخشی به نظام کنونی خواهد شد، طبیعتاً در آن شرکت نمیکنند. عدهای نیز بر اثر تبلیغات سوء شرکت نمیکنند که عدم شرکتشان، نه به خاطر مخالفت با نظام، بلکه تحت تأثیر تبلیغات منفی گروه اول می باشد. گروه سوم نیز بر اساس بی توجهی و شاید هم ناآگاهی سیاسی در انتخابات شرکت نمیکنند چون به اهمیت این شرکت واقف نیستند.

بی تفاوتی سیاسی:

در علوم سیاسی پدیده‌ای را که در مقابل مشارکت سیاسی مطرح می‌کنند، بی تفاوتی سیاسی (Political Apathy) نام دارد. البته بعضی نیز آن را بی‌اعتنایی، کناره‌گیری یا عزلت سیاسی نیز ترجمه کرده‌اند. در مورد علل پیدایش این نوع بی تفاوتی، بحث گسترده‌ای وجود دارد که بیشتر در روانشناسی سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد. با این حال گفته می‌شود در مجموع، سه دسته عوامل روانشناسانه، اقتصادی- اجتماعی و سیاسی در پیدایش این وضعیت مؤثرند.

از نظر روانشناسی مشاهده شده که در شرایطی که افسردگی، احساس یأس و احساس تنهایی در میان عامه مردم یا بخش‌هایی از آن‌ها گسترش پیدا کند، عزلت سیاسی و بی تفاوتی سیاسی نیز پدید می‌آید.

در خصوص عوامل اقتصادی و اجتماعی، معمولاً مشاهده شده که افزایش میزان آموزش، بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی، افزایش ثروت و شهرنشینی و بالاخره افزایش دسترسی به ارتباطات، میزان بی تفاوتی سیاسی را کاهش می‌دهد. از نظر سیاسی نیز معمولاً در رژیم‌هایی که مشارکت سیاسی تشویق نمی‌شود و با تشکیل گروه‌ها و نهادهای مستقل مخالفت می‌شود، مشارکت سیاسی نیز محدود است.^۱

۱. انتخابات ریاست جمهوری؛ مظهر اقتدار ملی، گروه تحقیق دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۲۳.

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که علت اصلی کناره‌گیری بخشی از مردم، بی‌تفاوتی سیاسی است که این بی‌تفاوتی، محصول عوامل روانی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. با این حال، می‌توان بخشی از همین مخالفین را با استدلال، راضی به شرکت در انتخابات کرد.

اول:

ابتداء باید این گونه افراد را با ادله صحیح، قانع کرد که منکر برخی بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها در سطوح جامعه نیستیم، اما باید توجه داشت که این تبعیض‌ها در نظام اسلامی يك امر ناخواسته و تحمیلی است که باید با آن برخورد شود. علت اصلی شکل‌گیری نظامی به نام «جمهوری اسلامی ایران» ایجاد و اجرای عدالت است. حال اگر در برخی سطوح جامعه ما، برخی از مدیران تبعیضات ناروایی را اعمال می‌کنند، این مسئله را نباید به تمام ارکان نظام تسری داد. قطعاً، مسئولین درجه اول نظام، از این اتهام مبری هستند و تمام تلاش و سعی آنان بر رفع تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه استوار شده است.

دوم:

در مرحله بعد باید به این گونه افراد گفت که بر فرض هم ایرداتی بر حکومت وارد باشد. تبعیض در آن وجود داشته باشد، آیا این امر موجب خواهد شد تا از حق قانونی و ملی خود که همانا شرکت در انتخابات و استیفای حقوق خود است، بگذریم؟! اصلاً در يك جامعه‌ای - بر فرض - تبعیض وجود داشته باشد، در این صورت شرکت در انتخابات امری لازم است چرا که می‌توانیم با انتخاب انسان‌های شایسته، مدیران ناصالح و غیر متعهد را کنار بزنیم و حکومت شایسته‌ای را بر روی کار آوریم. آیا با کناره‌گیری از انتخابات و با شرکت نکردن در انتخابات، مشکلات حکومت حل می‌شود؟! آیا با عدم حضور ما در صحنه، آن عده از مدیران ناصالح با دلگرمی بیشتر، به تبعیض‌های ناروای خود ادامه نخواهند داد؟

سوم:

باید به آن‌هایی که به بهانه‌های مختلف در انتخابات شرکت نمی‌کنند، متذکر شد که شرکت در انتخابات يك حق و يك وظیفه ملی و اسلامی است و بی تفاوتی در مقابل این حق، خیانت به اسلام و کشور است. همانطوریکه حضرت امام خمینی رحمة الله علیه معتقدند که: «باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی [انتخابات] خیانت به اسلام و کشور است و موجب مسئولیت عظیم است»^۱.

۱. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳.

چهارم:

باید از منظر «شرعی» به آنان خاطر نشان کرد که شرکت در انتخابات يك امر شرعی و دینی است و شرکت نکردن در آن حرام است. این سخن را می‌توان با استناد به کلام برخی از بزرگان بیان نمود. به عنوان نمونه حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ معتقدند که: «باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف، همان طور که باید نماز بخواند، همان طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند»^۱. همین طور می‌توان به فتوای بسیاری از مراجع کنونی اشاره نمود که در آستانه هر انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مقلدان خود و عموم مردم را به شرکت در این امر فرا می‌خوانند و این مسئله را يك تکلیف شرعی و دینی قلمداد می‌نمایند.

پنجم:

يك جهت قضیه هم به خود مسئولین و همه دلسوزان نظام برمی‌گردد. اگر فضای کشور در آستانه هر انتخاباتی، سالم و رقابتی باشد و اگر این فضا، آرام و دلنشین باشد و مردم هم احساس کنند که رأی آنان نافذ و مؤثر است، قطعاً بسیاری از مردم به سمت شرکت در انتخابات تشویق خواهند شد. حضرت آیت الله خامنه‌ای، در این مورد می‌گویند: «... کاری کنیم که فضای کشور در آستانه انتخابات،

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

يك فضای معتدل، آرام و دلنشین باشد، تا مشوق مردم برای انتخابات شود^۱! بی گمان؛ هروقت فضای کشور در آستانه انتخابات، سالم و غیر مسموم باشد، رغبت مردم برای شرکت در این امر مهم بیش از پیش خواهد بود.

اما باید دانست برخی هم که از اساس با این نظام مخالفند و با هرگونه عمل که موجب تقویت و تحکیم و نظام جمهوری اسلامی شود، مخالفند با هیچ استدلال و منطقی، راضی به شرکت در انتخابات نخواهند شد و طبیعتاً بحث و مناظره با این گونه افراد، غیر مؤثر و بیهوده است.

چه موانعی برای مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد و راه حل آن برطرف کردن آن چیست؟

مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و نقش مهمی در پیشبرد اهداف نظام اسلامی خواهد داشت. امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به مردم مصر فرمودند: «ای مردم مصر! نگوئید ما سرپرستی چون مالک اشتر و امامی چون علی داریم. اگر در صحنه حاضر نباشید، شکست می خورید. مادر حال نبرد و جنگ با باطل هستیم. جامعه ای که در خواب باشد، دشمن بیدارش، اورار هانمی کند»^۲

از این جهت شناسایی عوامل کاهش مشارکت و موانع آن لازم است. موانعی که به طور معمول از اجرای انتخابات

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۸۳/۶/۹.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۲.

پر شور و با مشارکت حداکثری، جلوگیری می‌کند به دو قسم
موانع درونی و موانع بیرونی قابل تقسیم هستند.

موانع درونی:

از عمده ترین موانع درونی مشارکت مردم می‌توان به این
موارد اشاره کرد.

۱. دلسرد کردن مردم:

از جمله موانع درونی شرکت مردم در انتخابات، دلسرد
کردن مردم می‌باشد. یکی از نقشه‌های حساب شده
دشمنان خارجی و داخلی، دلسرد کردن و مأیوس نمودن
مردم و در نتیجه نهادینه کردن، بی‌انگیزگی در آنان است.

۲. ایجاد شک و تردید:

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «مبادا در روزنامه یا
رسانه‌ای - به هر نحوش - یا در تبلیغاتی، طوری حرف زده بشود
که مردم را نسبت به انتخابات دو دل بکنند... مبادا کسانی در
داخل محدوده نظام اسلامی پیدا بشوند که به این خواسته
دشمن کمک کنند. به علت اختلافی که با زید و عمر و بکری
دارند، برای خاطر یک امر جزئی، کم اهمیت و احياناً شخصی یا
گروهی، بیایند مردم را نسبت به این حقیقت عظیم. که حضور
آن‌ها را در صحنه نشان می‌دهد. مردّد و دلسرد بکنند.»^۱

۱. بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۹/۱۰/۱۳۷۰.

۳. تبلیغ ضعف مدیریت:

یکی دیگر از مواردی که موجب دلسرد کردن مردم در انتخابات می‌شود، تبلیغ ضعف مدیریت مدیران عالی نظام است. مقام معظم رهبری خاطر نشان کردند: «... از عوامل دیگری که از موجبات واگرایی مردم است، تبلیغ ضعف مدیریت در کشور و نبود اقتدار است، که متأسفانه تبلیغات گوناگونی از جناح‌های متخلف کشور وجود دارد که انسان از این رنج می‌برد»^۱

۴. وجود تبعیض و بی عدالتی

از دیگر موارد موانع درونی، می‌توان به «وجود تبعیض و بی عدالتی» توسط برخی مسئولان اشاره نمود. رهبر انقلاب در این مورد تأکید می‌کنند: «... مسئله دیگری که از موجبات واگرایی و دلسرد شدن مردم است، تبعیض‌ها و فرصت‌های اختصاص داده شده به اشخاص است که گاهی مشاهده می‌شود...»^۲

۵. تنش‌های سیاسی

مقام معظم رهبری فرمودند: «مجادلات بی مورد، فضای سیاسی کشور را زهرآگین و مردم را افسرده می‌کند و در نهایت به ضرر نظام و همه جناح‌ها تمام می‌شود بنابراین

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت؛ ۱۳۸۲/۶/۵.

۲. همان.

همه مسؤولان و گروهها و جناحها باید از ایجاد تشنج‌های سیاسی بشدت پرهیز کنند و فضایی منطقی، معتدل و معقول در کشور بوجود آورند.^۱

۶. تداوم مشکلات و حل نشدن آن

ادامه یافتن مشکلات در دوره‌های مختلف و حل نشدن آن، در کاهش انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات تأثیر گذار است. مردم باید تغییرات مثبت را در زندگی خود لمس کنند. گاهی اقدامات خوب زیادی انجام می‌شود، اما آثار آن در زندگی مردم و برای آنان ملموس نیست و این ذهنیت برای آنها ایجاد می‌شود که شرکت در انتخابات در حل یا کاهش مشکلات تأثیری ندارد.

موانع بیرونی:

بی‌گمان، دشمنان ملت ایران، در صدد یافتن راه‌های مختلف در جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی‌اند. یکی از این راه‌ها، تبلیغ منفی در جهت کاستن از حضور گسترده مردم در انتخابات مختلف می‌باشد. در این مورد به چند شیوه متوسل می‌شوند، اول آنکه با پاشیدن بذر تردید و شك و بدبینی، در صدد کمرنگ کردن شور مردمی می‌باشند؛ رهبر معظم انقلاب این توطئه دشمن را خاطر نشان کرده و هشدار می‌دهند: «دشمن می‌خواهد مردم را نسبت به

۱. همان.

آینده خودشان بدبین و ناامید کند... دشمن می‌خواهد بگوید مردم ایران نسبت به مسئولیت‌هایشان خوش بین نیستند و به آن‌ها اعتماد ندارند. دشمن می‌خواهد بگوید فاصله میان مردم و مسئولین به وجود آمده و این فاصله هر روز بیشتر می‌شود، این چیزها را دشمن دارد تفهیم می‌کند و سمپاشی می‌کند. دشمن می‌خواهد بذر تردید و شك و بی‌اعتمادی و بدبینی در جامعه بپاشد.^۱

دیگر آن که با پخش شایعاتی از قبیل؛ وجود تقلب در انتخابات و... در پی نیل به خواسته‌های شوم خود می‌باشند. به تعبیر رهبری: «دشمن به همان اندازه‌ای که از اجتماع آراء در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم در صدد است که اگر این تجربه به وسیله ملت ایران با موفقیت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدتی پیش دارند برای این قضیه برنامه ریزی می‌کنند. شایعه تقلب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و مثل درست کردند و در دهان مردم انداختند...»^۲

راهکارها:

در مقابل این موانع، راهکارهایی را می‌توان پیش بینی نمود. این راهکارها می‌تواند برون رفتی مناسب از حصار موانع باشد:

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۶۸/۷/۲۸.

۲. بیانات در دیدار خانواده‌های معظم اسرا و مفقودین جنگ تحمیلی؛ ۱۳۷۶/۲/۳۱.

۱. تبیین اهمیت انتخابات:

نخبگان جامعه باید اهمیت انتخابات را برای مردم تبیین نمایند و آثار شکر در انتخابات و پیامدهای کاهش مشارکت را برای مردم بازگو کنند. مردم ما باید بدانند که مشارکت در انتخابات، تضمین کننده امنیت، اقتدار و استقلال کشور و مایوس کننده دشمنان و کاهش دشمنی آنها خواهد شد و در صورت کاهش مشارکت، دشمنان آن را به عنوان ضعف پشتوانه مردمی نظام دانسته و به اجرای نقشه‌های خود امیدوارانه‌تر، ادامه خواهند داد. حضرت امام فرمودند: «مردم اگر اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می‌خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند، و در صحنه حاضر باشند»^۱

۲. ایجاد فضای متعادل:

ایجاد فضای متعادل و عقلایی در جامعه، می‌تواند بر کثرت حضور مردم در انتخابات بیفزاید.

مقام معظم رهبری معتقدند: «مردم به انتخابات علاقه دارند. آنچه مردم را می‌راند، برخی از صحنه‌های ناخشنود کننده‌ای است که در سطوح ماها به چشم آن‌ها می‌آید. فضا باید متعادل، منطقی و عقلایی باشد گفتگوی انتقادی اشکالی ندارد، اما گفتگو باهای و هوی فرق دارد. در مردم

۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۸۰.

سالاری اسلامی، گفتگو با عربده کشی و چاقو کشی در بعضی از دموکراسی‌ها تفاوت دارد»^۱

۳. رعایت امانت در انتخابات:

از جمله راهکارهایی که می‌تواند موانع شرکت گسترده در انتخابات را از سر راه بردارد، تضمین رعایت «اصل امانت» در انتخابات است. مقام معظم رهبری تأکید کردند: «مردم باید احساس کنند که در کار انتخابات - خدا ناکرده- دخالت و سوء استفاده‌ای نیست. مردم باید بدانند که اجازه سوء استفاده به کسی داده نمی‌شود، تا از روی میل و رغبت در انتخابات شرکت نکنند. باید انتخابات از روی نهایت امانت انجام بگیرد.»^۲

۴. برآوردن توقعات مردم:

بی‌گمان، برآورده کردن انتظارات و توقعات مردم، موجب خواهد شد تا نسبت به مشارکت در انتخابات ترغیب شوند. همانگونه که مقام معظم رهبری خاطر نشان فرمودند: «مردم با اسلام و نظام اسلامی مشکلی ندارند بلکه مشکل مردم با برخی ضعفها و نارسائیهها و عدم رعایت ضوابط در بعضی از بخشهای مدیریتی کشور است... مردم نظام اسلامی را دوست دارند اما از مسئولان نیز توقعات درستی دارند که

۱. بیانات در دیدار مسئولین نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.

۲. بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور و مسئولان وزارت کشور؛ ۱۳۷۴/۱۰/۲۶.

از جمله آنها، برقراری عدل، رفاه، برطرف کردن مشکلات، کم کردن شکافهای طبقاتی و برخوردار نشدن بی جهت برخی افراد در میدانهای سیاسی و اقتصادی است.»^۱

برای این که انگیزه مشارکت مردم در انتخابات بالا رود و حضور حداکثری آنان در انتخابات شکل بگیرد چه باید کرد؟

انتخابات عرصه مشارکت مردم و نمایانگر قدرت مردمی و پشتوانه ملی نظام است و به هر میزان مشارکت بیشتری در انتخابات شکل بگیرد و حضور گسترده تری را در این عرصه از سوی مردم شاهد باشیم، نظام از پشتوانه مستحکم تری برخوردار خواهد بود و در ادامه مسیرخویش با صلابت و قدرت بیشتری حرکت خواهد نمود. اهمیت و جایگاه ویژه انتخابات موجب شده که دشمنان نظام اسلامی، تمامی تلاش خویش را به کار بگیرند تا مردم را نسبت به شرکت در انتخابات دلسرد و مأیوس نمایند تا بدین وسیله نظام را از این پشتوانه قوی محروم سازند و بتوانند در روند حرکت نظام خلل وارد نمایند از این رو برای خنثی نمودن توطئه دشمنان باید تدابیر و راهکارهایی اندیشید که انگیزه مشارکت مردم در انتخابات افزایش پیدا نماید و زمینه حضور حد اکثری آنان فراهم گردد.

مهمترین راهکارهای افزایش مشارکت عمومی و حضور

۱. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان؛ ۱۳۸۷/۱۲/۱۳.

حد اکثری مردم در انتخابات عبارتند از:

۱. آگاهی بخشی و بصیرت افزایی؛ آگاهی بخشی و بصیرت افزایی در مردم، نقش مؤثری در افزایش مشارکت مردمی در انتخابات دارد. مردم اگر درک صحیحی از موقعیت و جایگاه کشور داشته باشند و حساسیت انتخابات ریاست جمهوری و نقش آن را در پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور و ناکامی دشمنان در دستیابی به اهداف خویش بشناسند، به یقین در عرصه انتخابات حضور پررنگی پیدا خواهند کرد. مردم باید نسبت به این واقعیت آگاهی پیدا نمایند که نظام جمهوری اسلامی که بر پایه فرهنگ ناب اسلامی شکل گرفته است، با وجود مشکلات و ضعف‌هایی مدیریتی و داخلی و دشمنی‌ها و کارشکنی‌های خارجی توانسته است در مسیر پیشرفت گام برداشته و به دستاوردهای ارزنده‌ای در عرصه‌های مختلف دست یابد و افق روشنی را فرا روی کشور روشن نموده است که ادامه این مسیر به جز با پشتیبانی و همراهی مردم همانگونه که تا کنون چنین بوده است، امکان پذیر نخواهد بود و انتخاب رییس جمهور شایسته و نقش مهمی در روند حرکت کشور خواهد داشت و همین پیشرفت‌ها و حرکت رو به رشد کشور سبب شده که دشمنان نظام از جایگاه نظام جمهوری اسلامی و تأثیر گذاری آن و تبدیل شدن آن به الگویی برای کشورهای اسلامی احساس خطر نمایند و تلاش خویش را برای دشمنی با آن به کار بندند.

مردم باید بدانند که حضور آنان در صحنه، خنثی کننده بسیاری از توطئه‌های دشمنان بوده و امنیت بیشتری را برای کشور به ارمغان خواهد آورد. امروز شاهدیم که چگونه قدرتهای غربی در برابر دستیابی کشور ما به فناوری صلح آمیز هسته‌ای با وجود همه اعتماد سازی‌ها و رعایت مقررات آژانس اتمی، ایستادگی نموده و کارشکنی می‌کنند و حاضر به رسمیت شناختن حق طبیعی کشور ما در این عرصه نیستند. روشن است که حضور پر شور و حد اکثری مردم در عرصه انتخابات پیام روشنی برای این کشورها خواهد داشت و قدرت برتری را برای کشور ما به ارمغان خواهد آورد و آنان را در تنگنا قرار خواهد داد.

مقام معظم رهبری فرمودند: «گسترش مشارکت و حضور گسترده مردم در انتخابات اهمیت دارد. شور انتخاباتی در کشور و حضور مردم پای صندوق‌های رأی می‌تواند تهدیدهای دشمنان را بی‌اثر کند؛ می‌تواند دشمن را ناامید کند؛ می‌تواند امنیت کشور را تأمین کند. ملت عزیز ما در همه نقاط کشور این را بدانند؛ حضور گسترده آنها در پای صندوق رأی، در آینده کشور تأثیر دارد؛ در امنیت، در استقلال، در ثروت ملی، در اقتصاد، در همه مسائل مهم کشور تأثیر می‌گذارد.»^۱

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.

۲. شناخت و درک احساس مؤثر بودن مردم از رأی خویش:
طبق اصل ششم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، اعضای شوراها و نظایر این‌ها و... لذا آگاهی و شناخت مردم از نقش مؤثرشان در اداره کشور و تعیین سرنوشت کشور می‌تواند انگیزه شرکت در آنان را افزایش داده و هرگونه ادعای بی‌فایده بودن رأی مردم و اتهام‌نمایی بودن و بی‌اثر بودن آرای آنها می‌تواند میزان مشارکت مردم را تضعیف و رو به کاستی ببرد برای همین توجیه مردم در خصوص میزان نقش و تأثیری که در اداره آینده سیاسی کشور دارند و ملموس کردن این نقش و حق آنان در تعیین سرنوشت سیاسی کشور می‌تواند میزان مشارکت را به مراتب افزایش دهد.

۳. شفافیت، صداقت و اطمینان بخشی؛ یکی از عوامل افزایش مشارکت مردمی، ایجاد فضای شفاف و به دور از ابهام، صادقانه و اطمینان بخشی به مردم می‌باشد. رقابت‌های انتخاباتی در صورتی می‌تواند به حضور و مشارکت حداکثری مردم بیانجامد که از شفافیت و صداقت لازم برخوردار باشد و از هر گونه عوام‌فریبی و شعارزدگی پرهیز شود و برای برون رفت از مشکلات و حرکت کشور برنامه‌های روشن، کاربردی و شفاف ارائه داده شود و مردم این اطمینان را پیدا نمایند که افرادی که پا در عرصه انتخابات

گذارده‌اند، عزم و اراده جدی و برنامه روشنی برای برطرف نمودن مشکلات کشور و شکوفایی بیشتر آن دارا هستند. در صورتی که چنین اطمینانی از سوی نامزدها و جریان‌های سیاسی کشور برای مردم ایجاد شود، شاهد حضور حداکثری آنان در عرصه انتخابات خواهیم بود.

۴. پرهیز از سیاه‌نمایی شرایط کشور. هر چند وجود برخی از مشکلات به ویژه مشکلات اقتصادی، گرانی، تورم و نوسانات قیمت‌ها قابل انکار نیست، اما نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنان باید از سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی مشکلات کشور و نادیده‌انگاشتن اقدامات و عملکردهای مثبت پرهیز نمایند و با ارزیابی منصفانه و منطقی از شرایط کشور، برای برطرف شدن مشکلات چاره‌اندیشی نموده و برنامه روشنی ارائه دهند. به هر حال دولت‌های گذشته دارای نقاط ضعف و قوتی بوده‌اند که در ارزیابی وضعیت کلی کشور باید به مجموعه این نقاط توجه شود و برای برطرف نمودن نقاط ضعف و کاستی‌ها و تقویت نقاط مثبت راهکارهایی معرفی گردد. سیاه‌نمایی وضعیت کشور ضمن اینکه انگیزه مشارکت را در مردم کاهش خواهد داد. دانسته یا نادانسته حرکت در راستای اهداف دشمنان محسوب خواهد شد.

۵. برنامه و راه‌حل‌های روشن برای برون‌رفت از مشکلات؛ از عوامل مؤثر در افزایش انگیزه مشارکت در مردم و شکل‌گیری حضور حداکثری آنان، ارائه برنامه و راه‌حل روشن

نامزدهای انتخاباتی برای برون رفت از مشکلات کنونی کشور و پرهیز از کلی گویی و ابهام گویی در این زمینه است. مردم باید در برنامه‌های نامزدهای انتخاباتی، راه حل و برنامه‌های روشن و ملموسی را برای برطرف شدن مشکلات کنونی کشور مشاهده نمایند تا انگیزه آنان برای حضور در انتخابات و بهتر شدن شرایط کشور و برطرف شدن مشکلات آن افزایش پیدا نماید.

۶. حضور سلايق و گرايش‌هاى متنوع با پرهيز از جناح بازى‌هاى سياسى. حضور سلايق و گرايش‌هاى سياسى متنوع و معتقد به نظام موجب ايجاد شور و نشاط فضاى انتخاباتى و فضاى رقابتى در کشور شده و اين عاملى براى افزايش مشارکت مردمى خواهد بود. البته اين تنوع نبايد به گونه‌اى باشد که به جناح بازى سياسى و رقابت‌هاى خسته کننده منجر شود و اعتماد مردم را به صداقت جريان‌ها و گروه‌هاى سياسى متزلزل نمايد و مردم را دچار سردرگمى در تصميم‌گيرى نمايد.

۷. نقش مطبوعات و رسانه‌ها در ايجاد فضاى رقابتى مناسب : مطبوعات و رسانه‌هاى عمومى مى‌توانند نقش مهمى در ايجاد انگيزه و هيجان سالم انتخاباتى در ميان مردم ايجاد نمايند و با آشنا سازى مردم با نامزدهاى انتخاباتى، برنامه‌ها و اهداف آنان و گزينش نامزد اصلح و ايجاد فضاى رقابتى عادلانه و به دور از جنجال آفرينى، بستر مناسبى را

برای حضور حداکثری مردم فراهم نمایند. در این زمینه رسانه ملی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و با توجه به گستره و پوشش عمومی این رسانه و تأثیر گذاری آن در میان مردم، این رسانه می‌تواند با برنامه ریزی دقیق و برگزاری مناظرات شفاف انتخاباتی، نقش مهمی را در افزایش انگیزه مشارکت عمومی ایفا نماید.



اخلاق در انتخابات

ویژگی‌های عمده اخلاق انتخاباتی با استفاده از آیات و روایات چیست؟

انتخابات به عنوان یک رفتار اجتماعی از حوزه اخلاق خارج نبوده و برای تحقق یک انتخابات و رقابت سالم در تراز جامعه اسلامی، معیارها و ضوابطی باید رعایت شود که به چهار شاخصه عمده اخلاق انتخاباتی با استفاده از آیات و روایات اشاره می‌کنیم.

۱. صداقت و پرهیز از دروغ

صداقت و راستی یکی از شاخصه‌های ایمان است که در تمامی زندگی فردی و اجتماعی انسان باید ظهور و بروز داشته باشد. فعالیت‌های انتخاباتی، نباید موجب کنار گذاشتن صداقت و روی آوردن به دروغ و فریب برای کسب رأی شود.

قرآن کریم خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون. کبر مقتاً عند الله ان تقولوا ما

لا تفعلون! هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزهایی می‌گویید که به آنها عمل نمی‌کنید. خدای تعالی سخت به خشم می‌آید که چیزی را بگویید که بدان عمل نمی‌کنید».

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «أَعْظَمُ الْخِطَايَا عِنْدَ اللَّهِ الْلِّسَانُ الْكَذُوبُ وَ شَرُّ النَّدَامَةِ نَدَامَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۲؛ بدترین گناهان نزد خدا (گناه) زبان دروغ‌گو است، و بدترین پشیمانی روز قیامت است».

۲. پرهیز از اتهام‌زنی و شایعه‌پراکنی

پرهیز از شایعه‌پراکنی یکی از مهمترین اصول اخلاقی در رقابتهای انتخاباتی است. در منطق اسلام هم پذیرش شایعه و از زبان یکدیگر گرفتن بدون تحقیق و بررسی از درستی یا نادرستی آن، هم منتشر ساختن شایعه و هم ساده و کوچک شمردن آن، مورد نکوهش قرار گرفته شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «اذ تلقونه بالسنتکم و تقولون بافوا حکم ما لیس لکم به علم و تحسبونه هیناً و هو عند الله عظیم»^۳؛ شما بدون اینکه درباره آنچه شنیده‌اید تحقیقی کنید، و علمی به دست آورید، آن را پذیرفتید و دهان به دهان گردانیدید و منتشر ساختید. شما این

۱. سوره صف، آیه ۳-۲.

۲. فیض کاشانی، محسن، المحجة البيضاء، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ق، ج ۵، ص ۲۴۳.

۳. سوره نور، آیه ۱۵.

رفتار خود را کاری ساده پنداشتید و حال آنکه نزد خدا کار بس عظیمی است».

قرآن کریم در مورد شایعه سازان می‌فرماید: ﴿لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض و المرجفون﴾^۱ فی المدینه لنغرینک بهم^۲؛ اگر منافقین و بیمار دلان دست از فساد انگیزی برندارند، و کسانی که اخبار و شایعات دروغی در بین مردم انتشار می‌دهند. تو را (ای پیامبر) مأمور می‌کنیم تا علیه ایشان قیام کنی و نگذاری در مدینه در جوارت زندگی کنند، بلکه از این شهر بیرونشان کنی».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انی لعرفت قوماً یضربون صدورهم ضرباً یسمعه اهل النار و هم الهمازون اللمازون الذین یلتمسون عورات المسلمین و یهتکون ستورهم و یشیعون فیهم من الفواحش ما لیس فیهم^۳؛ گروهی را می‌شناسم که در قیامت آنچنان به سینه آنان ضربه وارد می‌شود که اهل جهنم صدای سینه آنان را می‌شنوند و آنان کسانی اند که در پی اطلاع از عیوب و گناهان پنهانی دیگران بوده‌اند و به هتک حرمت و فاش کردن آنها

۱. مرجفون از ماده «ارجاف» به معنی اشاعه اباطیل به منظور غمگین ساختن دیگران است و اصل ارجاف به معنی اضطراب و تزلزل است، و از آنجا که شایعات باطل ایجاد اضطراب عمومی می‌کند این واژه به آن اطلاق شده است. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۳۰-۴۲۹).

۲. سوره احزاب، آیه ۶۰.

۳. فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۴۶.

می‌پردازند و چیزهائی را علیه آنها شایعه می‌کنند که آنان اهل آن نبودند».

برای در امان ماندن از پیامدهای شایعه و مقابله با آن دو راهکار از سوی قرآن کریم ترسیم شده است.

نخست آنکه علم و اطمینان را ملاک قرار داد و به ظن و گمان اعتماد نکرد. «لَاتَقْفَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُوْلًا»؛ به چیزی که علم و اطمینان نداری، اعتماد مکن و آن را بر زبان میاور، زیرا گوش و چشم و دل و اندیشه آدمی مسئول خواهند بود».

دوم آنکه در مورد صحت و سقم اخبار از سوی افراد غیر قابل اعتماد تحقیق کرد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَبَيِّنُوْا اَنْ نُّصِيبُوْا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِيْنَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در باره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید».

امروزه با توجه به فضای مجازی و حجم گسترده اخبار و اطلاعات از یکسو و تلاش دشمنان نظام از طریق جنگ نرم و هجمه تبلیغاتی با بهره‌گیری از رسانه‌های وابسته با هدف تخریب باورها و ارزشها از سوی دیگر، شاهد انتشار شایعات

۱. سوره اسراء، آیه ۳۶.

۲. سوره حجرات، آیه ۶.

گسترده‌ای هستیم که اگر افراد جامعه اسلامی به این دو راهکار در برخورد با اخبار و اطلاعات عمل کنند، بسیاری از این تلاش‌ها ناکام خواهد ماند.

۳. پرهیز از وعده‌های غیر عملی

از آنجا که انتخابات با ارایه برنامه و طرح‌ها برای آینده از سوی نامزدهای انتخاباتی همراه است، گاهی وعده‌هایی از سوی نامزدهای انتخاباتی داده می‌شود که یا قصد انجام آن را از آغاز ندارند که مصداق دروغ خواهد بود و یا گرچه قصد عمل به آن را دارند، اما به آن عمل نمی‌شود که مصداق تخلف از وعده و همچون دروغ از گناهان کبیره خواهد بود. یا وعده‌هایی داده می‌شود که در توان فرد نبوده و عملی نیستند که این هم مورد نکوهش قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**لَا تَعِدَنَّ اِخَاكَ وَعَدَا لَيْسَ فِي يَدِكَ وِفَاؤُهُ**؛ هرگز به برادرت وعده‌ای نده که انجام آن به دست تو نیست.»

وعده‌های غیر عملی و خارج از توان افراد اگر با علم و آگاهی از عملی نشدن آن باشد، مصداق فریب و دروغ خواهد بود.

۴. حفظ اخوت اسلامی و پرهیز از اختلاف افکنی

در جامعه اسلامی، مؤمنان بردار یکدیگر بوده و باید

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷۸، ص ۲۵۰، ج ۹۴.

در مسیر تحکیم آن گام بردارند و آسیب‌های آن را اصلاح نمایند. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛ مؤمنان برادر یکدیگرند، بنا بر این میان دو برادر خود صلح برقرار سازید، و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید.»

الفت و پیوند میان افراد جامعه اسلامی نعمت الهی است که باید قدردان آن بود و قدر دانی از این نعمت آن است که از هر گفتار و رفتاری که موجب اختلاف و تفرقه در جامعه اسلامی می‌گردد پرهیز شود. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾؛ و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله رحمت) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید.»

انتخابات و رقابت‌های سیاسی نباید به صحنه اختلاف، تفرقه و ایجاد دو قطبی‌های کاذب در جامعه اسلامی بشود. نتیجه اختلاف و کشمکش در جامعه، از بین رفتن قدرت و سست شدن خواهد بود ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

فَتَفَشَلُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ^۱؛ و اطاعت (فرمان) خدا و پیامبرش نمائید و نزاع (و کشمکش) مکنید تا سست نشوند و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود.»

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الصَّمَائِرِ فَلَا تَوَازُونَ وَلَا تَنَاصِحُونَ وَلَا تَبَادُلُونَ وَلَا تَوَادُّونَ^۲؛ میان شما را جدائی نینداخته مگر ناپاکی باطنها و بدی اندیشه ها، به این جهت بار یکدیگر را بر نمی دارید (در هیچ کاری کمک هم نیستند) و پند و اندرز نمی دهید، و (در نیازمندیها) بیکدیگر بذل و بخشش نمی نمائید، و با هم دوستی نمی کنید.»

توجه به این شاخصه‌ها و رعایت آن موجب خواهد شد که انتخابات به عرصه‌ای برای رقابت سالم و سبقت در خیرات تبدیل شود و همین شاخصه هاست که انتخابات در جامعه دینی را از انتخابات از جوامع غیر دینی جدا می‌کند. از این رو شایسته است چه نامزدهای انتخاباتی و چه طرفداران آنها در انتخابات در طراز جامعه اسلامی رفتار نمایند نه آنکه اخلاق و ارزش‌های دینی در این عرصه به فراموشی سپرده شود.

از نظر امام و رهبری اخلاق انتخاباتی چه شاخصه‌هایی دارد؟

در انتخابات مانند هر رفتار اجتماعی سیاسی، رعایت اصول و خطوط اخلاقی لازم است تا رقابت سیاسی شکل

۱. سوره انفال، آیه ۴۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

گرفته در آن سالم و مفید برای کشور باشد. و از تبدیل شدن انتخابات به صحنه رقابت ناسالم و مخرب جلوگیری شود. از منظر حضرت امام و رهبری مهمترین محورهای اساسی اخلاقی که در انتخابات باید مورد توجه قرار بگیرند، عبارتند از:

رعایت شئون و آداب اسلامی

حضرت امام فرمودند: «سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالیۀ اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد.»^۱

مقام معظم رهبری فرمودند: «رقابت باید باشد؛ رقابت مثبت و پرشور، اما با رعایت موازین اخلاقی.»^۲

«میدان انتخابات میدان مسابقه خدمت و سبقت گرفتن در خیرات است و باید از نفرت پراکنی و اتهام زنی پرهیز شود... ملاحظات اخلاقی جداً رعایت بشود. یعنی واقعاً اگر چنانچه نامزدهای انتخاباتمان هم در مناظراتشان، هم در مصاحبه‌هایی که با آنها می شود، سؤال جواب‌هایی

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱.

۲. بیانات در دیدار مردم شهرستان ابرکوه استان یزد؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.

که با آن‌ها می‌شود، اخلاق اسلامی را رعایت نکنند، این سرریز می‌شود در جامعه، آحاد مردم ملاحظات اخلاقی را یاد می‌گیرند و رعایت می‌کنند. این سرمشقی برای آن‌ها خواهد شد؛ و هنجارشکنی هم نکنند.»^۱

پرهیز از تخریب، تضعیف و هتک حرمت

حضرت امام فرمودند: «از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی، انسانی را در تبلیغ برای کاندیدای خود مراعات؛ و از هرگونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند.»^۲

مقام معظم رهبری فرمودند: «در انتخابات با کرامت رفتار کنند همه؛ چه آنهایی که نامزد می‌شوند، چه آنهایی که طرفدار آنها هستند، چه آنهایی که مخالف با بعضی از نامزدها هستند. جناحهای مختلف کشور، بد اخلاقی و بدگویی و اهانت و تهمت و این حرفها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهایی است که اگر پیش بیاید، دشمن از او خوشحال می‌شود.»^۳

حفظ آرامش و اخوت اسلامی

حضرت امام فرمودند: «در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش

۱. بیانات در نشست تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ ۱۴۰۰/۲/۶.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲.

۳. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی ماه؛ ۱۹/۱۰/۱۳۸۶.

را در تبلیغ کاندیداهایشان رعایت نمایند و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته باشند و از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند که تفرقه و تشتت، دوستان را نگران و دشمنان را کامیاب می‌کند و موجب تبلیغات سوء می‌شود.»^۱

مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند: «سعی کنید این حرکت زیبا و این حرکت عظیم مردمی را - که حقیقتاً يك آزمایش بزرگ مردمی و ملی و اسلامی است - با همان نزاهت و طهارت و پاکیزگی‌ای که مطلوب اسلام است، پیش ببرید. البته متن و عموم مردم عزیز کشور ما همین‌طورند... نگذارید که فضای انتخاباتی، فضای کدورت شود. هر کدام از نامزدها و طرفدارانشان، برای خودشان تبلیغ کنند؛ اما دوستان و هم‌میهنان و برادرانشان را که احیاناً از نامزد دیگری حمایت می‌کنند، زخم خورده و رنج‌دیده و از خودشان مکدر نکنند. به این نکته توجه کنید. این، خیلی مهم است.»^۲

رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی در انتخابات با چه آسیب‌هایی ممکن است مواجه بشود؟

رقابت سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات مانند هر رقابت دیگری با آسیب‌هایی روبرو می‌باشد که در صورت بی‌توجهی به آنها، رقابت‌های سیاسی را از یک رقابت

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۲.

۲. بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران، ۱۳۷۶/۲/۳۱.

سازنده و سالم به رقابتی مخرب و ناسالم تبدیل خواهد نمود که نه تنها به ثبات و توسعه سیاسی کشور هیچ کمکی نخواهد کرد، بلکه عامل بی ثباتی و حتی شکاف در جامعه خواهد شد. یکی از بهترین راههای شناسایی آسیب‌های رقابت‌های سیاسی در انتخابات، منویات و بیانات امامین انقلاب است که باید معیار و شاخصی برای رقابت‌های سیاسی احزاب و جریان‌های سیاسی قرار بگیرد.

مهمترین آسیب‌های فرا روی رقابت سیاسی احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی از منظر حضرت امام و مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱. اختلاف افکنی و تشنج‌آفرینی

یکی از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، اختلاف افکنی و تشنج‌آفرینی در سایه رقابت در جامعه است. هر چند احزاب و گروه‌های سیاسی ممکن است دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی در مورد مسائل کشور داشته باشند، ولی این به معنای اختلاف افکنی و ایجاد تنش و تشنج در جامعه نیست و باید رقابت آنها به دور از هر گونه اختلاف افکنی و تشنج باشد تا فضای مناسب برای انتخاب و گزینش مناسب توسط مردم فراهم گردد.

حضرت امام در این باره فرمودند: «این طور نباشد که گروه‌های مختلف، احزاب مختلف، و اشخاص مختلف،

در يك موقعی که ما همه احتیاج به وحدت کلمه داریم، اختلاف ایجاد کنند؛ تشنج ایجاد کنند... توجه به این معنا داشته باشند که در صدر مشروطیت که احزاب مختلف پیدا شد دنبال آن پیروزی که ملت پیدا کرده بود، این احزاب مختلف به جان هم افتادند و این کشور را تباه کردند. شما گمان نکنید که احزابی که در ممالک دیگری هست، در صدر مشروطیت در انگلستان بود، آن احزاب با همان کاری که آنها می کردند و حزب بازی می کردند ماها را به اختلاف می کشیدند، و خود آنها با هم دشمنی نداشتند. هیچ حزبی بر ضد مصالح کشور خودش عمل نمی کرد. اگر هم با هم اختلاف سلیقه یا اختلاف رَویّه داشتند، عاقلانه بود؛ با حساب بود. این طور نبود که يك دسته دسته دیگر را آن چنان تضعیف کنند که کشورشان آسیب ببیند. مع الأسف همان احزابی که در آنجا بودند به ما نمایش می دادند که کشور باید احزاب داشته باشد و احزاب هم باید مخالف با هم باشند، ما را و احزاب ما را روبروی یکدیگر قرار می دادند و به ضرر هم صحبت می کردند و به ضرر هم قلمفرسایی می کردند؛ و نتیجه این شد که به ضرر کشور بود.»^۱

مقام معظم رهبری فرمودند: «گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با هم کنار بیایند و با هم کار کنند بدینی، تهمت، اهانت به یکدیگر و قهر از یکدیگر نداشته باشند حالا

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۸-۵۰.

می‌گویند که اختلاف مذاق سیاسی داریم... به فرض اگر در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی با هم اختلافی دارند، اگر اختلافشان فقط اختلاف عاطفی نیست، در دایره آن اختلافات با هم رقابت کنند، حرفی نیست اما این رقابتها را به خصومت به دشمنی و به کینه‌ورزی در مقابل هم نکشانند، ببینید که دشمن این‌جا ایستاده است ببینید که دشمن منتظر فرصت است ببینید که روی جنگ جناحها با یکدیگر محاسبه می‌کند.»^۱

۲. تخریب و تضعیف دیگران

از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، تخریب و تضعیف دیگران است. رقابتی که به دنبال آن تخریب و تضعیف دیگران باشد، رقابتی ناسالم خواهد بود.

حضرت امام فرمودند: «ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم با هم در يك محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم. با تفاهم مسائل را حل کنیم؛ نه اینکه جبهه‌گیری کنیم. یکی يك طرف بایستد، با دار و دسته خودش؛ و یکی يك طرف بایستد با دار و دسته خودش؛ و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی. اینها برای این است که تعهد اسلامی نیست، و دید سیاسی

۱. نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸/۵/۸.

هم نیست. شماها اگر مُسلم هستید، به احکام اسلام عمل کنید. و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید، با دید سیاسی مسائل را حل کنید. اگر ملت اشخاصی را دید، گروه‌هایی را دید که بر خلاف مصالح کشور دارند جبهه‌گیری می‌کنند و این طایفه آن طایفه را می‌کوبند و آن طایفه آن طایفه را، تکلیف شرعی ملت این است که از آنها اعراض کنند و آنها را پذیرا نباشند.»^۱

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «من خواهش می‌کنم همیشه، در همه دوران‌ها، انتخابات‌ها را وسیله‌ای قرار بدهید برای قوت ملی، برای افزایش اقتدار ملی؛ نه برای تضعیف نظام و تضعیف آبروی ملت. جنجالهایی که بعضاً از طرف بعضی از احزاب و گروه‌ها و جریانهای سیاسی و جناحهای بد اخلاق در اطراف انتخابات می‌شود، تضعیف کننده کشور و ملت و نظام است. جناحهای مختلف، جریان‌های مختلف، گرایشهای مختلف، با شوق و ذوق و علاقه مندی همه عواملشان را بسیج کنند و انتخابات را به عنوان یک هدف عالی، هدف خوب، هدف شیرین مورد توجه قرار بدهند و به دعوا و جنجال و اهانت و پنجه به روی هم کشیدن قضایا را نکشانند. انتخابات را وسیله‌ای بکنید برای اینکه دشمنان را نا امید بکنید.»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۸-۵۰.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۶/۳۱.

۳. توهین و اتهام به سایر رقیب‌ها

از آسیب‌ها و آفت‌های رقابت‌های سیاسی، توهین و اتهام به دیگران در جریان رقابت‌های انتخاباتی است.

حضرت امام فرمودند: «هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد به دیگران که مخالف نظرشان هستند توهین کنند، یا خدای نخواستہ افشاگری نمایند؛ گرچه همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را دارند، و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری از این حق نماید. و البته لازم است تبلیغات موافق مقررات دولت باشد و احدی شرعاً نمی‌تواند به کسی کورکورانه و بدون تحقیق رأی بدهد.»^۱

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «فضا باید متعادل، منطقی و عقلایی باشد. گفتگوی انتقادی اشکالی ندارد؛ اما گفتگو باهای و هوی فرق دارد. در مردم سالاری اسلامی، گفتگو با عربده‌کشی و چاقوکشی در بعضی از دموکراسی‌ها تفاوت دارد. این جا گفتگو می‌کنند؛ به قول امام، مثل مباحثه‌های طلبگی. در مجلس و جاهای دیگر مباحثه کنند، حتی بر سر مسأله‌ای دعوا کنند؛ اما کینه از هم به دل نگیرند؛ بعد هم پهلوی همدیگر بنشینند و با هم صحبت کنند. نگذارند اختلاف نظر به تنازع برسد. این تنازع موجب فشل و ضعف قوا خواهد شد. دروغ، اهانت، دستگاه‌ها یکدیگر

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۳۷.

را متهم کردن، شایعه پراکنی، افتراء به رقیب، تحریک عصبیتهای گوناگون؛ اینها هیچکدام با انتخابات اسلامی سازگار نیست. این خطاب به همه ی جناحهاست؛ خطاب به اشخاص یا جناح معینی نیست؛ این وظیفه ی همه ی ماست. همه ی جناحها باید این چیزها را رعایت کنند. همه هم در چارچوب قانون حرکت کنند.»^۱

۴. بی‌توجهی به اصول و مبانی اسلامی و انقلابی

از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، نادیده گرفتن و زیر پا گذاشتن اصول و مبانی اسلامی و انقلابی و توجه نکردن به آنهاست.

حضرت امام فرمودند: «اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسأله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است... چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است... ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضعگیریها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.

اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند.»^۱

مقام معظم رهبری فرمودند: «من به خط و گرایش سیاسی شما و رقبایتان و اختلافات شما کاری ندارم، اما تأکید می‌کنم که باید با حفظ اصول و مبانی با یکدیگر رقابت و مباحثه کنید... همه شما معتقد به اسلام، انقلاب و امام هستید ولی در داخل کشور کسانی هستند که همچون آمریکا با این اصول دشمنی می‌ورزند و مهم این است که در برابر این مخالفتها و دشمنی‌ها، به طور شفاف و روشن موضعگیری شود اما موضع برخی دوستان و مجموعه‌های سیاسی در این زمینه‌ها به قدری نامحسوس است که اگر کسی به این مواضع، اعتقاد یافت، احساس می‌کند می‌تواند حتی به ضد انقلاب نیز نوعی دلبستگی داشته باشد به همین لحاظ همه شخصیت‌ها، گروه‌ها و جناح‌های وفادار به اسلام و انقلاب باید مواضع محکم خود را در برابر کسانی که در داخل و خارج زیر پوشش اصلاحات، انقلاب، راه‌امام، ولایت فقیه و قانون اساسی را مورد تعرض قرار می‌دهند، اعلام کنند...»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹-۱۷۸.

۲. بیانات در دیدار سران جبهه دوم خرداد، ۱۳۷۹/۲/۷.

۵. نادیده گرفتن دشمن و فقدان مرز بندی مشخص با آن

حضرت امام فرمودند: «هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب آمریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند...»^۱

مقام معظم رهبری نیز در این باره فرمودند: «انتخابات مال ملت ایران است، مال جمهوری اسلامی است، مال اسلام است؛ مرز هاشان را با دشمن مشخص و متمایز کنند. من بارها به بعضی از افراد سیاسی که فعالیت‌هایی دارند و گاهی یک مخالف خوانی‌هایی می‌کنند، تذکر داده‌ام، نصیحت کرده‌ام؛ گفته‌ام مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کمرنگ نشود؛ پاک نشود. مرز وقتی کمرنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود. مرزها را روشن کنید؛ مشخص کنید.»^۲

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹-۱۷۸.

۲. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی،

۶. ترجیح منافع حزبی و جناحی بر منافع کشور:

از آسیب‌های مهم رقابت‌های سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی، مقدم داشتن منافع حزبی و گروهی بر منافع عمومی کشور و مردم است.

حضرت امام در این خصوص فرمودند: «اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید»^۱

مقام معظم رهبری فرمودند: «از ورود در مناقشات جناحی و حزبی که عده‌ای می‌خواهند در کشور ما این‌ها را روز به روز بیشتر کنند، پرهیز کنید و راز موفقیت شما این است. دست‌هایی در کار است تا سر مسائل هیچ و پوچ عده‌ای را

۱۳۸۶/۱۰/۱۹

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸۰-۱۷۹.

به جان هم بیاندازند و سر موضع گیری‌های گوناگون حزبی و جناحی و گروهی و گاهی گروهکی افراد را نسبت به یک‌دیگر مسأله دار کنند، درست نقطه مقابل «انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم»^۱ قرآن می‌فرماید که مؤمنین به خدا، مؤمنین به دین، مؤمنین به راه انبیاء با هم برادرند دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند اما تکلیف ما چیست؟ فاصلحوا بین اخویکم بین دو برادر را باید اصلاح کرد درست نقطه مقابل این عده می‌خواهند با جناح بندی و اظهارات حزبی و ایجاد ولایت حزبی به تنور اختلاف افکنی و آتش افروزی بدمند»^۲

۷. تقابل، دشمنی و نفی دیگران به جای رقابت:

از دیگر آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، تبدیل شدن رقابت به تقابل، تعارض و دشمنی است روشن است که در چنین فضایی نمی‌توان انتظار رشد و بالندگی کشور را داشت، رقابت هیچگاه به معنای دشمنی، کینه توزی و نفی دیگران نیست، ماهیت رقابت سالم، تکیه و تأکید بر توانایی‌ها و داشته‌های خود است نه تقابل. دشمنی و نفی دیگران.

حضرت امام این گونه نگرانی خود را نسبت به رقابت احزاب و گروه‌های سیاسی بیان فرمودند: «هیچ گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

۲. بیانات دردیدار بادانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلاب که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق بزن گردد.»^۱

همچنین فرمودند: «البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دورای هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در يك ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در يك مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.»^۲

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «انتخابات باید سالم باشد، رقابتی باشد. رقابت غیر از خصومت است، رقابت غیر از تهمت زنی متقابل است؛ این‌ها را باید همه مواظب باشیم. رقابت این نیست که کسی اثبات خود را متوقف بر نفی دیگری بداند. رقابت این نیست که کسانی بیایند برای جلب نظر مردم، وعده‌های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی بدهند؛ این‌ها نباید باشد. کسانی که وارد عرصه‌ی انتخابات می‌شوند، چه از طرف مجریان و مسئولان، چه از

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸-۲۸۶.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۷.

طرف کسانی که نامزد می‌شوند، بایستی به آداب و شروط یک حرکت عمومی سالم پایبند باشند، متعهد باشند؛ این لازم است.»^۱

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۹۰.

نظارت در انتخابات

آیا نظارت بر انتخابات مخالف حق بزرگ مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن که در زمره حقوق ملت در قانون اساسی از آن یاد شده است نمی‌باشد؟

۱. اگر نظارت در اصل نود و نهم قانون اساسی مخالف حق بزرگ مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن است، پس باید نظارت در سایر اصول قانون اساسی نیز مخالف حق مردم باشد، در حالی که نظارت، نه تنها مخالف حق مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن نیست، بلکه اساساً در راستای تأمین حقوق مردم است. مردم با اراده‌ی خویش به جمهوری اسلامی و قانون اساسی رأی دادند تا جمهوریت نظام و اسلامیت آن خدشه نبیند. به عبارت دیگر، مردم خواهان انتخاب شدن و انتخاب کردن در چارچوب موازین اسلامی و قوانین مندرج در قانون اساسی هستند و نبود نظارت مغایر تأمین حقوق مردم خواهد بود.

۲. همانگونه که «انتخاب شدن و انتخاب کردن» به عنوان

يك حق در قانون اساسی مندرج است، «نظارت» نیز بارها در قانون اساسی مطرح شده است و به همین دلیل همانگونه که اصل انتخاب شدن و انتخاب کردن باید مورد توجه قرار گیرد اصل دیگر همین قانون تحت عنوان «نظارت» نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. اگر بنا باشد به بهانه ی حق «انتخاب شدن و انتخاب کردن»، صلاحیت داوطلبان مورد بررسی قرار نگیرد، ذکر اوصاف و شرایط خاص برای نامزدها لغو و بیهوده خواهد بود. در هر حال، اصل وجود قانون در جامعه، محدودیت هایی را به همراه دارد. کسانی که فاقد شرایط لازم باشند از انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم می شوند.

۴. در تمامی کشورهای جهان و نزد تمامی عقلای عالم، برای تصدی مسؤولیت های مهم يك سری شرایط ویژه در نظر گرفته می شود؛ تا هم وظایف محوله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی کفایتی و نالایق بودن مسؤول برگزیده پایمال نگردد. از این رو، امروزه در دموکراتیک ترین نظام های دنیا نیز شرایط ویژه ای برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان (در فرآیندهای انتخاباتی) در نظر گرفته می شود و قانون، مرجعی رسمی را برای اعمال نظارت و احراز شرایط داوطلبان انتخابات تعیین می کند. این مرجع رسی عهده دار بررسی وضعیت و روند انجام انتخابات و وجود یا عدم وجود شرایط لازم در

داوطلبان . که در نتیجه به تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان می انجامد. می باشد.^۱

آیا بهتر نیست گزینش را مستقیماً به خود مردم واگذار کنیم و با کنار گذاشتن مراجع رسمی احراز صلاحیت، افراد خود به تحقیق بپردازند و نامزد مورد علاقه خود را با آزادی بیشتری انتخاب کنند؟

پاسخ:

۱. تحقیق و جستجوی خود افراد در میان تعداد زیادی داوطلب و احراز شرایط در آنها، نیازمند صرف وقت و نیروی فراوان است که با وجود گرفتاری ها و مشغله های افراد ناممکن و یا حداقل بسیار مشکل است. به عنوان نمونه برای احراز این که داوطلبان سوء سابقه ی کیفی ندارند نیاز به مراجعه ی فراوان و وجود دستگاه پاسخگوی بسیار فعال است که عملی شدن احراز همین يك شرط با توجه به تعداد مراجعین ماه ها طول می کشد و اگر قرار باشد این شرط و برخی شروط دیگر توسط نهاد ثبت نام کننده از داوطلبان احراز و اعلام شود تا مردم به دارندگان آن شرایط رأی دهند و خود متحمل زحمت نشوند، در این صورت این همان نظارت استصوابی يك نهاد رسمی خواهد بود، که شبهه کنندگان در صدد گریز از آن بودند.

۱ . مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش ها و پاسخ ها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۷۶.

۲. تجربه به خوبی نشان داده است آنها که از پول، امکانات و روش های تبلیغی بیشتر و بهتری برخوردارند، عملاً در چنین وضعیتی موفق ترند و توانسته اند با تبلیغات جدّاب، کار را از مسیر آن خارج و خود یا داوطلبان مورد نظر خود را - اگر چه بدون وجود صلاحیت لازم برای تصدّی امور در ایشان - راهی مجالس و مناصب تصمیم گیری و اجرایی کنند.

۳. باید آزادی انتخاب مردم را با حفظ حقوق آنها همراه کرد. یعنی مردم هر جا که بدانند حقوقشان راحت تر تأمین شده است، آزادی بیشتری دارند و هر وقت که دچار تردید و ابهام و نگرانی بیشتری باشند، از آزادی کمتری برخوردار خواهند بود. پر واضح است که گزینش در میان مجموعه ی ده نفری که انسان به صلاحیت تمامی آنها و در نتیجه تضمین حقوق خود با انتخاب هر يك از آنها اطمینان دارند، بسیار راحت تر و بهتر از گزینش در میان مجموعه ی هزار نفری است که شناخت و تضمینی برای افراد وجود ندارد.

بنابراین، وجود این فیلتر (نظارت استصوابی) در حقیقت کمک کار و یاور مردم در انتخاب بهتر، آزادانه تر و به دور از تردیدها و دلهره هاست!^۱

چرا نظارت در کشور ما همچون نظارت در کشورهای دیگر نیست آیا ما باید نوع نظارت در کشورمان را با نظارت در کشورهای دیگر هماهنگ کنیم و آیا چنین چیزی امکان پذیر است؟

هر نظامی بسته به نوع نگرش و ایدئولوژی خود و همین طور قانون اساسی آن نظام به تعریف شرایط می پردازد. در کشور ما که نظامی است اسلامی و احکام نورانی آن حکم فرماست مطابق اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین مصوب کشور. اعم از قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه. باید بر اساس شرع مقدس اسلام باشد و برای تشخیص این امر (عدم مغایرت قوانین موضوعه با شرع) نهادی در قانون اساسی پیش بینی شده که علاوه بر عهده دار بودن این امر مهم وظیفه نظارت بر امر انتخابات و همه پرسی ها را نیز بر عهده دارد.^۱

نظامی را در دنیا نمی شناسیم که دارای چنین فیلتر نظارتی نباشد. حتی نظامهای غربی که داعیه دار دموکراسی در جهان هستند، نیز از این نهاد سود می برند. مثلاً در آلمان که سیستم حکومتی آن فدرال است. مطابق قانون اساسی، دادگاهی به نام «دادگاه قانون اساسی» برای خود پیش بینی نموده است.

البته ما بر این اعتقادیم که بهترین سیستم نظارتی در

۱. همان، ج ۳، ص ۸۵.

کشور ما اجرا می‌شود چرا که نهادی که در کشور ما عهده‌دار امر نظارت است جزء هیچ يك از قوای سه گانه نبوده، بلکه يك نهاد مستقل است که بدون تأثیرپذیری از رقابتهای بین قوای کشور، وظایفی که در قانون برای او تحت عنوان نظارت تعیین گردیده انجام می‌دهد.

حال که فهمیدیم که اصل نظارت چیزی نیست که مختص به نظام ما باشد جا دارد بدانیم که این نهاد بر چه چیزی و بر چه اساس و معیاری امر نظارت را انجام می‌دهد.

مردم ایران در سال ۱۳۵۸ با شرکت در رفراندوم همانگونه که به جمهوریت این نظام رأی مثبت دادند، اسلامیت آن را نیز پذیرا شدند. در واقع جمهوریتی را پذیرا شدند که در قالب اسلامیت پیاده گردد. و در همه پرسى قانون اساسی به قانونی رأی دادند که در اصل چهارم آن آمده که همه قوانین و مقررات نظام باید بر وفق اسلام باشد و در اصل پنجم آن تأکید گردیده که جمهوری اسلامی بر اساس و محور ولایت امر و امامت امت و در اصل ۹۹ آن آمده که شورای نگهبان نظارت بر انتخابات را برعهده دارد. بنابراین قانون اساسی، قانون واحدی است که رأی دادن به آن به معنی تن دادن و پذیرفتن تمام اصول آن است و نباید به گونه‌ای سخن گفت و عمل نمود که مشمول آیه «نؤمن ببعض و نکفر ببعض»^۱ باشیم.^۲

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۰.

۲. نیکزاد، عباس، نظارت استصوابی، قم: معارف، ۱۳۹۴، ص ۲۶۰.

همان گونه که قانون اساسی ما بر محور اسلام و احکام اسلامی است، نظارتی که در این قانون پیش بینی شده نیز ملاک و معیار آن ارزشهای اسلامی و احکام نورانی اسلام خواهد بود که در هیچ نظام مردمسالاری یافت نمی‌شود.

اگر چه نظارت در همه نظامهای مردمسالاری امری پذیرفته شده است اما باید گفت: هر نظام سیاسی دارای اصول و مبانی خاصی است که عبارت است از مبانی اعتقادی و فرهنگی مشترك آن جامعه که در قانون اساسی آن کشور تبلور یافته است. از این رو نظامهای سیاسی برای حفظ این اصول و مبانی مشترك از هیچ نظارت مؤثری دریغ نمی‌ورزند چرا که عدم نظارت و محافظت بر این اصول موجب خدشه دار شدن وحدت ملی جامعه خواهد شد. در واقع هر نظامی طبق همان ایدئولوژی که داراست، دارای خطوط قرمزی است که تعدی به آنها از هیچ کسی پذیرفتنی نیست.^۱

در قانون اساسی آمده است «جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به... وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین... که از راه... اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین. علیهم السلام... قسط و عدل و استقلال... و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»^۲ هم چنین آمده است: «دین رسمی ایران، اسلام

۱. همان، ص ۵۴.

۲. اصل دوم قانون اساسی.

و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد
غیرقابل تغییر است.»^۱

نتیجۀ این اصول، حاکمیت و اعمال فقه شیعه بر
کلیه امور و شئون و مناسبات جامعه و همچنین نهادها
و اعمال زمامداری است، به ویژه آن که «کلیه قوانین و
مقررات... باید بر اساس موازین اسلامی باشد...»^۲، این
رسمیت و حاکمیت فقه شیعه، علما و فقهای شیعه را به
نظارت می‌طلبد تا احکام و موازین اسلامی به نحو شایسته
در تمامی جامعه اعمال شود و افرادی برای عهده‌دار شدن
مسئولیت انتخاب شوند که با اسلام و اصول مترقی آن
همخوانی داشته و آن را با جان و دل پذیرا باشند.^۳

پس همانگونه که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش
به حکومت حق و عدل و قرآن با رأی به قانون اساسی
خواستار جاری شدن احکام نورانی اسلام شد. که البته این
نوع قانون منحصر به نظام مقدس ما است، چرا که نظام ما
صرفاً نظامی مردمسالار نیست، بلکه نظامی است که مردم
سالاری و جمهوری آن در قالب دین مبین اسلام پیاده و
اجرا می‌شود چرا که خود قانون اساسی به تکرار اذعان دارد
که نظام جمهوری اسلامی بر احکام و دستورات دین مقدس

۱. اصل دوازدهم قانون اساسی.

۲. اصل چهارم قانون اساسی.

۳. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص
۲۲۳.

اسلام مبتنی است. و پس نظارت بر اجرا و پیاده شدن اصول این قانون اعم از انتخابات، همه‌پرسی و قانونگذاری نیز باید به شیوه‌ای متناسب با این نظام و این قانون اساسی باشد.

حق انتخاب آزاد مردم، بنیادی ترین اصل دموکراسی است نه اینکه حکومت (نظارت استصوابی) قیّم گونه به مردم بگوید به چه کسانی می‌توانند رأی بدهند؟ حق انتخاب آزاد یعنی اینکه مردم می‌توانند یک قاتل را هم انتخاب کنند.؟

پاسخ:

هرگونه قضاوت و داوری در مورد آزادی انتخابات در ایران، در گرو مشخص شدن منظور از انتخابات آزاد و شاخصه‌های آن است تا بر اساس آن بتوانیم انتخابات کشورمان را بسنجیم. در مورد آزاد بودن انتخابات، چند تلقی و برداشت مختلف ممکن است تصور شود که به ارزیابی آن‌ها و تبیین معنای صحیح انتخابات آزاد می‌پردازیم.

الف. منظور از انتخابات آزاد، انتخاباتی است که در آن همه افراد بدون در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های خاصی بتوانند به عنوان نامزد انتخابات مطرح شوند.

اشکال عمده این برداشت این است که در این صورت هیچ انتخاباتی را نمی‌توان پیدا کرد که آزاد باشد، زیرا در تمام کشورها و نزد تمامی عقلای عالم برای تصدی مسئولیت‌های مهم، شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود، تا هم وظایف

محواله به فرد مورد نظر به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی کفایتی مسئول برگزیده پایمال نگردد. از این رو امروزه در دموکراتیک ترین نظام های دنیا نیز، در فرآیند انتخاباتی، شرایط ویژه ای برای انتخاب شوندگان در نظر گرفته می شود و عقل و منطق حکم می کند که باید میان افرادی که نامزد انتخابات می شود و مسئولیتی که قرار است بر عهده بگیرند، تناسب وجود داشته باشد و نمی توان بدون در نظر گرفتن شرایط و صلاحیت های عمومی افراد، به همه افراد اجازه داد تا نامزد انتخابات شوند.

بر این اساس، آزادی در انتخابات نمی تواند به معنای آزادی بدون قید و شرط و در نظر گرفتن شرایط، هر چند شرایط عمومی، برای نامزدهای انتخاباتی باشد و این برداشت از انتخابات آزاد، صحیح و منطقی به نظر نمی رسد.

اینکه انتخابات آزاد یعنی مردم بتوانند یک فرد قاتل راهم انتخاب کنند، از نظر عقل و منطق قابل قبول نیست و هیچ فرد عاقلی از انتخاب آزاد چنین برداشتی را نخواهد داشت. قرار نیست هر کسی با هر شرایطی از راه رسید بدون در نظر گرفتن صلاحیت و توانمندی بتواند خود را به عنوان نامزد انتخابات مطرح نماید هر چند یک کم دین^۱ باشد که هیچ سر رشته ای از سیاست و مدیریت و امور اجرایی نداشته باشد تا

۱. مانند انتخاب زلنسکی در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین.

یک انتخابات آزاد شکل بگیرد. آزادی مردم در انتخاب در جای خود درست است، اما اصل تعیین صلاحیت و شایستگی برای اداره مسئولیت نیز از حقوق مردم است که بدون در نظر گرفتن آن، حقوق آنان تضییع خواهد شد.

ب. فقدان نهاد نظارتی بر انتخابات؛ در این نگاه، انتخاباتی آزاد است که نهاد نظارتی برای تشخیص صلاحیت داوطلبان انتخاباتی و نظارت بر روند انتخابات وجود نداشته باشد و انتخابات ایران چون با نظارت شورای نگهبان صورت می‌گیرد و صلاحیت‌های افراد توسط این شورا تعیین می‌گردد. نمی‌تواند انتخابات آزاد باشد.

مشکل این برداشت این است که از آنجا که وجود یک سلسله ویژگی‌ها، شرایط و توانایی‌ها در افراد برای عهده دار شدن مسئولیت‌ها لازم و ضروری است، مرجعی نیز باید وجود داشته باشد که وجود این شرایط را در افراد احراز نماید. بر این اساس، در همه کشورها نهاد خاصی مسئولیت نظارت بر انتخابات و احراز شرایط داوطلبان انتخابات را بر عهده دارد. این نهاد رسمی عهده دار بررسی وضعیت و روند اجرای انتخابات و وجود یا عدم شرایط لازم در داوطلبان می‌باشد که در نتیجه به تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان می‌انجامد. بنابراین، نظارت امری شایع، عقلایی و قانونی در تمامی کشورها و نظام‌های موجود دنیا می‌باشد به عنوان مثال یکی از شرایط معتبر در کلیه نظام‌های حقوقی جهان این است که کاندیدای مورد نظر

سابقه کیفری نداشته باشد و افراد دارای سوء سابقه کیفری از پاره‌ای از حقوق اجتماعی، از جمله انتخاب شدن برای مجالس تصمیم‌گیری، هیأت‌های منصفه، شوراها و غیره محروم اند.^۱ آیا وجود مرجعی برای احراز این شرط و شرایطی از این قبیل مخالف آزادی انتخاب است؟

از این رونمی‌توان، فقدان نهاد نظارتی را به عنوان شاخصه و معیار انتخابات آزاد برشمرد زیرا در این صورت نیز نمی‌توان هیچ انتخاباتی را انتخابات آزاد دانست و به هر حال در همه کشورها مرجعی رسمی مسئولیت برگزاری انتخابات و احراز شرایط داوطلبان و نظارت بر روند انتخابات را بر عهده خواهد داشت. البته روشن است که شرایط و راهکارهای در نظر گرفته شده در نظام‌های سیاسی مختلف به حسب نوع نگرش، مبانی نظری و ایدئولوژی حاکم بر آنها متفاوت باشد، اما در اصل نظارت و وجود مرجعی در این زمینه با یکدیگر تفاوتی ندارند.

ج. آزادی همه افراد حتی مخالفان با اصل آن نظام سیاسی در انتخابات است. بر این اساس، انتخاباتی، انتخابات آزاد محسوب می‌گردد که همه افراد بدون در نظر گرفتن اعتقاد به مبانی و اصول نظام سیاسی و قانون اساسی آن کشور بتوانند نامزد مسئولیت شوند و برای انتخاب شدن تلاش نمایند.

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، پیشین، ج ۳، ص ۷۶.

اشکال چنین برداشتی این است که نتیجه چنین نگاهی نقض غرض از انتخابات و سست شدن پایه‌های نظام سیاسی و اختلال در روند حرکت کشور خواهد بود، چه اینکه معنای شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات، پذیرش چارچوب‌های حاکم بر آن نظام سیاسی و قواعد پذیرفته شده در آن نظام سیاسی است. کسی که در یک کشور برای عهده دار شدن یک مسئولیت داوطلب می‌شود در صورتی که قانون اساسی و چارچوب‌های پذیرفته شده آن کشور را قبول نداشته باشد. چگونه می‌تواند در آن مسئولیت به وظایف خود عمل نماید؟ اگر معنای انتخابات آزاد این برداشت است در هیچ کشوری چنین انتخاباتی وجود ندارد و هیچ نظام سیاسی اجازه نمی‌دهد کسانی که اصل آن نظام سیاسی و قانون اساسی کشور را قبول نداشته باشند نامزد چنین مسئولیت‌هایی شوند. در همه نظام‌های سیاسی رئیس جمهور و نمایندگان مجلس و... پس از انتخاب، سوگند یاد می‌کنند که از کلیت آن نظام و اصول آن و قانون اساسی نگهبانی و حراست نمایند آیا از کسی که اعتقادی به مبانی یک نظام سیاسی ندارد، می‌توان انتظار داشت که به چنین سوگندی پایبند باشد؟.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «در هیچ جای دنیا به کسانی که به قانون اساسی و اصول آن کشور معتقد نیستند، اجازه نمی‌دهند در بخش حاکمیت وارد شوند.

در کجای دنیا چنین اجازه‌ای داده می‌شود؟ آیا در آمریکا و انگلیس و جاهای دیگر به کسی که با اصول و ارزش‌های آمریکایی مخالف است، اجازه می‌دهند در رأس حکومت بیاید؟ شما می‌بینید در مبارزات انتخاباتی شان اختلاف بین دو حزب و دو جناح برسر چیزهای بسیار جزئی تر از این حرف‌هاست... مگر در دنیای دموکراسی اجازه می‌دهند که کسانی که با اصول و مبانی یک نظام مخالفند بیایند داخل حاکمیت آن نظام شوند؟ هیچ جای دنیا چنین اجازه‌ای نمی‌دهند. البته معلوم است که ما هم اجازه نمی‌دهیم کسانی که قانون اساسی را قبول ندارند، اینها بیایند در رأس نظام جمهوری اسلامی قرار بگیرند.»^۱

د. آزادی حضور احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف معتقد به مبانی و چارچوب‌های پذیرفته شده یک نظام سیاسی با سلايق و برنامه‌های گوناگون در عرصه انتخابات و رقابت سیاسی در پرتو نهاد نظارتی مشخص شده در قانون

با روشن شدن نادرستی و غیر منطقی بودن برداشت‌های سه‌گانه یاد شده از انتخابات آزاد، می‌توان این برداشت را به عنوان برداشتی صحیح و منطقی از انتخابات آزاد برشمرد، زیرا در این نگاه، فضا و میدان برای حضور، فعالیت و رقابت احزاب و جریان‌های سیاسی با سلايق و افکار مختلف اما باورمند به

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان کرمان؛

۱۳۸۴/۲/۱۹.

اصول و مبانی حاکم بر نظام سیاسی، فراهم می‌شود و از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای پیشرفت کشور استفاده می‌گردد

در کشور ما آزادی انتخابات به این معنا وجود دارد و همه احزاب و جریان‌های سیاسی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و مبانی آن و قانون اساسی هستند، می‌توانند نامزد معرفی نموده و در عرصه انتخابات فعالیت نمایند و احراز صلاحیتی که توسط شورای نگهبان در مورد افراد صورت می‌گیرد، چیزی جز احراز پایبندی به اصول و مبانی نظام و قانون اساسی در افراد نیست. هر چند دشمنان و بدخواهان نظام جمهوری اسلامی چنین وا نمود می‌کنند که وجود نظارت شورای نگهبان، آزادی انتخابات را زیر سؤال می‌برد و برخی از افراد و گروه‌های سیاسی در داخل نیز سخنان آنان را تکرار می‌کنند، اما احراز دارا بودن شرایط عمومی داوطلبان و پایبندی به اصول نظام و قانون اساسی از مواردی است که در نظام‌های سیاسی این کشورها نیز این میزان از نظارت و احراز صلاحیت مورد قبول بوده و انجام می‌شود.

ایشان به دنبال طرح «انتخابات آزاد» توسط رسانه‌های بیگانه و تکرار آن توسط برخی از افراد در داخل کشور، فرمودند: «هی‌نگویند انتخابات باید آزاد باشد. خب، معلوم است که انتخابات باید آزاد باشد. ما از اول انقلاب تا حالا سی و چند تا انتخابات داشته‌ایم؛ کدامش آزاد نبوده است؟ در کدام کشور دیگر، انتخابات از آنچه که در ایران می‌گذرد، آزادتر

است؟ کجا صلاحیتها ملاحظه نمی‌شود، که اینجا روی این مسائل هی تکیه بکنند، هی تکیه بکنند، هی بگویند، هی تکرار کنند و یواش یواش این ذهنیت را به خیال خودشان در مردم به وجود بیاورند که خب، این انتخابات فایده‌ای ندارد؟ این یکی از خواسته‌های دشمن است. آن کسانی که در داخل، این حرفها را می‌زنند، ممکن است غفلت کنند. من می‌گویم غفلت نکنید، حواستان باشد، کار شما جدول مورد نظر دشمن را پر نکند؛ مقصود او را تکمیل و متمیم نکند.»^۱

۲. نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

الف. وجود نهاد نظارتی در انتخابات اختصاص به کشور ما نداشته و نهادهای مشابه با کارکرد شورای نگهبان در سایر کشورها وجود دارند.

در اکثر کشورهای دنیا به منظور اعمال نظارت بر انتخابات، مراجعی قانونی وجود دارند. «شورای نگهبان» در جمهوری اسلامی ایران، «دادگاه قانون اساسی» در ترکیه، «محکمه النقد» در مصر، «شورای قانون اساسی» و «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس نمایندگان» و «سنا» در آمریکا، «مجلس عوام» در انگلستان و «دادگاه قانون اساسی» در روسیه، این نقش نظارتی را ایفا می‌نمایند. بنابراین مشابه شورای نگهبان قانون اساسی ایران، در کشورهای دیگر هم نهادهایی تحت

۱. بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۹/۱۰/۱۳۹۱.

عنوان شورا یا دادگاه وجود دارند که وظیفه‌ی آن‌ها نظارت بر صحت انتخابات است. تنها تفاوتی که وجود دارد آن است که در دیگر کشورها این نظارت در نهایت به دادگاه قانون اساسی، دادگاه عالی عدالت، شورای قانون اساسی، دیوان عالی کشور یا نهاد مشابه دیگری که واپسین تصمیم را گرفته و در برابر این تصمیم به شخص یا نهادی پاسخگو نیست، ختم می‌شود.

به عبارت دیگر وجود نهاد نظارتی در دیگر کشورها مورد تردید نیست، تنها ماهیت این نهادها متفاوت است که آن هم به ساختار سیاسی حقوقی کشورها بستگی دارد. در واقع آن چه که موجب ایجاد شبهه مبنی بر عدم وجود نهاد نظارتی بر انتخابات می‌شود، صرفاً نشأت گرفته از عدم آگاهی از حقوق اساسی و نظام انتخاباتی دیگر کشورها است و گرنه نظام انتخاباتی در غرب دارای یک صافی ظریف است که جریان انتخابات را کنترل می‌نماید.

به عنوان نمونه در فرانسه برای آن که نامزدی فرد جهت تصدی مقام نمایندگی مردم رسمیت بیابد، لازم است حدود ۵۰۰ نفر از نمایندگان -اعم از نمایندگان مجلس یا شوراها و...- او را تأیید کرده باشند و به عبارتی پای طومار صلاحیت وی را امضا نمایند. طبق قانون، این ۵۰۰ نفر باید لااقل از ۳۰ استان مختلف کشور باشند و از هر استان بیش از ۵۰ امضا نمی‌شود، جمع نمود. بنابراین فقط

افرادی می‌توانند به عنوان نامزد خود را مطرح سازند که صلاحیت خود را قبلاً در سطح کشوری به نمایش گذارده باشند. فرانسوی‌ها معتقدند این تأیید صلاحیت از ظهور به قول آنان «پارشوتیست‌ها» یعنی افرادی که به یک‌باره در میدان سیاست ظاهر شده و رأی مردم را با خود همراه می‌سازند، ممانعت به عمل می‌آورد.^۱

ب. نظارت نهادهای سایر کشورها نیز همچون نظارت شورای نگهبان، نظارت استصوابی است.

سیستم نظارت بر انتخابات در دیگر کشورها، دائر مدار نظارت استصوابی است؛ نظارتی که می‌تواند علی‌رغم رأی قاطع مردم به نمایندگان، بنا به ملاحظه‌هایی با عدم صدور اعتبارنامه به نماینده منتخب و یا ابطال نمایندگی وی و حتی ابطال انتخابات به تصمیم‌گیری در انتخابات مبادرت ورزد:

اصل ۵۹ قانون اساسی ۱۹۵۸م. فرانسه بدین شرح است:

“Le Conseil Constitutionnel statue, en Cas de Contestation, Sur La r'egularite' de Le'lection des de'pute's et des Se'nateurs”

مطابق این اصل، شورای قانون اساسی در صورت درگیری

۱. ایوبی، حجت‌الله، سه راهکار برای شایسته‌سالاری در انتخابات، پیشین، ص ۳۴.

بر سر مطابقت انتخاب نمایندگان و سناتورها با قانون، تصمیم‌گیری می‌کند.

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا نیز در بند ۵ اصل خود می‌گوید: «هر یک از مجلسین داور انتخابات، نتایج آن و خصوصیات اعضای مربوط به خود می‌باشند،

”Each house Shall be the Judge of the electin, returns, and qualifications of Its own members,...”

با دقت نظر در عبارات اصل ۵۹ قانون اساسی فرانسه، به خصوص کلمه «statue» که به معنای «امر کردن، فرمان دادن، رأی دادن، با قدرت و تسلط انجام دادن و فرمودن» می‌باشد. چنین استنباط می‌شود که شورای قانون اساسی در تطبیق انتخابات با قانون، نظارتی فراتر از نظارت یک ناظر اطلاعی دارد. در این جا امر در مقام یک امر فرمان می‌دهد و تصمیم‌گیری می‌نماید. در بند ۵ اصل اول قانون اساسی آمریکا، کلمه «Judge» به کار رفته و این لغت در اصطلاح حقوقی به معنای «قضاوت و داوری کردن» است. از منظر حقوقی یکی از خصایص و ویژگی‌های تصمیم‌هایی که توسط قاضی یا داور اتخاذ می‌شود، الزام‌آور بودن و آمریت داشتن آن‌هاست.

از این رو مجلسین ایالات متحده (نمایندگان و سنا) داور انتخابات، نتایج آن، خصوصیات اعضا و صلاحیت نمایندگان

هستند و از این حیث دارای نظارتی استصوابی می‌باشند.

مضمون اصل ۹۹ قانون اساسی کشور ما نیز شبیه اصل ۵۹ قانون اساسی فرانسه می‌باشد و تنها مرجع نظارت، متفاوت است. بنابراین از لحاظ تطبیقی در تفسیر اصل ۹۹ می‌توان به قانون اساسی فرانسه رجوع نمود و منظور از ماهیت استصوابی این نظارت را بهتر فهمید. هم‌چنین طبق اصل ۶۴ قانون اساسی نروژ، به نمایندگان منتخب، اعتبارنامه اعطا خواهد شد که توسط مجلس مورد بررسی و تصویب قرار خواهد گرفت. عبارت «تصویب» به طور صریح بر نظارت استصوابی دلالت دارد

از ویژگی‌های نظارت بر انتخابات در دیگر کشورها همانند نظارت شورای نگهبان، فراگیر بودن نظارت است. یعنی این نظارت شامل تمامی مراحل جریان انتخابات می‌باشد. با استناد به اصل ۵۸ قانون اساسی فرانسه، «شورای قانون اساسی نظارت بر صحت انتخابات، رسیدگی به اعتراض‌ها و اعلام نتایج انتخابات را بر عهده دارد. بنابراین، این نظارت در برگیرنده‌ی تمام مراحل انتخابات از ابتدا تا انتها است.»^۱

۳. در نظارت شورای نگهبان و احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی، اصل صلاحیت و نداشتن سوء سابقه با استعلام

۱ . نعمتی، لیلا، مقایسه کارکرد شورای نگهبان با نهادهای نظارتی مشابه در دیگر کشورها؛

۳۲۳۲/؛ تاریخ انتشار: ۲۲ تیر ۱۳۹۲/ www.shora-gc.ir/fa/news/1392؛

از مراجع چهارگانه (وزارت اطلاعات، قوه قضاییه، نیروی انتظامی و ثبت احوال) و سوابق افراد مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. در حقیقت آنچه توسط این شورا اعلام می‌شود حداقل و کف صلاحیت افراد است و این مردم هستند که از میان افراد صلاحیت دار باید بهترین و شایسته ترین فرد را برگزینند. همانگونه که در مراجعه به پزشک یا کارشناس در هر حوزه ای، از میان افرادی که دارای این ویژگی و شاخصه هستند، به دنبال بهترین فرد می‌گردیم. انتخاب عقلانی و منطقی باید از میان افراد صلاحیت دار و گزینش اصلح باشد نه انتخاب از میان افراد صلاحیت دار و توانمند و غیر صلاحیت دار و برای تشخیص و احراز صلاحیت افراد نیاز به وجود مرجع و نهادی است که در کشور ما بر اساس قانون اساسی این وظیفه بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است.

۴. نظارت شورای نگهبان بر انتخابات بر اساس اصل نود و نهم قانون اساسی است و قانون اساسی منتخب و مورد رأی مردم است و مردم با رأی خود به قانون اساسی، پذیرفته‌اند که شورای نگهبان بر انتخابات نظارت داشته باشد. از این جهت وجود شورای نگهبان از این منظر نه تنها نادیده گرفتن حق مردم و انتخاب آزاد نیست، بلکه در راستای تأمین حقوق آنان است. البته طبیعی است که افراد و جریان‌های سیاسی زاویه دار با نظام که حاضر به پذیرش ساختار و چارچوب نظام

سیاسی نیستند، شورای نگهبان را مانع و سد راه خود دیده و از وجود آن ناخشنود باشند و به تخریب و تضعیف آن در پوشش حقوق مردم بپردازند، در حالی که کمترین توجه را به حقوق مردم نداشته و برای قانون اساسی مورد تأیید مردم احترام قائل نیستند و حاضر به احترام به چارچوب‌های نظام سیاسی کشور نیستند.

نبود نظارت استصوابی چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟

عدم وجود نظارت استصوابی عواقب و پیامدهای متعددی را به دنبال دارد که در ذیل به اهم آنها اشاره می‌گردد:

۱. فقدان مرجع قانونی برای کنترل اعمال مجریان انتخابات: برای برطرف کردن اشتباهات یا سوء استفاده‌های احتمالی نهاد اجرایی، کنترل اعمال مجریان و همچنین پاسخگویی به شکایات و اعتراضات داوطلبان از مجریان انتخاباتی، قانون اساسی نهاد ناظری به عنوان مرجع رسمی ناظر بر انتخابات و تشخیص صلاحیت نامزدها و عملکرد جریان انتخاباتی تعیین کرده است. این نهاد ناظر شورای نگهبان است و در قانون نهاد یا شخص دیگری به عنوان ناظر یا نهادی که شورای نگهبان به آن گزارش بدهد به آن معرفی نشده است، پس تنها ناظر رسمی و قانونی همین شورای نگهبان است و نظارت عقلایی بر رأی‌گیری و تشخیص صلاحیت داوطلبان، اقتضای تأیید، ردّ و ابطال عملی و مؤثر را

دارند و این ویژگی تنها در قالب نظارت استصوابی قابل تحقق است و در صورت حذف چنین نظارتی، راه برای اشتباهات یا سوء استفاده‌های مجریان انتخابات باز می‌شود و این گونه اعمال افزایش می‌یابد.

۲. وارد شدن افراد فاقد صلاحیت به مراکز تصمیم‌گیری: بدیهی است که هیچ جناح و گروه سیاسی در درون نظام، وجود ندارد که قائل به نظارت نباشند و سابقه عملکرد برخی از مخالفان کنونی نظارت استصوابی نشان می‌دهد که خود به هنگام تصدی امور، چنین نظارتی را اعمال و شدیداً از آن دفاع می‌کردند. اما برخی از همین افراد هم اکنون به دلیل انگیزه‌های سیاسی و جناحی بدون در نظر گرفتن منافع دینی و ملی، جهت تأمین منافع گروهی و احیاناً شخصی خود به دنبال قرار دادن افراد فاقد صلاحیت و صرفاً به دلیل هم‌گروه بودن با آنها، در جایگاه‌های مهم تصمیم‌گیری و مناصب سیاسی هستند و به همین علت از در مخالفت با نظارت استصوابی در می‌آید و به دنبال حذف یا از خاصیت انداختن آن هستند و از این رهگذر اهداف حزبی و اغراض سیاسی خود را برآورده می‌سازند که در بسیاری از مواقع با منافع ملی و مصلحت عمومی در تعارض می‌باشند. بنابراین حذف نظارت استصوابی ورود چنین افرادی را در مراکز سرنوشت‌ساز نظام تسهیل می‌کند.

۳. سست کردن و منزوی ساختن اسلامیت نظام: هر

نظامی بسته به نوع نگرش و ایدئولوژی خود و همین طور بر اساس قانون اساسی، به تعریف شرایط می‌پردازد. در کشور ما که نظام اسلامی حاکم است و مطابق اصل چهارم قانون اساسی^۱ کلیه قوانین مصوب کشور باید بر اساس موازین شرع مقدس اسلام باشد. حذف نظارت استصوابی موجب کمرنگ شدن جنبه اسلامیت نظام می‌گردد، زیرا وجود چنین نظارتی احتمال حذف شرایطی که در اثر داشتن ویژگی اسلامی نظام برای داوطلبان انتخاباتی در نظر گرفته شده است، را به دنبال دارد. و به همین علت است که مخالفین با حاکمیت اسلام و احکام حیات بخش آن بر کشور در پی آنند که با طرح شعار حمایت از جمهوریت نظام به سست کردن اسلامیت آن بپردازد و در همین راستا به مخالفت با نظارت استصوابی می‌پردازد.

۴. عدم امکان احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی از طرف مردم به طور مستقیم: بدیهی است که مردم در انتخابهای مختلف باید از بین نامزدهای متعدد، آنهایی را که صلاحیت بیشتری دارند، برای سپردن مسئولیت به آنها برگزینند و در صورت فقدان نهادی با اختیار نظارت استصوابی که صلاحیت کاندیدها را مشخص و برای مردم اعلام نماید، خود مردم باید

۱. اصل چهارم قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی ویژه اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است.»

به این امر اقدام نمایند و این عمل ناممکن می‌باشد زیرا که تحقیق و جستجو خود افراد در میان تعداد زیادی داوطلب و احراز شرایط در آنها، نیازمند صرف وقت و نیروی فراوان است که با وجود گرفتاری‌ها و مشغله‌های افراد غیرممکن و یا حداقل بسیار مشکل است. به عنوان نمونه برای احراز اینکه داوطلبان سوء سابقه کیفری ندارند، نیاز به مراجعه فراوان و وجود دستگاه پاسخگوی بسیار فعال است که عملی شدن احراز همین یک شرط با توجه به تعداد مراجعین ماهها طول می‌کشد. علاوه بر این تجربه به خوبی نشان داده است که صاحبان پول، امکانات و تبلیغات، عملاً در چنین وضعیت موفق‌ترند و می‌توانند با عوام‌فریبی، و تبلیغات جذاب کار را از مسیر صحیح خارج و خود یا داوطلبان موردنظر خود را بدون داشتن صلاحیت‌های لازم راهی مجالس یا مناصب تصمیم‌گیری و اجرایی کند.

۵. از بین رفتن آزادی انتخاب مردم: مسلم است که آزادی انتخاب مردم زمانی میسر می‌گردد که حقوق آنها تأمین گردد، به عبارتی مردم هر جا که بدانند حقوقشان راحت‌تر تأمین شده است، آزادی بیشتری دارند و هر وقت که دچار تردید و ابهام‌نگرانی بیشتری باشند از آزادی کمتری برخوردار خواهند بود و بدیهی است که گزینش در میان مجموعه‌ده نفری که انسان به صلاحیت تمامی آنها و در نتیجه تضمین حقوق خود با انتخاب هر یک از آنها اطمینان دارد، بسیار راحت‌تر و

بهتر از گزینش در میان مجموعه‌ای چند ده نفری است که شناخت و تضمینی برای افراد وجود ندارد. بنابراین وجود نظارت استصوابی در حقیقت مشاور و یاور مردم در انتخاب بهتر، آزادانه‌تر و بدور از تردیدها و نگرانی‌ها است.

آیا نظارت استصوابی مانع توسعه سیاسی و مشارکت آحاد مردم نیست؟

گاه در شرح و تفسیر اشکال فوق گفته می‌شود: اولاً، مردم به دلیل این که واهمه و نگرانی رد صلاحیت را دارند از کاندیدا شدن پرهیز می‌کنند. ثانیاً، به دلیل این که نظارت استصوابی مانع تنوع و تکثر در بین کاندیداها است، بخشی از جامعه از آن جا که کاندیدای مورد نظر خود را در بین کاندیداها نمی‌بیند، انگیزه‌ای برای حضور در انتخابات ندارد.

در پاسخ می‌توان گفت: اولاً، اگر قرار است به بهانه‌ی توسعه سیاسی و مشارکت مردمی بررسی صلاحیت‌ها انجام نگیرد، وضع قانون در مورد شرایط انتخابات شوندگان و ذکر اوصاف و شرایط خاص برای نامزدها بی‌معنا و لغو خواهد بود به گونه‌ای که نفس همین قانون مانعی برای توسعه‌ی سیاسی به شمار خواهد آمد.

البته همگان این واقعیت را قبول دارند که اصل وجود قانون در جامعه، محدودیت‌هایی را به همراه دارد و هر جا محدودیتی در کار است، با منافع و مطامع عده‌ای سازگاری ندارد و قهراً مانعی برای مشارکت همان عده خواهد بود، اما

با این حال نمی توان تحت نام زیبای توسعه ی سیاسی و مشارکت مردمی از اصل قانون صرف نظر کرد.

ثانیاً: اگر اصل بررسی صلاحیت ها مانع توسعه ی سیاسی است چه فرق می کند این کار توسط شورای نگهبان صورت بگیرد یا وزارت کشور؟ در هر دو صورت این لوازم را به همراه خواهد داشت.

ثالثاً: اگر تعیین صلاحیت ها و رد برخی از کاندیداها مانع توسعه ی سیاسی است، تا کجا باید به آن ملتزم بود؟ آیا به همین انگیزه می توان از ورود هر کس با هر سابقه و روحیه ای به صفحه ی انتخابات استقبال کرد؟ خلاصه حد و مرز این تساهل و تسامح تا کجا است؟ هر مرزی را در نظر بگیرید، با مبنای چنین کسانی که مدعی توسعه ی سیاسی به نحو مطلق و بی ضابطه هستند، سازگاری ندارد.

رابعاً: مفهوم توسعه ی سیاسی چیست؟ آیا بالا بردن تعداد آراء شرکت کننده با هر شگرد و با هر نوع تبلیغات، توسعه ی سیاسی به حساب می آید؟ آیا توسعه ی سیاسی تنها به کمیت نظر دارد و به کیفیت نظری ندارد؟ آیا توسعه واقعی فرهنگی و سیاسی این نیست که مردم به حدی از رشد فکری و عقلانی برسند که مشارکت خود در انتخابات و در صحنه های اجتماعی. سیاسی را منوط به امور غیر عقلانی نکنند؟!

خامساً: آیا سرباز زدن از بررسی و تعیین صلاحیت ها و رد برخی از کاندیداهای فاقد شرایط و یا حتی نالایق، خود مانع بزرگی در راه توسعه سیاسی و مشارکت مردمی نیست؟ آیا با این نوع تساهل و تسامح بی ضابطه و غیرقانونی، راه را برای ورود افراد نااهل و نالایق و ناشایسته که زمینه ساز استبداد و کنار نهادن مردم و ناامید کردن مردم از ورود افراد صالح و دل زدگی آنان می باشد، فراهم نکرده ایم؟!

خلاصه این که نادیده گرفتن نظارت استصوابی و تعیین صلاحیت ها به بهانه ی توسعه سیاسی، ضد توسعه ی سیاسی است، علاوه بر این که دعوت به نوعی بی قانونی و آنارشسیسم است!

نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی تناسبی با دموکراسی ندارد؛ چون آزادی و حق ایجاد تشکل وجود ندارد. شورای نگهبان نهادی انتصابی است که طبق قانون اساسی اجازه برگزاری يك انتخابات آزاد را از مردم گرفته است؟

درباره حکومت دموکراسی (مردم سالاری) و مبانی آن و سازگاری آن با نظارت استصوابی که در جمهوری اسلامی به آن عمل می شود، ناگزیریم در ضمن بررسی و توجه به مبانی حکومت مردم سالاری به رابطه این دو در چند محور بپردازیم:

نخست؛ این که فارغ از مبانی حکومت های لیبرال

۱. نیکزاد، عباس، نظارت استصوابی، پیشین، ص ۴۰-۴۲.

دموکراسی، در جهان امروز دموکراسی و مردم سالاری به عنوان يك مدل و شیوه نظام حکومتی مطرح می‌باشد، لذا بیش از ده گونه برای حکومت مردم سالاری بر شمرده‌اند.^۱ و این تعدد دموکراسی تا حدود زیادی از این ناشی می‌شود که دموکراسی اصولاً شیوه و نظام حکومتی است در حالی که لیبرالیسم در حکومت‌های لیبرال دموکراسی یک نظام فکری است^۲ و از این روی مردم سالاری در نظام جمهوری اسلامی با همه اشتراکاتی که می‌تواند با دیگر شیوه‌های دموکراسی داشته باشد ولی از نظر مبانی با حکومت لیبرال دموکراسی متفاوت می‌باشد. لذا مردم سالاری که در نظام جمهوری اسلامی است بر مبنای اسلام و موازین آن و متکی به آراء مردم است، به عبارتی عمود این خیمه مردم هستند و مردم سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم سالاری دینی نیست، بلکه يك حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است چرا که اگر نظامی بخواهد به مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی‌شود ضمن آن که تحقق حکومت مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست.^۳ بدین ترتیب جمهوری اسلامی طبق رهنمود حضرت امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ «اما جمهوری است برای این که به آرای اکثریت مردم متکی

۱. لاریجانی، محمد جواد، تدین، حکومت و توسعه، تهران: موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۷، ص ۲۶۶.

۲. بشیریه، حسین، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران: نشرنی، ۱۳۷۸، ص ۲۲.

۳. مقام معظم رهبری، در دیدار با اعضای شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت، ۷۹/۱۰/۱۳.

است و اما اسلام (آن) برای این که قانون اساسی اش عبارت است از قانون اسلام^۱ و «این حکومت، جمهوری اسلامی متکی به آرای عمومی است»^۲ که این مهم در اصل ششم قانون اساسی^۳ و همینطور اصل پنجاه و ششم^۴ تبلور یافته، طبق این اصل ملت حق حاکمیت بر سرنوشت خویش را از طرقي که اصول بعد بیان داشته اعمال می کند لذا طبق اصل چهارم^۵ قانون اساسی این حق خداداد باید محدود به قوانین اسلام و موازین اسلامی باشد، بنابر این همان طوری که «نظریات دموکراتیک معاصر (لیبرال دموکراسی) صرف مفهوم حاکمیت مردم و اصل حکومت اکثریت را برای پیدایش دموکراسی کافی نمی دانند و برای تکمیل آن بر اصل محدودیت و مشروطیت قانونی حکومت تأکید می کنند»^۶. این حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در ایران اسلامی هم مطلق نمی باشد.

با توجه به تفاوت های که در شیوه های دموکراسی موجود

۱. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۵۵.

۳. اصل ششم، ق.ا.ا: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود...».

۴. اصل پنجاه و ششم ق.ا.ا: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است... و ملت این حق خداداد را از طرقي که در اصول بعدی می آید اعمال می کند.».

۵. اصل چهارم ق.ا.ا: «کلیه قوانین و مقررات... باید بر اساس موازین اسلامی باشد این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است.».

۶. بشیریه، حسین، لیبرالیسم و محافظه کاری، پیشین، ص ۲۷.

است، می‌توان اصول و عناصر حکومت مردم سالاری که مبتنی بر دین و قوانین الهی است را مورد شناسایی قرار داد:

۱. اصل قانون‌گرایی؛ باید حاکمان و مردم هر دو بر اساس قانون عمل نمایند. لذا هر اقدام حاکمان و شهروندان باید توجیه قانونی داشته باشد.

۲. اصل مشروعیت قانون؛ منبع اساسی قانون اسلام است و هیچ قانونی نمی‌تواند با این در تضاد باشد.

۳. اصل وجود و استقلال سه قوه.

۴. اصل محاسبه‌پذیری؛ حاکمان (اجرا و تقنین) باید همواره در مقابل مسئولیت‌های خود حساب پس بدهند.

۵. اصل امنیت فردی؛ حرمت افراد از لحاظ اجتماعی (شامل آبرو، امنیت شغلی و حقوق مدنی) همگی باید توسط دولت و افراد در انتها درجه لحاظ گردد.

۶. اصل مساوات؛ همه در برخورداری از امتیازات مساوی هستند، مساوات در مقابل قانون به معنای این است که قانون بدون ترجیح اعمال شود.

۷. اصل انتخاب حکمرانان و رأی‌گیری؛ حکمرانان از طریق پروسه رأی‌گیری به مسئولیت می‌رسند و یا از مسئولیت عزل می‌شوند و رأی‌گیری روندی عملیاتی است که باید هر چه بیشتر با به کار گماردن صالح‌ترین افراد برای دو مسئولیت

مهم اجرا و تقنین و با تمهید بیشتری برای زمینه مشارکت فرد شهروندان در یک پروسه انتخاباتی انجام گیرد.

۸. اصل تضمین آزادی‌های اساسی؛ غرض نیل به کمال حقیقی است و در اسلام این امر حاصل نمی‌شود مگر به علم و عمل صالح و برای تحقق هر دو عنصر آزادی لازم است.

۹. عنصره‌دایت؛ این عنصر در پروسه انتخابات برای حکمرانی صالح‌ترین افراد و اعمال نظارت بر کار آنان می‌باشد.^۱ با مطالعه و بررسی مؤلفه‌هایی که در محور دوم ذکر گردید در خصوص رابطه و تناسب نظارت استصوابی با دموکراسی و حاکمیت مردم، موارد و نکاتی را می‌توان یادآور شد:

نکته اول؛ نظارت استصوابی با مردم سالاری و حاکمیت مردم ناسازگار نبوده و به لحاظ اصل اول و دوم این نوع نظارت در راستای وظایف قانونی شورای نگهبان که همان حفظ اسلامیت نظام است و در اصل چهارم قانون اساسی به آن تصریح شده است می‌باشد، شورای نگهبان بر اساس اصل ۹۹ و ۹۸ قانون اساسی^۲ و تصریح ماده ۳ قانون انتخابات مجلس (مصوبه ۱۳۷۴/۵/۶) این نظارت را اعمال می‌نماید.

۱. لاریجانی، محمد جواد، تدین، حکومت و توسعه، پیشین، ص ۲۷۵-۲۷۷.

۲. اصل نود و نهم، ق ۱۱: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را به عهده دارد» و این نظارت با تفسیر شورای نگهبان نظارت استصوابی می‌باشد. اصل نود و هشتم ق ۱۱: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.»

نکته دوم؛ با در نظر گرفتن اصل استقلال قوا و محاسبه‌پذیری و اهتمام به نظارت بر کار مسئولین که در اصول مردم سالاری به آن توجه گردید باید بر این نکته تأکید نمود که در نظام تفکیک قوا، قوه مجریه با در اختیار داشتن بیشترین امکانات قسمت اعظم زمامداری و کارگزاری را اعمال می‌کند و به همین جهت امکان بروز خطرات از جانب این قوه علیه حقوق و آزادی‌های مردم و نقض قانون اساسی بیشتر است^۱ و عدم پاسخگویی به مردم با مردم سالاری دینی سازگار نیست.^۲ از این رو با نظارت استصوابی، یک جانبه‌گرایی مجریان برگزاری انتخابات مهار گردیده و در نتیجه نظارت قوه مقننه هم بر مجریان و مسئولین امر در قوه مجریه، به گونه‌ای جدی‌تر انجام می‌گیرد و در این راستا قوه مجریه پاسخگوی نمایندگان ملت خواهند بود و قوه مقننه با استقلالی که ضمانت آن نظارت استصوابی است به وظایف نظارتی چون پرسشگری، استیضاح و پاسداری از قانون و حقوق حقه مردم و آنچه که به آن سوگند یاد کرده‌اند، اهتمام بیشتری خواهند ورزید.

نکته سوم: بررسی اصل دیگر از اصول مردم سالاری، همان اصل تضمین آزادی‌های اساسی است که از آرمان‌های انقلاب و در شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی تبلور

۱ . مرندی، محمد رضا، پاسخ به شبهات درباره نظارت استصوابی، کیهان، مورخ ۸۱/۱۷۹.

۲ . مقام معظم رهبری، همان، ص ۱۸.

یافته می‌باشد. در این باره یادآوری این مهم به جاست که آزادی در نظام جمهوری اسلامی همان طوری که در قانون اساسی در اصل دوم (بند ششم) و اصل سوم (بند هفتم) آمده است، «آزادی توأم با مسئولیت» و «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» به طور مصرح بیان گردید که بر پایه اسلام و موازین آن و برای رسیدن به سعادت و کمال انسانی بوده و بنابر اصل نهم قانون اساسی (هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند) و لذا بایسته است که شورای نگهبان با نظارت استصوابی که بر انتخابات اعمال می‌نماید، در حین محفوظ ماندن آزادی‌های مشروع، صلاحیت افراد را برای وکالت و نمایندگی مردم احراز نموده و قانون شکنان و غیر ملتزمین به اسلام و دیانت و کسانی را که آزادی مردم و استقلال کشور را به مخاطره می‌اندازد را از فهرست نامزدها خارج کند و این خدشه‌ای به آزادی انتخاب و دیگر آزادی‌های اساسی به وجود نمی‌آورد، چرا که اصولاً انتخاب و گزینش افراد در خصوص افراد ذی‌صلاح می‌باشد و کسانی که ذی‌صلاح نمی‌باشند به طور عرفی و معمول در معرض انتخاب و گزینش قرار نمی‌گیرند و ابتدائاً خارج هستند و انتخاب عقلانی، بین افراد ذی‌صلاح می‌باشد.

نکته آخر مربوط به اصل انتخاب حکمرانان و رأی‌گیری است و ما آن را از اصول مردم‌سالاری یاد کردیم و تردیدی

نیست در مردم سالاری دینی، حاکمان که موضوع روند رأی گیری هستند، باید صلاحیت داشته باشند و این صلاحیت بر پایه و اصول اسلام تعریف می شود. بنابراین صرف شهروندی و سن و عدم سوء پیشینه قضایی کافی نیست زیرا نمایندگان مجلس و حاکمان در قوه مجریه در دو مسند مهم باید بنشینند و هر مسند شرایط لازم خود را دارد^۱ و بدین سبب لزوم و ضرورت نظارت شورای نگهبان را اجتناب ناپذیر نموده و این امر تنافی با مردم سالاری دینی نداشته و با دموکراسی به عنوان شیوه حکومتی همان طوری که بیان گردید همخوانی و سازگاری روشنی خواهد داشت.

نظارت استصوابی با اصل جمهوریت نظام منافات دارد؟

مطابق قانون اساسی که در همه پرسى مردم به آن رأی مثبت داده اند، وظیفه نظارت در انتخابات^۲ و تفسیر قانون اساسی^۳ بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است. با این وجود چگونه می توان نظارت استصوابی را که هم از اصل قانون اساسی استفاده می شود و هم تفسیر شورای نگهبان است را با اصل جمهوریت منافات دانست.

در اصل قانون اساسی در اصل نود و نهم نظارت شورای

۱. لاریجانی، محمد جواد، تدین، حکومت و توسعه، پیشین، ص ۲۷۵-۲۷۷.

۲. اصل نود و نهم: شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسى را بر عهده دارد.

۳. اصل نود و هشتم: تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می شود.

نگهبان بر انتخابات به صورت عام و بدون قید آمده است و در تفسیر شورای نگهبان نیز در پاسخ به استفساریه رییس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات^۱ چنین آمده است: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداهای شود»^۲.

همچنین در ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۴، به نظارت عام و فراگیر شورای نگهبان تصریح شده است: «نظارت بر انتخابات مجلس به عهده شورای نگهبان است و این نظارت، عام و در تمام مراحل و در همه امور مربوط به انتخابات جاری است»^۳.

اگر نظارت استصوابی شورای نگهبان به معنای بررسی صلاحیت ها، با جمهوریت نظام منافات دارد، لازم می آید اگر این کار به وسیله وزارت کشور هم انجام شد، منافای جمهوری باشد. چه فرقی می کند که این کار به عهده ی شورای نگهبان باشد یا به عهده ی وزارت کشور که قاعداً

۱. «نظر به این که امر انتخابات از امور مهم کشور است و امت اسلامی بارشد انقلابی در تمام دوره های اخذ رأی به نحو چشمگیری در انتخابات شرکت نموده اند و من بعد نیز باید به نحوی عمل شود که حضور آزادانه مردم هم چنان محفوظ بماند و این امر مستلزم نظارت شورای نگهبان است تا در تمام جهات بی طرفی کامل معمول گردد، در این خصوص در کیفیت اجرا و نظارت گاهی شائبه ی تداخل مطرح می گردد. بنابراین استدعا دارد، نظر تفسیری آن شورای محترم را در مورد مدلول اصل ۹۹ اعلام فرمایید» (نشریه روزنامه رسمی کشور، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰، ص ۵۲)

۲. همان.

۳. مجموعه قوانین انتخابات مجلس شورای اسلامی، ص ۱۴.

هرگونه بررسی صلاحیت‌ها حتی از ناحیه‌ی وزارت کشور نیز باید ناصواب و نامقبول باشد.

هم‌چنین لازم می‌آید سایر نظارت‌های موجود در قانون اساسی، در تضاد با جمهوریت نظام باشد، مانند: نظارت قوه‌ی مقننه، نظارت قوه‌ی قضاییه، نظارت رییس جمهور و... حال آن‌که این‌گونه نظارت‌ها نه تنها در تعارض با جمهوریت نظام نیست، بلکه در راستای جمهوریت نظام و خواست مردم در انتخاب افراد اصلح و شایسته است.



انتخابات ریاست جمهوری

جایگاه و اهمیت ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی و اهمیّت انتخابات آن نسبت به سایر انتخابات‌های دیگر چیست؟

اهمیت ریاست جمهوری را می‌توان در این موارد برشمرد.

۱. رئیس‌جمهور بازوی اجرایی رهبری و نماینده اجرایی مردم

بر اساس اصول و اعتقادات دینی، حکومت جامعه اسلامی در زمان غیبت به عهده فقیهی است که به صورت عام از سوی امام معصوم علیه السلام به عنوان حاکم جامعه اسلامی منصوب شده است. اما همین امر منافاتی ندارد با این که فقیه نیز در جهت پیشبرد جامعه، با توجه به احکام و قوانین دینی مشاوران، معاونان و بازوان اجرایی نیز داشته باشد. بر همین اساس در قانون اساسی قوای سه‌گانه پیش‌بینی شده است که یکی از این قوا قوه مجریه بوده و از آن جا که رئیس آن مستقیماً توسط مردم انتخاب شده و بسیاری از

امور اجرایی در حیطة قانون اساسی به او سپرده می‌شود، مهمترین بازوی اجرایی رهبری محسوب می‌شود.

۲. نماینده کشور در مجامع رسمی:

رئیس جمهور به عنوان نماینده ملت در مجامع رسمی محسوب شده و از طرف آنان سخن می‌گوید. علاوه بر این دیپلماسی کشور زیر نظر رئیس جمهور است. لذا در صورتی که فرد صالح و شایسته‌ای انتخاب شود، نقش اساسی در حفظ عزت و آبروی بین المللی که از اصول مسلم سیاسی يك جامعه دینی است، خواهد داشت و این همان چیزی است که وظیفه انتخاب کنندگان را نیز بسیار خطیر می‌سازد.

۳. رئیس جمهور حافظ ارزشها و منافع ملی

بر اساس قانون اساسی رئیس جمهور نقش اساسی در حفظ ارزشهای دینی جامعه نیز دارد و بر همین اساس یکی از مفاد مهم سوگند رئیس جمهور تعهد به حفظ مبانی دینی و ارزشی جامعه می‌باشد. قسمتی از متن این سوگند چنین است؛ «من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم.»^۱

۱. همان، اصل ۱۲۱.

اهمیت انتخابات ریاست جمهوری:

۱. نماد اقتدار و مردم سالاری دینی:

اگر چه تعیین حاکم در جامعه اسلامی از آن خدا بوده و به همین علت در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام ولی فقیه اداره امور جامعه را به عهده می‌گیرد، اما در عین حال باید توجه داشت که تا زمانی که يك حکومت از پشتیبانی مردمی برخوردار نباشد، نخواهد توانست به موفقیت قابل توجهی دست داشته باشد. لذا انتخاب رئیس جمهور نقطه عطف مهمی است که اعضای جامعه در آن به میدان آمده. ایفای نقش می‌کنند و در عین حال مردم سالاری دینی تحقق می‌یابد. نکته قابل توجه آنکه در چنین فرایندی و به واسطه این پشتوانه مردمی. امنیت و اقتدار ملی و بین المللی حکومت اسلامی تقویت می‌شود.

۲. انتخابات نماد همبستگی و مشارکت:

اگر چه هر انتخاباتی در نظام اسلامی به نوعی همبستگی را در میان مردم افزایش می‌دهد، اما در عین انتخابات ریاست جمهوری از آن جهت که در آن يك فرد از سوی تمام اعضای کشور انتخاب می‌شود نقش مهمی در ایجاد همبستگی و افزایش مشارکت دارد چراکه يك فرد به عنوان نماینده همه اقوام و مناطقی است که در محدوده کشور ایران هستند و این خود عاملی است که آنها احساس کنند که به يك ملت،

منطقه و دین تعلق دارند و بر همین اساس بر اشتراکات تأکید کرده و نقاط اختلاف را نادیده گیرند که حداقل نتیجه آن این است که دیگر نیروها و هزینه‌های جامعه صرف مسائل جانبی نگردد.

همچنین باید توجه داشت که نفس شرکت در انتخابات، «روح نشاط و احساس مسؤولیت را همیشه در جامعه زنده نگه می‌دارد و روحیه خودباوری را در میان مردم تقویت می‌کند.»^۱ چراکه در چنین فرایندی مردم احساس می‌کنند که در سرنوشت جامعه خود دخالت دارند. به ویژه اگر توجه داشته باشیم که هر فرد توانایی‌های محدودی دارد و در جابجایی‌هایی که صورت می‌گیرد، هم افراد تازه نفس به میدان می‌آیند و هم مردم با دیدن گروه کاری جدید به پیشرفت‌ها و آرمانها امیدوارتر می‌شوند.

آیا ولایت فقیه در کنار دولت باعث تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تراحم نیست؟

در نظام جمهوری اسلامی ایران، از آن‌جا که منشأ مشروعیت نظام، الهی و دینی است، اصل ولایت فقیه که برگرفته از روایات و اصول و قواعد حقوقی اسلام است، بر مجموعه قوای سه‌گانه‌ی کشور از جمله قوه مجریه و مسئولان آن اشراف و نظارت دارد تا حافظ اسلامی بودن نظام باشد. سایر قوای موجود در نظام سیاسی اسلام نیز به عنوان

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مشهد، ۱۳۸۴/۷/۱.

بازوان رهبری و زمینه ساز و مجری مقررات اسلام هستند.
در دنیای امروز، امور مربوط به حاکمیت و حکومت تقسیم شده و هر وظیفه ای را به شخص خاصی می سپارند
اختیارات رئیس جمهور در عرض اختیارات رهبری نیست؛ بلکه در طول آن است و لذا هیچ گونه تزامنی پیش نمی آید و این نه خلاف حاکمیت ملی است و نه موجب حاکمیت دوگانه می شود چون مردم در چارچوب نظام ولایی می دانند به رئیس جمهوری رأی می دهند که زیر نظر و تحت ولایت ولی فقیه، قدرت اجرایی پیدا می کند، نه این که قدرت اجرایی بین آن ها تقسیم شده و در عرض هم باشند.

طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، رئیس جمهور زیر نظر ولی فقیه، مسئول قوه مجریه است و به منظور تخصصی کردن امور و اینکه امکان و لزومی برای به عهده گرفتن همه کارها توسط رهبری مباحثاً نیست؛ امور حکومت به سه قوه تفویض شده است. چنانکه قوه مجریه به تناسب اوضاع و شرایط و کارها به وزارتخانه های متعدد تقسیم و توزیع شده است، در سطح کلان نیز بخش اعظمی از امور کشورداری از سوی رهبری به سه قوه تفویض شده است.

از منظر قانونی نیز بر اساس اصل یک صد و دهم قانون اساسی وظایف و اختیارات رهبری عبارتند از: تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از

مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، فرمان همه‌پرسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل و قبول استعفای (فقه‌های شورای نگهبان، عالی‌ترین مقام قوه قضائیه، رئیس سازمان صداوسیما، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی) حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم و عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه»، از جمله وظایف و اختیارات ولی فقیه است.

همین‌طور که ملاحظه می‌شود وظایف و اختیارات مقام معظم رهبری عمدتاً در ارتباط با مسائل کلی و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور بوده و مسئولیت رهبری، مسئولیت مدیریتی و راهبردی است نه مسئولیت اجرایی.

اختیارات و وظایف رئیس‌جمهور به حسب قانون اساسی عبارتند از: مسئولیت اجرای قانون اساسی، ریاست

قوه مجریه^۱ امضای مصوبات مجلس و نتیجه همه‌پرسی^۲، امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی^۳ مسئولیت امور برنامه و امور اداری و استخدامی کشور^۴ تعیین سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و امضای استوارنامه سفیران و پذیرش استوارنامه سفیران کشورهای دیگر^۵ اعطای نشان‌های دولتی^۶، ریاست هیئت وزیران و وضع آیین‌نامه‌های اداری^۷، نظارت بر صداوسیما از طریق نمایندگان خود^۸ و نیز ریاست شورای عالی امنیت ملی^۹ از آن موارد است.

این وظایف و اختیارات بیانگر مسئولیت اجرایی رئیس‌جمهور در کشور است و حوزه و گستره مسئولیت‌ها در کشور کاملاً مشخص بوده و با یکدیگر تداخل و اصطکاک ندارد. تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در قالب سندهای کلان و بالادستی

۱. اصل یکصد و سیزدهم.

۲. اصل یکصد و بیست و سوم.

۳. اصل یکصد و بیست و پنجم.

۴. اصل یکصد و بیست و ششم.

۵. اصل یکصد و بیست و هشتم.

۶. اصل یکصد و بیست و نهم.

۷. اصل یکصد و سی و چهارم و یکصد و سی و هشتم.

۸. اصل یکصد و هفتاد و پنجم.

۹. اصل یکصد و هفتاد و ششم.

که راهبرد و اهداف حرکت کلی کشور را در حوزه‌های مختلف مشخص می‌کند و نظارت بر حسن اجرای آن بر عهده رهبری است و اجرای آن بر عهده رئیس‌جمهور است. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «رهبری یک مدیریت است؛ البته مدیریتِ اجرایی نیست... مدیریتِ اجرایی، مشخص است. مدیریتِ اجرایی در بخش قوه مجریه ضوابط مشخصی دارد، معلوم است، مسئولین معینی دارد؛ در قوه قضائیه هم - که آن هم مدیریتِ اجرایی است - همین‌طور، هر کدام مسئولیت‌هایی دارند؛ قوه مقننه هم که معلوم است. رهبری، ناظر بر این‌هاست. به چه معنا؟ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند. در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. همین‌طور که اشاره کردم، گاهی اوقات فشارها، مضیقه‌ها و ضرورت‌ها، مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از انعطاف‌های غیر لازم یا غیر جایز وادار می‌کند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است... مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند... در همه این‌ها رهبری نه می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. خیلی از تصمیم‌های اقتصادی ممکن است گرفته شود، رهبری قبول هم نداشته باشد، اما دخالت نمی‌کند؛ مسئولینی دارد، مسئولینش باید عمل کنند. بله، آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت

پیدا می‌کند. دستگاه‌های گوناگون - قوه قضائیه، قوه مجریه، قوه مقننه - مثل همه دنیا، کارهای موظف قانونی خودشان را دارند انجام می‌دهند، با اختیارات کاملی که در قانون اساسی معین شده؛ اما حرکت کلان و کلی نظام اسلامی به سمت آن آرمان‌ها باید منحرف نشود.^۱

اینکه با وجود این گستره اختیارات و مسئولیت‌های قانونی و در اختیار داشتن اکثر مراکز مدیریتی و امکانات حکومتی و اختیارات مدیریتی و اجرایی، باز معتقد باشیم که رئیس‌جمهور دارای اختیارات لازم نبوده و چندان نقشی ندارد، اگر نگوییم غرض‌ورزی است، ناشی از نادیده گرفتن واقعیات است. همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «جایگاه ریاست‌جمهوری، مهم‌ترین و مؤثرترین مدیریت کشور است و طرح برخی مسائل همچون اینکه رئیس‌جمهور اختیاراتی ندارد یا تدارک‌تچی است، خلاف واقع و از روی بی‌مسئولیتی یا بی‌اطلاعی یا غرض‌ورزی است. ریاست‌جمهوری پُرمشغله‌ترین و پُرمسئولیت‌ترین مدیریت کشور است تقریباً همه مراکز مدیریتی و اکثر امکانات حکومتی در اختیار رئیس‌جمهور است و مدیریت‌ها در بخش‌هایی مثل قضایی و نظامی در قبال ریاست‌جمهوری، ناچیز است».^۲

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاهیان استان کرمانشاه؛ ۱۳۹۰/۷/۲۴.

۲. سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری؛ ۱۴۰۰/۱/۱.

با توجه به آن چه ذکر گردید، ولی فقیه و دولت در نظام اسلامی، هر کدام در جایگاه خود، تعریف خاص خود را دارند و هر دو، مورد نیاز و تکمیل کننده یکدیگر هستند.

رئیس جمهور از نظر قانون اساسی چه شرایطی را باید دارا باشد؟

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.^۱

هر چند که قانون اساسی در این اصل ویژگی‌های شخص لایق برای انتخابات را به طور کلی بیان نموده است اما همین عناوین با دقت و ملاحظات زیادی گزینش شده‌اند.

رجل مذهبی: منظور از شخصیت مذهبی چیزی فراتر از نمازخوان بودن و امثال آن است و کسی است که دارای تفکر مذهبی باشد.

رجل سیاسی: منظور کسی است که توان اداره کشور و انجام مسئولیت مدیریت اجرایی کشور را در گستره آن دارا باشد، این ویژگی ایجاب می‌کند که تجربه مدیریتی در سطح کلان کشور را دارا باشد.

۱ همان. اصل ۱۱۵.

ایرانی الاصل و تابع ایران: دلیل این شرط واضح است چون رییس جمهور، به عنوان رییس جمهور و منتخب مردم به عنوان عالیترین مقام اجرای کشور انتخاب می شود و از اولی ترین شرایط این ویژگی ایرانی بودن و داشتن تابعیت ایران است.

مدیر و مدبر: لازمه مدیریت و مسئولیت آن هم در سطح ریاست جمهوری، برخورداری از توانمندی مدیریتی و تدبیر لازم است.

حسن سابقه: داشتن حسن سابقه از لوازم روشن چنین مسئولیتی است.

امانت و تقوا: رییس جمهور مسئولیت بزرگی را از جانب مردم به امانت می گیرد و از نخستین شرایط برای عهده دار شدن این مسئولیت و انجام صحیح آن برخورداری از امانت و تقواست.

معتقد به مبانی جمهوری اسلامی: بدون اعتقاد و باورمندی لازم به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور نمی توان از کسی که چنین مسئولیتی را بر عهده گرفته، انتظار انجام صحیح تعهدات و مسئولیت های آن را داشت.

رئیس جمهور بر اساس فحوای اصول قانون اساسی باید واجد خصوصیات زیر باشد:

۱. دارای قدرت مدیریت کلان بر منابع مالی و انسانی:

زیرا او مستقیماً مسئول امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور است، هر چند که می‌تواند آن را بر عهده دیگری بگذارد.^۱

۲. آگاهی نسبت به اختیارات وزرا و توانمندی برای هماهنگی و نظارت بر عملکرد آنان: مطابق اصل ۱۳۳ قانون اساسی، رئیس جمهور باید وزیر مناسب برای هر وزارتخانه‌ای را انتخاب کند. لذا لازم است که اختیارات هر یک از وزرا را بداند نیز باید بر کار وزیران نظارت داشته و تدابیر لازم برای هماهنگ ساختن آن را داشته باشد.^۲ پس باید بتواند مدیریت لازم را اعمال کند.

۳. توانمند در ایجاد تفاهم و هماهنگی بین وزرا و رفع اختلاف آنان: رئیس جمهور باید بتواند تصمیمات و مذاکرات هیئت وزیران را جمع بندی کند و برنامه و خط مشی دولت (برنامه ریزی دولتی) را تبیین کند.^۳

۴. قدرت سازماندهی و مدیریت دستگاه‌ها و معاونت‌ها.^۴

۵. آگاه به شرایط بین المللی موجود و حقوق بین الملل: درک لازم را از شرایط بین المللی موجود داشته باشد. زیرا بخشی از حوزه مسئولیت او مربوط به سیاست خارجی کشور

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۲۶.

۲. همان اصل ۱۳۴.

۳. همان.

۴. همان.

و روابط با سایر کشورها است. مسئولیت انتخاب سفراء و حضور در مجامع بین المللی با او است^۱ امضای معاهدات و صلح دعاوی بین الملل با رئیس جمهور است و باید واجد قدرت بیان و مجاب کردن مخاطبین در عرصه‌های داخل و خارج را داشته باشد.^۲

۶. توانمند در حفظ و تأمین امنیت کشور و توانا در هماهنگی بین ارکان امنیتی کشور زیرا او رئیس شورای امنیت ملی است.^۳

۷. هماهنگ با ولایت فقیه: به این معنا که قدرت و آمادگی هماهنگی با رهبری را داشته باشد زیرا قوای سه گانه زیر نظر ولایت مطلقه هستند لذا باید سلسله مراتب اداری را نسبت به رهبری داشته باشد.^۴

۸. مروج فرهنگ اسلامی و رافع موانع آن: توان و آمادگی لازم برای ترویج دین، اخلاق و مقابله با نفوذ فرهنگ منحط غرب را داشته باشد، به ویژه که این موضوع در قسم ریاست جمهوری^۵ آمده است و به همین دلیل باید بتواند در زمینه ارتقاء فرهنگ و ارزش‌های والای اسلامی و انسانی در جامعه کوشا باشد.

۱. همان اصول ۱۲۵ و ۱۲۸.

۲. همان اصول ۱۳۹ و ۷۷.

۳. همان اصل ۱۷۶.

۴. همان اصل ۵۷.

۵. همان اصل ۱۲۱.

۹. پرهیز از انحصار طلبی: توان و قابلیت استفاده از مشارکت سیاسی اجتماعی همه جانبه گروه‌ها و اقشار جامعه در سرنوشت کشور را داشته باشد. زیرا اصل ۱۲۱ قانون اساسی می‌گوید باید رئیس جمهور از هرگونه خودکامگی، استبداد و انحصار طلبی به دور باشد.

۱۰. مسئولیت پذیری: مسئولیت پذیر و وظیفه شناس در انجام تعهدات اداری باشد، زیرا در اصل ۱۲۲ آمده است که او در قبال ملت. رهبر و مجلس مسئول است و باید بتواند به کارآمدی نظام ارتقا بخشد.

حکم تنفیذ ریاست جمهوری توسط رهبر در نظام جمهوری چرا انجام می‌شود و آیا به معنای بی‌اعتنایی به رأی مردم نیست؟

پس از انتخاب رئیس جمهور در انتخابات به موجب بند نهم اصل یکصد و دهم قانون اساسی امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم با مقام رهبری است. ماهیت این تفنید بعد از انتخاب مردم چیست؟ آیا در نظر گرفتن این مسأله به معنای بی‌اعتنایی به رأی و نظر مردم نیست؟ برخی بر پایه اصل حاکمیت مردم، امضای حکم تنفیذ ریاست جمهوری توسط رهبری را نوعی حکم تشریفاتی دانسته و بر این باورند که: «حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود که در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی آمده است، نوعاً از طریق آراء عمومی، از راه انتخابات و همه‌پرسی اعمال می‌شود

که انتخابات رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم یعنی همان رأی عمومی صورت می‌گیرد. فلذا می‌توان گفت که شرط لازم برای احراز مقام ریاست جمهوری، کسب آراء مردم است. مخالفت و عدم امضای حکم رئیس جمهور بی‌اعتنایی به آراء عمومی و حاکمیت مملی تلقی می‌شود. در صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در اصل صد و پانزده آمده است، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان برسد. در این خصوص، شورای نگهبان که نیمی از اعضای آن فقهای منصوب مقام رهبری می‌باشند، نظارت و کنترل لازم را با دقت تمام بر شرایط داوطلبان ریاست جمهوری می‌نماید و صلاحیت آنان را مورد تأیید قرار می‌دهد. از طرف دیگر شورای مذکور طبق اصول نود و نهم و یکصد و هیجدهم، بر انتخابات ریاست جمهوری نظارت می‌کند. بنابر این یکی از داوطلبان صالح پس از شرکت در انتخابات صحیح مردمی به ریاست جمهوری نائل می‌گردد. با توجه به این که نظر مقام رهبری در نظارت‌های مذکور کاملاً تأمین شده است، صلاحیت و درستی رئیس جمهور بدون تردید به نظر می‌رسد و رهبری جزء امضاء راه دیگری پیش روی نخواهد داشت و امضای وی تشریفاتی است.^۱

در مقابل عده‌ای این حکم را تشریفاتی ندانسته و

۱ . هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۶.

معتقدند که در این خصوص، مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، حکایت از تنفیذی بودن امضاء دارد^۱ علاوه بر آن ماه یکم قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ در این ارتباط مقرر می‌دارد. «دوره ریاست جمهوری ایران چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبار نامه بوسیله مقام رهبری آغاز می‌گردد.»

کسانی که حکم تنفیذ ریاست جمهوری را حکم تشریفاتی می‌دانند، به ماهیت نظام سیاسی کشور و اسلامی بودن آن توجه نکرده‌اند و تنها بر اساس اصل حاکمیت مردم چنین نظری را مطرح کرده‌اند، با آنکه همانگونه که اصل حاکمیت رأی مردم از اصول قانون است، رهبری ولی فقیه نیز از اصول قانون اساسی است.

نظام سیاسی کشور، نظام مبتنی بر ولایت فقیه است؛ همچنان که در اصل پنجم قانون اساسی نیز آمده است که ولایت امر و امامت امت، بر عهده فقیه عادل و با تقوی آگاه به زمان، شجاع و مدیر و مدبر است یعنی حاکمیت و ولایت بر کشور بر عهده فقیه است و مشروعیت ولایت دیگران باید مجاز و مأذون از طرف فقیه باشد و الا مشروعیت ندارند. از همین روست که طبق اصل صد و پنجاه و هفت تعیین ریاست قوه قضائیه و نیز عزل و نصب عالیترین مقام قوه

۱. همان، ص ۹۷.

قضائیه طبق قسمت ۲ «ب» اصل صد و دهم قانون اساسی جزو اختیارات رهبری و ولی فقیه است و در همین راستا است که در اصل پنجاه و هفتم ضمن قبول استقلال قوا مقرر می‌دارد که این قوا زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت به اجرای اعمال و وظایف خود می‌پردازند. و انتخاب مردم در این جا جنبه مقبولیت بخشی و اجرائی و عینیت بخشی به بُعد اجرایی ولایت امر و ولی فقیه است. زیرا ریاست بر قوه مجریه در اصل از آن رهبری و ولی فقیه است؛ بر این اساس است که اصل شصتم قانون اساسی مقرر دارد: اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است. یعنی بخاطر گستردگی اعمال اجرایی کشور بیشتر کارهای این مسئولیت رهبری به رئیس جمهور و هیأت وزیران تفویض شده است.

آن چه از مجموع قانون اساسی و جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام معلوم می‌گردد حق حکومت و اعمال ولایت در زمان غیبت از آن حاکم مشروع یعنی ولی فقیه است و سایر قوا تحت اشراف و نظارت وی اعمال حاکمیت می‌کنند و بدون اذن و تنفیذ وی هر چند مقبولیت داشته باشند ولی مشروعیت نخواهد داشت فلذا امضاء حکم ریاست جمهوری توسط ولی فقیه یک امضاء تشریفاتی نیست بلکه تنفیذی است.

در بینش اسلامی، مشروعیت از منبعی سرچشمه می‌گیرد که حاکمیت مطلق در آنها رواست و تنها خداوند از حاکمیت مطلق برخوردار است، زیرا همه جهان ملک خداوند است و هیچ کس بدون اذن او حق تصرف در آن را ندارد، حکومت به انسان‌ها نیز از شئون ربوبیت تشریحی است و تنها کسانی حق حاکمیت به دیگران را دارند که از طرف خداوند منصوب شده باشند. به عبارت دیگر «براساس اعتقاد توحیدی خداوند ربّ و صاحب اختیار هستی و انسان‌هاست، چنین اعتقادی ایجاب می‌کند که تصرف در امور مخلوقات با اذن خداوند صورت گیرد و از آن جا که حکومت و تنظیم قوانین و ایجاد نظم، مستلزم تصرف در امور انسان‌هاست، این امر تنها از سوی کسی رواست که دارای این حق و اختیار باشد، یا از طرف او مأذون و منصوب باشد وقتی خداوند که منشأ حقوق است حق حکومت و ولایت به مردم را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام و یا جانشین امام معصوم واگذار نموده است او حق دارد احکام الهی را در جامعه پیاده کند، چون از ناحیه کسی نصب شده است که همه هستی و حقوق و خوبی‌ها از اوست.»^۱ بنابراین از دیدگاه اسلام، منبع و سرچشمه مشروعیت، حکومت الهی بوده و از ولایت تشریحی و یا اراده تشریحی خداوند سرچشمه

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ۱۳۷۸، ج ۲ ص ۴۰.

می‌گیرد، زیرا اساساً هیچ‌گونه ولایتی جز با انتساب به نصب و اذن الهی مشروعیت نمی‌یابد، تأمل در ادله‌ای که در منابع اسلامی آمده^۱ حاکی از آن است که در عصر غیبت تنها فقیهانی که دارای صلاحیت‌ها و شایستگی‌های علمی، عملی و اخلاقی باشند حق حکومت دارند بنابراین حق حاکمیت از آن خداست نه مردم تا بخواهند آن را به کسی واگذار کنند. البته نفی حق مردم در مشروعیت حکومت به معنای نادیده گرفتن نقش و جایگاه مردم نبوده و مردم در عینیت بخشی و کار آمدی حکومت نقش اساسی دارند زیرا بدون مشارکت همکاری مردم، حکومت اسلامی فاقد قدرت اجرایی خواهد بود و نمی‌تواند احکام اسلامی را اجرا کند در حقیقت مشارکت و حضور مردم به حاکم اسلامی بسط ید و قدرت می‌دهد تا در سایه آن، احکام و قوانین دین را در جامعه اجرا کند. بنابراین هر چند مردم هیچ مشروعیتی به حکومت اسلامی نمی‌دهند و مشروعیت آن از سوی خداوند است ولی انتخاب مردم در مقام فعلیت بخشیدن و تحقق حکومت اسلامی مؤثر است و رأی و رضایت آنان باعث بوجود آمدن آن می‌شود بر این اساس پذیرش و آرای مردم شرط لازم و نه کافی برای تحقق عینی حکومت است، رأی مردم به مثابه قالب است و روح مشروعیت را اذن الهی تشکیل می‌دهد.^۲

۱. ر.ک به، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، عبدالله جوادی آملی، قم: مرکز نشر اسراء ۱۳۷۸.

۲. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، پیشین، ج ۲ ص ۳۸.

بنابر این، «این بند (بند نهم اصل یکصد و دهم قانون اساسی) به يك نکته بسیار دقیق اشاره می‌کند که انتخاب مردم برای مشروعیت حکومت کافی نیست بلکه برای تشخیص مصداق و تعیین صلاحیت از رأی مردم استفاده می‌شود، اما اصل مشروعیت تصرف در امور و شئون مردم که باید از خداوند متعال سرچشمه بگیرد از طریق ولی امر و رهبر فقیه که خود از طرف امام معصوم معین شده، تعیین می‌شود که این کار با امضای حکم ریاست جمهوری صورت می‌گیرد یعنی وقتی مردم صلاحیت او را مشخص کردند ولی فقیه اجازه تصرف و دخالت در امور را به او خواهد داد و بدین وسیله رئیس جمهور مشروعیت خواهد داشت.»^۱ در حقیقت «قدرت اجرایی که عینیت حاکمیت قوه مقننه نیز هست، يك نوع ولایتی است که گرچه مردم به رئیس جمهور تفویض می‌کنند؛ ولی تا مشروعیت الهی نداشته باشد نمی‌تواند بر مردم الزام آور باشد، قوه مجریه از نظر دیدگاه اسلامی و مکتبی، تا بوسیله ولی فقیه حکمش تنفیذ و امضاء نشود، از سلطه حاکمیت و قدرت اجرایی مشروع برخوردار نخواهد بود.»^۲ بنابراین تنفیذ حکم ریاست جمهوری با امضای رهبر به معنای مشروعیت بخشیدن به قدرت اجرایی و حاکمیتی است که رئیس جمهور با انتخاب

۱. یزدی، محمد، شرح و تبیین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: امام عصر (عج)، ۱۳۸۲، ص ۵۵۱ و ۵۵۲.

۲. عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۱ ص ۲۸۷.

و رأی مردم بدست آورده است و این برخاسته از بینش اسلامی است که مشروعیت حاکمیت باید منتسب به اذن و نصب الهی باشد و بدون آن حاکمیت مشروع نخواهد بود. از این رو ولی فقیه که مأذون و منصوب از سوی امام معصوم علیه السلام است با امضای حکم ریاست جمهوری به قدرت اجرایی او مشروعیت می‌بخشد.

بنابراین؛ تنفیذ حکم ریاست جمهوری از سوی رهبر به معنای بی‌اعتنایی و اهانت به رأی مردم نیست، بلکه بمعنای مشروعیت بخشیدن به تصرفات اجرایی و مسئولیت‌های قانونی است که رئیس جمهور بر عهده دارد. البته رهبر فردی را که براساس قانون و تأیید شورای نگهبان و انتخاب مردم، معین شده و شرایط و شرایط لازم را برای عهده دار شدن ریاست جمهوری دارا هست، حکم ریاست جمهوری او را امضاء خواهند نمود. چنانکه معمول و سیره عملی رهبری انقلاب از ابتدا تاکنون چنین بوده است. بدیهی است که این تنفیذ، تا زمانی است که وی بر طبق موازین اسلام عمل نماید، در غیر این صورت مشروعیت خود را از دست خواهد داد. البته ناگفته نماند که در متن قانون اساسی کلمه «تنفیذ» بکار برده نشده و تنها کلمه «امضاء» آمده است اما «به اعتقاد اکثر حقوقدانان، مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی^۱ حکایت از تنفیذی بودن امضاء (در

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهران: اداره

مقابل تشریفاتی بودن آن) دارد علاوه بر آن ماده یک قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی مصوب ۶۶/۴/۵ در این ارتباط مقرر می‌دارد: «دوره ریاست جمهوری ایران چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه توسط رهبر آغاز می‌گردد.»^۱

رییس جمهور اصلح از منظر رهبری باید از چه ویژگی‌ها و شاخصه‌های برخوردار باشد؟

مقام معظم رهبری در برهه‌های مختلف، ویژگی‌ها و شاخصه‌های نامزد اصلح برای ریاست جمهوری را بر شمرده‌اند که مربوط به زمان خاصی نبوده و ناظر به نیازها و اولویت‌ها و جهت‌گیری کلی کشور است که به بخشی از عمده‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱. پایبندی به انقلاب و ارزش‌ها

«باید رو به پیشرفت باشیم، رو به تعالی و تکامل باشیم، تدریجاً بهترین‌های خودمان را بفرستیم؛ هر کسی می‌آید، پایبند به انقلاب، پایبند به ارزش‌ها، پایبند به منافع ملی، پایبند به نظام اسلامی، پایبند به عقل جمعی، پایبند به تدبیر باشد. اینجوری باید این کشور را اداره کرد. کشور، کشور بزرگی است؛ ملت، ملت با عظمتی است؛ مسائل تشویق‌کننده و مبشر، فراوان است؛ مشکلات هم بر سر راه هر ملتی، و

کل امور فرهنگی مجلس، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲.

۱. جوان آراسته، حسین، مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۱.

از جمله بر سر راه ما وجود دارد. آن کسانی که آماده‌ی این میدان میشوند، باید با کمال قوّت، با کمال قدرت، با توکل به خدا، با اعتماد به توانائی‌های این ملت پیش بروند.»^۱

۲. تدین، امانت و صداقت

«اساس در همه‌ی مسئولیت‌ها تدین، امانت و صداقت است. اگر آدم‌های کارآمد امانت و صداقت نداشته باشند، کارآمدی آنها به نفع مردم تمام نخواهد شد. علاوه بر کارآمدی، انسانها باید متدین، امین، صادق، رو راست و دلبسته‌ی به اهداف و آرمان‌های دینی مردم باشند. این‌طور افراد را پیدا کنید و به آنها رأی دهید.»^۲

۳. برخوردار از روحیه مقاوم، با تدبیر و حکمت

«نامزد انتخابات اولاً باید به خدا و به این انقلاب و به قانون اساسی و به این مردم ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ ثانیاً دارای روحیه مقاوم باشد. این ملت اهداف بلندی دارد، کارهای بزرگی دارد، تسلیم نیست، کسی نمی‌تواند با این ملت با زبان زور حرف بزند. کسانی که در رأس قوه اجرائی قرار میگیرند، باید کسانی باشند که در مقابل فشارهای دشمنان مقاوم باشند؛ زود نترسند، زود از میدان خارج نشوند؛ این یکی از شرطهای لازم است. ثالثاً انسانهای با تدبیری باشند، با

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۹۲/۷/۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۸۵/۹/۲۲.

حکمت باشند. ما در سیاست خارجی گفتیم «عزت و حکمت و مصلحت»؛ در اداره کشور هم همین جور است، در مسائل داخلی هم همین جور است، در اقتصاد هم همین جور است؛ باید با برنامه، با حکمت، با تدبیر، با نگاه بلندمدت و همه جانبه، با یک هندسه صحیح کارها را مشاهده کنند، نگاه کنند، وارد میدان شوند.»^۱

۴. بی‌اعتمادی نسبت به شیوه‌های اقتصادی شرق و غرب

«روزمژه فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاستهای اقتصادی به طور دائم، مضر است - در همه بخشها، بخصوص در اقتصاد - تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛ اعتماد کردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است. رئیس جمهوری که می‌خواهد این کشور بزرگ را اداره کند، این راه پرافتخار را به کمک مردم و برای مردم طی کند، باید این چنین خصوصیتی داشته باشد.»^۲

۱ . بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران و فعالان بخش تولید کشور؛
۱۳۹۲/۲/۷

۲ . همان.

۵. حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدفهای انقلاب

معیار اصلی این است که کسانی سرکار بیایند که همتشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدفهای انقلاب باشد. آنچه مادر این سالهای طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدفهای انقلاب بوده است؛ هر جایی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدفهای انقلاب اسلامی و هدفهای اسلامی بوده است. کسانی سرکار بیایند که مصداق: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بیپوشند و وارد میدان شوند.»^۱

۶. تلاش برای باز کردن گره مشکلات و الگو کردن جمهوری اسلامی

«ببینیم آن کسی که می‌تواند برای انقلاب، برای کشور، برای آینده، برای عزت ملی، برای باز کردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه معاندان، و برای الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند، کیست؟»^۲

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۲/۲۵.

۲. بیانات در مراسم دانش آموختگی دانشجویان افسری و تربیت پاسداری دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۲/۳/۶.

۷. دردشناس ترین و دردمندترین نسبت به نیازهای مردم

«هنر ملت ایران و مردم شهرها و حوزه‌های انتخابیه این است که دقت کنند، نگاه کنند، بشناسند اصلح را، بهترین را انتخاب کنند. بهترین از لحاظ ایمان، بهترین از لحاظ اخلاص و امانت، بهترین از لحاظ دینداری و آمادگی برای حضور در میدانهای انقلاب. دردشناس‌ترین و دردمندترین نسبت به نیازهای مردم را انتخاب کنند.»^۱

«به کسی گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده مردم و به عزت مردم اهمیت می‌دهد.»^۲

۸. فانی در خدمات و مصالح و منافع عمومی مردم

«آدم‌هایی را انتخاب بکنند که وقتی رفت در آن مسند نشست خودش را سپر بلای مشکلات کشور قرار بدهد، فانی در خدمات و مصالح و منافع عمومی مردم باشد، کشور را به دشمن نفروشد، مصالح کشور را برای رودربایستی با این و آن زیر پا نگذارد؛ باید این را انتخاب کنند. این می‌شود یک انتخابات خوب.»^۳

۹. به فکر دین، فرهنگ و معیشت مردم

«اصلح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد. اصلح کسی است که

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۹.

۳. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۴/۱۰/۳۰.

بتواند این بارِ عظیم را بردوش بگیرد؛ هرکسی نمی‌تواند این بار را بردوش بگیرد؛ نشاط و حوصله و همت و قدرت لازم و هوشمندی لازم دارد.»^۱

۱۰. مردمی و ساده‌زیست

«اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید.»^۲

دلیل حمایت رهبری از دولتها با وجود گرایشات و عملکردهای متفاوت چیست؟

حمایت رهبری از همه رؤسای جمهوری و دولت‌هایی که مسئولیت اجرایی کشور را در یک مقطع زمانی بر عهده گرفته‌اند، بر اساس جایگاه و نقشی است که ایشان در هدایت و رهبری کشور بر عهده دارند. ایشان در اصل حمایت از کلیت دولت‌ها، هیچ تفاوتی در میان دولت‌ها نگذاشته‌اند و از همه دولت‌ها حمایت و پشتیبانی نموده‌اند، زیرا هر دولت و رئیس جمهوری که در یک برهه زمانی سرکار می‌آید. با رأی و انتخاب اکثریت مردم انتخاب شده است و به عنوان رئیس جمهور

۱. بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت؛ ۱۳۸۴/۲/۱۷.

۲. بیانات در جمع مردم استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲.

منتخب مردم، اداره امور اجرایی کشور را بر عهده می‌گیرد و باید مورد حمایت نظام قرار بگیرد و حمایت از آن در واقع، احترام به آرا و نظرات مردم و حمایت از مطالبات مردم از رئیس جمهور و زمینه ساز تحقق آنها می‌باشد. در اینجا مسأله، مسأله فرد نیست، مسأله جایگاه ریاست جمهوری و مدیریت امور اجرایی کشور است که مورد حمایت قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «بنده حقیر هم به عنوان خدمتگزار از رئیس جمهور و از کلیت دولت مثل همیشه حمایت خواهم کرد. دأب بنده و قبل از من دأب امام عزیز و بزرگوار ما این بوده وهست و ان شاء الله خواهد بود ما از رئیس جمهور که منتخب مردم است، حمایت می‌کنیم از کلیت دولت حمایت می‌کنیم، از حقوق و مطالبات مردم هم حمایت می‌کنیم.»^۱ همچنین فرمودند: «بنده همیشه از دولت‌ها حمایت کرده‌ام؛ امام هم در هر برهه‌ای، از دولت‌ها و رؤسای قوه مجریه و مسئولین دولتی حمایت می‌کردند. دلیلش هم واضح است. چون عمده بار اداره مدیریت کشور بر عهده قوه مجریه است و نظام باید از قوه مجریه، از رئیس جمهور، از مسئولین و از وزرا، حمایت کند. امام هم حمایت می‌کردند؛ بنده هم در دوره‌های گذشته همیشه حمایت می‌کردم.»^۲ «در همه دوران‌شان زده، هفده سالی که دولت‌های متعددی سر کار بودند و چهار بار ما انتخابات

۱. بیانات در نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۵/۲۸.

۲. بیانات در دیدار آقای احمدی نژاد و هیئت دولت؛ ۱۳۸۷/۶/۲.

ریاست جمهوری داشتیم و دو شخصیت محترم در این مدت مسؤول بودند، موضع بنده همین موضع بود؛ بدون کم و کاست. معتقدم همه باید از رئیس جمهور و از دولت حمایت و به آنها کمک کنند. هیچ دولتی و هیچ کسی هم نیست که ما بتوانیم بگوییم از همه جهت کامل است؛ بالاخره هر کسی ممکن است در بخشی از کارش ضعفی وجود داشته باشد. دولتهای گذشته هم داشتند، این دولت هم مستثنا نیست. نباید ضعف‌ها را عمده کرد؛ نباید نقض‌ها را بر کمالها ترجیح داد؛ باید این را دید که وسط این میدان و وسط این گود، مجموعه‌ای به نام دولت قرار گرفته که در رأس آن رئیس جمهور است و بیشترین بار بر دوش اینهاست. همین چیزهایی که الان شما آقایان فرمودید و همه ما توقع داریم این کارها انجام بگیرد، جز با پشتیبانی و اهتمام دولت انجام نخواهد گرفت. مشکلات فرهنگی، مشکلات اقتصادی، مسائل سیاسی، داخلی، خارجی و غیره، همه متوجه به هر دولتی است که سر کار است. باید دولتها و رؤسای جمهور را تقویت کرد. این جا هم وظیفه سنگین است. این طور نباشد که بعضی به خاطر توقعات زیاد، و بعضی به خاطر برخی کدورت‌هایی که ممکن است وجود داشته باشد، از چند طرف دولت را تضعیف کنند. این وظیفه بزرگ ماست که دولت را تقویت کنیم؛ مسؤولیت سنگینی است که لازم است انجام بگیرد.»^۱

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۸۴/۶/۱۷.

البته این حمایت‌ها از دولت‌های مختلف بطور مطلق نبوده و در کنار این حمایت‌ها از جانب حضرت امام و مقام معظم رهبری، تذکرات و هشدارهای لازم هم بوده که در جای خود مطرح گردیده است لذا مقام معظم رهبری فرمودند: «بنده از دولت‌ها حمایت کرده‌ام از این دولت هم حمایت می‌کنم این به معنای این نیست که همه جزئیات کارهایی که انجام می‌گیرد مورد تأیید من است ... ممکن است مواردی هم انتقاد داشته باشم.»^۱

نکته دیگر این که حمایت رهبری از همه دولت‌ها به یک میزان نبوده و بسته به شعارها، خط مشی و گفتمان حاکم بر آن‌ها متفاوت می‌باشد و طبیعی است که در این میان دولتی که شعارها، اهداف و خط مشی‌های ترسیم شده از سوی آن با گفتمان اصیل اسلام، انقلاب و امام تطابق و هماهنگی بیشتری داشته باشد، از حمایت بیشتری برخوردار باشند. همانگونه که ایشان فرمودند «بنده از تمام نهادهای قانونی کشور به جدّ دفاع می‌کنم. آنچه که در مورد اشخاص و شخصیتها و نهادها برای من مهم است، دفاع از جایگاه و مسؤولیت آنها و کمک به حُسن انجام کارشان است. رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه، رئیس مجلس شورای اسلامی و بدنه اینها، دستگاه‌های قانونی گوناگون، از این

۱ . بیانات در دیدار دانشجویان نخبه برتران کنکور و فعالان تشکلهای سیاسی فرهنگی دانشگاهها؛ ۱۳۸۶/۷/۱۷.

جهت برای من در سطح واحدی قرار دارند و من از مسؤولیت همه آنها پشتیبانی و دفاع می‌کنم. البته این دفاع به خاطر این هم هست که بنده همه مسؤولان درجه بالا را از نزدیک می‌شناسم و خلوص و دین و پایبندی را در اینها مشاهده می‌کنم. البته این پشتیبانی‌ها مطلق نیست. پیمان من با همه این برادران عزیز، پیمان دین و انقلاب است.»^۱

بنابر این، رهبری در طول دوران رهبری خویش همواره از همه دولت‌ها حمایت کرده‌اند و حمایت ایشان اختصاص به دوره خاصی ندارد، اما در این میان دولتی که شعارها، اهداف و خط مشی آن با خطوط اصلی انقلاب و امام انطباق بیشتری داشته باشد، از حمایت بیشتری برخوردار خواهد بود و این در راستای مسؤولیت رهبری در حفظ و هدایت جهت‌گیری کلی نظام می‌باشد.

دولت آیت‌الله ریسی چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی داشت که تمجید ویژه رهبری را در این مدت به همراه داشته است؟

در حادثه بسیار تلخ و ناگوار سقوط بالگرد حامل رئیس جمهور و همراهانشان، کشور و مردم ما رئیس جمهوری را از دست دادند که همه توان و تلاش خود را برای حل مشکلات کشور و گشایش زندگی مردم به کار گرفته و خستگی نمی‌شناخت.

۱. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۴/۱۹.

مردم ما در این مدت کمتر از سه سال از دوره ریاست جمهوری، مسئولی را دیدند که به معنای واقعی کلمه خدمتگزار، پرتلاش و مردمی بوده و لحظه‌ای برای حل مشکلات مردم درنگ نکرده و خستگی به خود راه نداد و مردم قدرشناس ما، خوب ارزش خدمت را شناخته و در مراسم‌های تشییع پیکر رئیس جمهور شهید و همراهانشان، سنگ تمام گذاشتند و از خادم پرتلاش خویش این چنین تقدیر کردند و قدرشناسی بزرگتر ملت از رییس جمهور و خدمات او، انتخاب رییس جمهوری است که راه آن عزیز را ادامه داده و کار نیمه تمام او را به پایان رساند. مقام معظم رهبری فرمودند: «این حماسه انتخابات، مکمل حماسه بدرقه شهیدان است. این کار، مکمل کاری است که قبلاً گردید در بدرقه‌ی شهیدان. ملت ایران برای اینکه بتواند در معادلات پیچیده بین‌المللی منافع خودش را حفظ کند و عمق راهبردی خودش را تثبیت کند و ظرفیتها و استعدادهای طبیعی و انسانی خودش را به مرحله بروز و ظهور برساند و کام مردم را شیرین کند و همچنین بتواند حفره‌ها و رخنه‌های اقتصادی و فرهنگی را پر کند احتیاج دارد به یک به رئیس‌جمهور فعال، پرکار، آگاه، معتقد به مبانی انقلاب.»^۱

توجه به شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که شخص رییس

۱ . بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)؛
۱۴۰۳/۳/۱۴

جمهور شهید و دولت او برخوردار از آن بوده و تقدیر و تمجید رهبری را به همراه داشت، عیار مناسبی برای انتخابی صحیح و جایگزینی شایسته برای ادامه این مسیر خواهد بود.

اگر شهید رجایی و باهنر در دهه شصت به عنوان الگو و نماد خدمت و دولت انقلابی شناخته می‌شدند و نسل امروز تنها نامی از آنها شنیده بودند، آیت الله ریسی و دولت او چنین الگویی را در معرض دید نسل حاضر گذاشت و نسل امروز به چشم خود دیدند که در سخت‌ترین شرایط و ناامید کننده‌ترین وضعیت‌ها، می‌توان با تکیه بر اصول و آرمان‌ها انقلاب اسلامی، سایه ناامیدی را کنار زد و به حل مشکلات امیدوار بود و زمینه پیشرفت کشور را فراهم کرد. تلاش خالصانه رئیس جمهور شهید، نگاهی که با دل خوش کردن به الگوهای توسعه غربی به دنبال گدایی از آنان بوده و به داشته‌های خود بی‌اعتماد بودند را رسوا کرد.

جدا از تعابیری که رهبری در مورد شخص آیت الله ریسی به کار بردند و وی را برادر بسیار خوب و مسئولی کارآمد و با کفایت و جدی، خستگی ناپذیر، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزش، مغتنم، جامع‌الاطراف و فقدانش را خسارتی جبران ناپذیر برشمردند.

رئیس‌ی عزیز و دولت او در این مدت کوتاه خدمت خویش، مدال‌های افتخاری را از امام جامعه دریافت کرده و مورد

تمجید ویژه ایشان قرار گرفتند که این شاخصه‌ها و ویژگیها، نماد دولت انقلابی و معیاری برای دولت تراز انقلاب اسلامی خواهد بود و در انتخابات پیش رو عیاری برای انتخاب نامزدهای ریاست جمهوری و دولتی است که قرار است ان شاءالله راه این دولت را ادامه دهد.

مهمترین شاخصه‌ها و ویژگیهایی که تمجید دولت ریسی را از منظر رهبری به همراه داشت، از این قرار است.

۱. احیای امید و اعتماد عمومی

بزرگترین خدمتی که ریسی عزیز و دولت او برای کشور و مردم انجام دادند و مهم‌ترین توفیق آنها زنده کردن امید و اعتماد در مردم بود. مردمی که در سایه عملکرد ضعیف دولت قبل وزیر بار فشار مشکلات، ناامید شده و به اعتماد آنان آسیب وارد شده بود، با تلاش‌های دولت و حضور آنان در کنار مردم، بارقه امید در دل آنها زنده شده و اعتماد آنها به نظام ترمیم شد.

مقام معظم رهبری فرمودند: «به نظر من مهم‌ترین توفیق این دولت، زنده کردن امید و اعتماد در مردم است؛ این بزرگ‌ترین توفیق شما است. مجموع عملکرد دولت - چه شخص رئیس‌جمهور محترم، چه مسئولین در بخشهای مختلف - به مردم این احساس را داد که دولت وسط میدان است، مشغول کار است، دارد تلاش میکند و برای آنها خدمت می‌کند، می‌خواهد خدمت‌رسانی بکند؛ این [کار]،

امید مردم را و اعتماد مردم را تا حدود زیادی احیا کرد. در مواردی، این تلاش‌ها نتایج محسوسی هم داشت که مردم به چشم دیدند، مثل بخش سلامت، بخش‌های دیپلماسی، بعضی بخش‌های فرهنگی و غیره که نتایج روشن و مشخصی هم داشته؛ بعضی از آنها هم نتایجی داشته است لکن برای مردم باید این نتایج نشان داده بشود؛ نتایجی وجود داشته، منتها باید به مردم گفته بشود که این نتیجه حاصل شد، این اتفاق افتاد. در بعضی از کارها هم هنوز تلاشها به نتیجه نرسیده، لکن احساس می‌شود که کار دارد انجام می‌گیرد. این به نظر من بزرگ‌ترین توفیق شما است.»^۱

۲. برجسته شدن شعارهای انقلاب

در دولت آیت‌الله رئیسی برخلاف دولتهای قبل، شعارهای انقلاب به صورت آشکاری مطرح گردید. مقام معظم رهبری در مورد این شاخصه فرمودند: «برجسته شدن شعارهای انقلاب، شعارهای اسلام، مثل عدالت‌طلبی، مثل پرهیز از اشرافی‌گری، حمایت از مستضعفان، استکبارستیزی که اینها شعارهای اصلی انقلاب است؛ اینها در زبانها برجسته‌تر شده، واضح‌تر شده، و این خیلی چیز خوبی است.»^۲

تکیه دولت بر شعارهای انقلاب و تلاش برای تخطی نکردن از آن موجب شد تا در نگاه رهبری، آقای رئیسی مظهر

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۱۴۰۱/۶/۸.

۲. همان.

شعارهای انقلاب شود و این گونه از ایشان یاد کنند: «آقای رئیسی از همان ابتدا که وارد تبلیغات انتخابات شد، بر روی شعارهای انقلاب و سخنان امام تکیه کرد و همه دنیا ایشان را به عنوان رئیس جمهور انقلاب می‌شناختند.»^۱

۳. مردمی بودن به معنای واقعی

آقای ریسی و دولت او در عمل مردمی بودن و در میدان حضور داشتن را نشان داد و اینکه در مشکلات در کنار مردم حضور داشته و برای حل آن تلاش می‌کند.

مقام معظم رهبری در مورد این ویژگی دولت وی فرمودند: «حضور در بین مردم و مواجهه مستقیم و صمیمی و متواضعانه با آنها، بسیار با ارزش است. ما حق نداریم از جایگاه بالا و متکبرانه با مردم حرف بزنیم؛ زیرا ما اصلا کسی نیستیم و آنچه هست متعلق به مردم است و اگر مسئولیتی هم به ما داده شده، اولاً مردم داده‌اند و ثانیاً برای خدمت به مردم است.»^۲

مقام معظم رهبری: «کرامت و عزت و حرمت قائل شدن برای مردم و میدان دادن به آنها و تکریم و اعتماد به جوانان را از ویژگی‌های ممتاز رئیس جمهور فقید برشمردند.»^۳

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای خدمات؛ ۱۴۰۳/۳/۵.

۲. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۱/۶/۸.

۳. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)؛ ۱۴۰۳/۳/۱۴.

۴. سرعت عمل در قبال حوادث غیر مترقبه

از ویژگی‌های مشهود دولت آقای ریسی، واکنش و سرعت عمل مناسب در حوادث پیش بینی نشده و حضور میدانی برای حل مشکلات مردم بود. مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «سرعت عمل شما در قبال حوادث پیش بینی نشده مثل سیل، مثل حوادثی که اتفاق می‌افتد. این سرعت عمل خیلی چیز مهمی است. اینکه یک جایی زلزله بشود، سیل بیاید، بلافاصله مسئولین خودشان را برسانند آنجا و بالای سر کار بایستند و کار را سامان بدهند، این خیلی چیز باارزشی است. رئیس‌جمهور محترم از سفر خارجی برگشتند، بلافاصله رفتند کرمان سراغ سیل زده‌ها؛ یا وزیر محترم چند روز می‌رود بالای سر یک کاری می‌ایستد؛ اینها مهم است. این یکی از توفیقات شما است که نشان‌دهنده همدرد بودن دولت با مردم و در میدان بودن دولت است. اینهایی که من عرض می‌کنم به عنوان توفیقات، فقط تمجید شما مورد نظر نیست؛ آنچه مورد نظر است این است که این رشته را از دست ندهید، این سبک کار را مواظب باشید که از دست نرود؛ این را حفظ کنید.»

۵. نگاه به درون برای حل مشکلات

در این دولت بر خلاف دولت قبل و نگاه برخی جریان‌های

سیاسی، برای حل مشکلات کشور نگاه به درون کشور و ظرفیت‌های آن متمرکز شده و از چشم دوختن به بیرون پرهیز شد.

مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: «یک توفیق دیگر این دولت این بود که جامعه را از حالت چشم‌انتظاری و نگاه به بیرون خارج کرد. از این حالت که همیشه منتظر باشیم ببینیم دیگران درباره ما چه می‌گویند، چه تصمیم می‌گیرند، چه کار می‌خواهند بکنند خارج شده؛ به ظرفیتهای داخل کشور اهمیّت داده شده، روی آنها تکیه شده، کار دارد می‌شود. اینکه حالا باید حتماً با فلان کشور ارتباط برقرار کنیم تا مشکلاتمان حل بشود یا فلان گره باید از فلان جا باز بشود تا مشکلات ما حل بشود، این خیلی برای کشور مضر است؛ این شرطی کردن حوادث کشور و در انتظار دیگران نگه داشتن، چیز بدی است که این الحمدلله در دولت شما به میزان زیادی کاسته شده.»^۱

۶. کار و تلاش بی وقفه و برجای گذاشتن حد نصاب جدیدی از خدمتگزاری

مقام معظم رهبری در مورد این شاخصه دولت ریسی فرمودند: «همه اعتراف کردند که او مرد کار و عمل و خدمت و صفا و صداقت بود. برای خدمت شب و روز نمی‌شناخت.

رئییسی عزیز در خدمتگزاری به کشور و ملت نصاب جدیدی ایجاد کرد که با وجود تلاش خدمتگزاران قبلی، تاکنون در این حد و حجم و کیفیت و با این صداقت و پرکاری نبوده است.»^۱

۷. پرهیز از حاشیه سازی و بهانه تراشی

دولت آقای رییسی دولتی به دور از حاشیه و دولت خدمت و کار بود.

مقام معظم رهبری در مورد این ویژگی دولت خاطر نشان کردند: «این دولت از فرافکنی و بهانه تراشی احتراز کرده و مسئولیت پذیر بوده. ما در این مدت از مسئولین محترم دولتی نشنفتیم که بگویند: نمی گذارند کار کنیم، اختیار نداریم، اختیارات دست ما نیست؛ از این حرفها نشنفتیم از شما. مسئولیت پذیری خیلی چیز خوبی است؛ می گوید ما هستیم، باید کار کنیم و کار هم می کنیم؛ این نقطه مثبت بسیار مهمی است.»^۲

۸. سبک مدیریتی ویژه

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «سبک مدیریتی او در بین همکارانش، ویژه و همراه با صفا و صمیمیت بود. او حتی با کسانی که به او بدی و اهانت کرده بودند با کرامت

۱. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)؛
۱۴۰۳/۳/۱۴

۲. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۱/۶/۸.

برخورد می‌کرد و پاسخ تند و زشت و عصبی به آنها نمی‌داد.»^۱

۹. ساده زیستی، روحیه جهادی و جوانگرایی

از شاخصه‌های دولت آقای ریسی ساده زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری و روحیه جهادی و میدان به جوانان بود که مورد تحسین رهبری قرار گرفت. ایشان ساده‌زیستی، مواضع انقلابی، روحیه جهادی و بکارگیری جوانان در رده‌های گوناگون مدیریتی را از کارهای تحسین برانگیز دولت خواندند.»^۲

۱۰. تحرک در سیاست خارجی

تحرک و پویایی سیاست خارجی کشور در دوره ریاست جمهوری آقای ریسی کاملاً مشهود بود و همانگونه که فرمودند: «تحرک فراوان و با برکت در سیاست خارجی برای حال و آینده کشور و استفاده از فرصت‌ها و برجسته کردن ایران در چشم رجال سیاسی دنیا از خصوصیات شهید ریسی بود.»^۳

البته توجه به این شاخصه‌ها به معنای بی‌عیب و نقص دانستن دولت سیزدهم و نادیده گرفتن ضعف‌ها و

۱. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)؛ ۱۴۰۳/۳/۱۴.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت با رهبر انقلاب؛ ۱۴۰۲/۶/۸.

۳. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)؛ ۱۴۰۳/۳/۱۴.

کاستی‌های آن نبوده، اما بیانگر جهت‌گیری صحیح و رویکرد اصولی دولت و تلاش و عزم آن برای تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است که آن را شایسته تقدیر و تمجید و الگو پذیری قرار داده است.

این شاخصه‌ها به عنوان معیارهای دولت تراز انقلاب اسلامی هم باید ملاک انتخاب افراد از سوی مردم قرار بگیرد و هم نصب العین دولت آینده باشد تا پیشرفت شایسته کشور را رقم زند. همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «هر یک از این خصوصیات برای سیاستمداران ما و رؤسای جمهور آینده و منتخبان ملت در همه بخش‌ها سرمشق است.»^۱

۱. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)؛
۱۴۰۳/۳/۱۴.

